



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



راه‌های تقویت مفردیت

در حج و زیارت

محقق: عباس رحیمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راه های تقویت فرهنگ حجاب

نویسنده:

عباس رجبی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	راه های تقویت فرهنگ حجاب
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	دیباچه
۲۳	مقدمه
۲۳	اشاره
۲۵	حجاب از دو دیدگاه افراط و تفریط
۳۵	فصل اول: حجاب در اماکن مقدس
۳۵	اشاره
۳۷	حجاب در احرام
۴۰	ماجرای چسبیدن دست زن و مرد نامحرم در حال طواف
۴۱	شبهات حج و حجاب
۴۲	نشانه قبولی زیارت
۴۴	استفتائات از مراجع تقلید درباره حجاب
۵۳	زینت در لباس احرام
۵۵	فصل دوم: اهمیت حجاب و پوشش در قرآن و سیره امامان معصوم (علیهم السلام)
۵۵	اشاره
۵۵	اهمیت حجاب در قرآن
۵۵	اشاره
۵۶	داستان شأن نزول آیه حجاب
۵۷	دومین آیه حجاب
۵۷	داستان شأن نزول آیه دوم حجاب
۵۸	حجاب در برابر نابینا

- داستان دختران شعیب و حضرت موسی (علیه السلام) ۵۹
- حضرت مریم (علیها السلام) و حجاب ۶۳
- مردان و حفظ حجاب زنان ۶۵
- حجاب و پوشش در سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ۶۸
- اشاره ۶۸
- ناراحت شدن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از بدحجاب ۶۹
- «ام رعله» و سفارش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به او ۷۰
- پیامد بی‌توجهی به حجاب ۷۱
- سفارش پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) به رعایت حجاب ۷۲
- بی‌توجهی به حجاب همسر ۷۲
- حجاب در سیره امیرمؤمنان علی (علیه السلام) ۷۳
- امام علی (علیه السلام) و نامحرم ۷۳
- سلام کردن به نامحرم ۷۴
- زائر مرقد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) ۷۵
- حجاب در سیره حضرت زهرا (علیها السلام) ۷۶
- اشاره ۷۶
- حضرت فاطمه (علیها السلام) و مرد نابینا ۷۶
- حضرت فاطمه (علیها السلام) و سخنرانی در مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) ۷۷
- توجه حضرت فاطمه (علیها السلام) به حجاب در آخرین لحظه‌های عمر ۷۸
- تقرب به حضرت فاطمه (علیها السلام) ۷۹
- پرسشی که همه جز حضرت فاطمه (علیها السلام) ، از پاسخ آن درماندند ۸۱
- حجاب در سیره امام صادق (علیه السلام) ۸۲
- اشاره ۸۲
- ابوبصیر و شوخی با نامحرم ۸۳

۸۵	عیادت از نامحرم
۸۶	حجاب پیرزنان
۸۶	حجاب بدون چادر مخصوص زنان مسن
۸۹	حجاب در سیره امام رضا (علیه السلام)
۸۹	اشاره
۸۹	چرا حجاب بر زنان واجب شد؟
۹۰	داستانی از پیامدهای رعایت نکردن حجاب
۹۳	فصل سوم: حجاب و تحول
۹۳	مقدمه
۹۶	حجاب، یعنی از خود گذشتن
۱۰۰	حجاب از دیدگاه روان‌شناسی
۱۰۰	تأثیر حجاب در رشد شخصیت زن
۱۰۶	حجاب و نقش آن در کاهش اضطراب
۱۰۷	نمونه‌هایی از پیامدهای مثبت حجاب و بی‌حجابی
۱۰۷	داستان اسلام آوردن زن آمریکایی به برکت حجاب
۱۰۹	خواننده ترکیه‌ای و حجاب
۱۱۱	تأثیر بی‌عفتی بر روح و جان
۱۱۲	حجاب و امنیت
۱۱۴	حجاب و آرامش روانی
۱۱۹	حافظان حجاب
۱۲۰	جان باختن برای حفظ حجاب
۱۲۱	حاکم و زن باغبان
۱۲۲	حجاب دختران کسرا پادشاه ایران
۱۲۳	جلوگیری از ورود خانواده بی‌حجاب رضاخان به حرم حضرت معصومه (علیها السلام)

- داستان حجاب در کشورهای به اصطلاح متمدن ۱۲۵
- مروه شربینی، شهید حجاب ۱۲۶
- پرداخت مالیات برای حفظ حجاب ۱۲۷
- ماجرای دانش‌آموز آمریکایی که باحجاب شد ۱۲۹
- حجاب زنان تازه‌مسلمان در غرب ۱۳۰
- حجاب و تحول فکری زنان غربی ۱۳۱
- پاداش عفت و حجاب ۱۳۶
- توجه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به زن باحجاب ۱۳۸
- رؤیای صادقانه ۱۳۹
- فصل چهارم: راه‌کارهای گسترش حجاب ۱۴۱
- اشاره ۱۴۱
- گفتار اول: وظایف روحانیان و زائران برای مقابله با بی‌توجهی به حجاب ۱۴۲
- اشاره ۱۴۲
۱. توجه به ریشه‌ها و زیر ساخت‌های حجاب ۱۴۴
- اشاره ۱۴۴
- خاطره‌ای از تذکر دادن به حجاب ۱۴۵
- خاطره‌ای دیگر از تذکر دادن به حجاب ۱۴۷
۲. شتاب‌زدگی و عصبانیت در تذکر دادن به حجاب، ممنوع ۱۵۰
- اشاره ۱۵۰
- رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و تذکر به عفاف ۱۵۲
- خاطره‌ای از برخورد رهبر معظم انقلاب با بدحجابی ۱۵۲
- دو خاطره تلخ و شیرین ۱۵۴
۳. ایجاد نگرش مثبت به حجاب ۱۵۶
- اشاره ۱۵۶

۱۵۶	مبارزه با حجاب
۱۵۸	اصلاح نگرش به حجاب
۱۵۹	حجاب به سبک خاص
۱۶۰	۴. آگاه کردن زائران به پیامدهای منفی بی‌توجهی به حجاب
۱۶۰	اشاره
۱۶۲	رعایت حجاب هنگام استقبال از زوار در فرودگاه ایران
۱۶۵	حجاب پس از بازگشت از سفر
۱۶۶	۵-مخالفت با بدحجابی، نه با بدحجاب
۱۶۶	اشاره
۱۷۰	داستانی از تذکر دادن به رعایت حجاب
۱۷۱	تذکری زیبا
۱۷۲	گفتار دوم: راه‌کارهای پیشنهادی به مسئولان حج و زیارت
۱۷۲	اشاره
۱۷۴	۱. فرهنگ‌سازی برای حجاب کامل
۱۷۶	۲. تقدس‌بخشی به چادر
۱۷۶	اشاره
۱۷۹	ارزش چادر از دیدگاه آیت الله صافی
۱۸۲	۳. برگزاری کارگاه علمی برای حجاب
۱۸۳	۴. برگزاری جلسه‌های پرسش و پاسخ
۱۸۴	۵. تهیه فیلم و گزارش
۱۸۵	۶. برگزار کردن مسابقه‌های علمی حجاب
۱۸۶	۷. تقویت روحیه افراد متحول شده به‌وسیله حجاب
۱۸۶	اشاره
۱۸۷	راه‌کارهای تقویت تحول

۸. سخت‌گیری به رعایت حجاب ۱۹۳
۹. تشویق مدیران موفق ۱۹۴
- کتابنامه ۱۹۵
- درباره مرکز ۱۹۹

راه های تقویت فرهنگ حجاب

مشخصات کتاب

- سرشناسه: رجیبی، عباس، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور: راه‌های تقویت فرهنگ حجاب / تحقیق عباس رجیبی.
مشخصات نشر: تهران: نشر مشعر، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری: ۱۸۸ ص.
شابک: : ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۴۰۴-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۸۵]-۱۸۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع: حجاب
موضوع: حجاب -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
موضوع: حجاب -- تاثیر
موضوع: حجاب -- جنبه‌های اجتماعی
شناسه افزوده: نشر مشعر
رده بندی کنگره: BP۲۳۰/۱۷/ر۳/۲ ۱۳۹۱
رده بندی دیویی: ۲۹۷/۶۳۶
شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۸۹۲۰۷
ص: ۱

دیباچه

ص: ۱۱

حجاب و پوشش اسلامی، از احکام و موضوع‌هایی است که در منابع اسلامی جایگاهی ویژه دارد. این دستور قرآنی، نه تنها حافظ اخلاق و عفاف زنان جامعه است، بلکه مردان را نیز از آلودگی‌ها حفظ می‌کند. همچنین به زنان امنیت اجتماعی می‌بخشد و آنان را از نگاه‌های هوس‌بازان حفظ می‌کند. بنابراین حفظ حریم عفاف برای زنان، هم حق است و هم تکلیف؛ حق است، زیرا حق دارند با پوشش کامل، خود را از نگاه‌ها و هوس‌ها محفوظ دارند و تکلیف است، به این دلیل که سلامت جامعه، در گرو حفظ عفت و پاک‌دامنی آنهاست. بنابراین وظیفه دارند در سالم نگه‌داشتن فضای جامعه اسلامی بکوشند.

از فضاهایی که حضور زنان در آن، با پوشش کامل و حجاب اسلامی نشانه شخصیت والای زنان ایرانی و پیروان مکتب اهل بیت است، صحنه حج، عمره و سفرهای زیارتی است. از آنجا که این سفرها با اهدافی پاک و الهی صورت می‌گیرد، باید زن مسلمان ایرانی با پوششی پسندیده و متناسب، در این سفر حاضر شود.

ص: ۱۲

برای نهادینه شدن فرهنگ حجاب در این سفرهای معنوی و رعایت این حکم قرآنی از سوی همه زائران، اعم از مرد و زن، اثری با عنوان «راه‌های تقویت فرهنگ حجاب» در قالب داستان‌های آموزنده به قلم حجت الاسلام و المسلمین «عباس رجبی» تدوین شده است. نویسنده در این اثر کوشیده است وظیفه زائران را نسبت به حجاب تعیین کند.

امیدواریم زائران گرامی با مطالعه این اثر هم وظیفه خود را بشناسند و هم برای نهادینه کردن فرهنگ حجاب کوشا باشند.

انه ولی التوفیق

پژوهشکده حج و زیارت

گروه اخلاق و اسرار

ص: ۱۳

مقدمه

اشاره

سفرهای زیارتی، فرصت بسیار خوبی است که انسان می‌تواند از آنها برای تقرب به خداوند و در نتیجه برآورده شدن حاجات و مستجاب شدن دعاهایش بهره برد. البته بهره کامل بردن از این سفرهای نورانی که چه بسا فقط یک بار در عمر نصیب انسان شود، مشروط بر این است که زائر، آداب زیارت را رعایت کند.

آداب زیارت بر دو نوع است: نخست آداب ظاهری، مانند غسل کردن، لباس تمیز پوشیدن، ذکر گفتن و اذن دخول طلبیدن، آهسته قدم برداشتن، با حالت خضوع و خشوع وارد حرم شدن، صاحب حرم را زنده و ناظر اعمال خود دانستن، توجه به مقامات معنوی صاحب حرم و با چنین احساسی زیارت‌نامه خواندن و عرض سلام و ادب کردن و کارهایی مانند آن که رعایت آنها بسیار سفارش شده است.

دوم، آداب باطنی زیارت است. آداب باطنی زیارت، هماهنگ کردن باطن خود با شرع مقدس اسلام است؛ به عبارت دیگر، کسی که واجبات الهی را رعایت کند و خود را از آلوده شدن به گناهان باز دارد و اگر

ص: ۱۴

گناهی کرده است، با توبه کردن، روح و جان خویش را پاک گرداند، می‌تواند امیدوار باشد که بهره کامل را از زیارت خود می‌برد.

بنابراین، کسی که به قصد زیارت، به مکه و مدینه و عتبات عالیات و دیگر زیارتگاه‌ها مشرف می‌شود، برای بهره بردن از سفر، باید در درجه اول، اعمال و رفتار خود را اصلاح کند که در غیر این صورت، از لطف و عنایت الهی بی‌بهره می‌ماند. که شرط قبولی عمل، اخلاص و تقواست: *إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ*؛ «خدا فقط اعمال پرهیزکاران را می‌پذیرد». (مائده: ۲۷)

از مهم‌ترین مصداق‌های تقوا در سفرهای زیارتی و شرط قبولی اعمال و مورد توجه خدا و صاحب زیارت قرار گرفتن، رعایت حریم میان زن و مرد و به عبارت دیگر، رعایت حجاب و پوشش اسلامی از سوی زنان است.

در حقیقت، مهم‌ترین و برجسته‌ترین رفتار دینی و اجتماعی یک زن مسلمان، به‌ویژه زنی که با هدفی مذهبی و به عنوان زائر به سوی مشاهد مشرفه مانند مکه و مدینه و قبور مطهر ائمه (علیهم السلام) در عتبات عالیات سفر می‌کند، پوشش و حجاب اوست. امروزه نزد مردم پوشش و حجاب زنان و رفتار عقیفانه آنها در برابر نامحرم، ملاک مسلمان بودن و متدین بودن آنها به شمار می‌رود؛ زیرا حجاب از یک سو، نشانه عفت و حیا و پاکی زن، و از دیگر سو، نشانه غیرت و مردانگی و دین‌داری خانواده اوست. از این رو در این نوشتار تلاش شده است توجه زائران محترم به مسئله

ص: ۱۵

حجاب، معطوف شود.

دلیل دیگری که به اهمیت طرح این موضوع، به عنوان موضوعی پژوهشی می‌افزاید، این است که چون ماهیت سفر زیارتی، دینی، و از آموزه‌های دینی است، باید در این سفر بیش از موقعیت‌های دیگر به حجاب توجه داشت. همچنین، از آنجا که بیشتر این سفرها در خارج از کشور است و زائران ایرانی، نمایندگان جمهوری اسلامی و مکتب تشیع به‌شمار می‌روند، اگر حجاب و پوشش اسلامی را رعایت نکنند، آبروی مکتب اسلام و نظام جمهوری اسلامی خدشه‌دار خواهد شد.

امام صادق (علیه السلام) خطاب به پیروانشان می‌فرماید:

«كُونُوا لَنَا زَيْنًا وَلَا تَكُونُوا عَلَيْنَا شَيْنًا»^(۱)؛ «مایه زینت و زیبایی ما باشید، نه مایه ننگ و عار ما». حضرت در این سخن سفارش می‌کنند که پیروانشان کاری نکنند که آبروی آنها نزد پیروان دیگر مذاهب برود. از این رو کوشیده‌ایم موضوع حجاب را از جنبه‌های گوناگون، به‌ویژه در سفرهای خارجی و داخلی، بررسی کنیم. سعی شده است مطالب کتاب نیز به شیوه داستانی، نقل روایت و بیان خاطرات تلخ و شیرین باشد تا مطالعه آن خسته‌کننده نباشد.

حجاب از دو دیدگاه افراط و تفریط

در جامعه امروز ما، برداشت‌های گوناگونی درباره حجاب وجود دارد که برخی از آنها با اسلام سازگار نیست. از میان آنها می‌توان به دو

۱- وسائل الشیعه، محمد بن الحسن الحر العاملی، ج ۱۲، ص ۷.

ص: ۱۶

برداشت و باور افراطی و تفریطی درباره حجاب اشاره کرد.

در دیدگاه افراطی، به حجاب، جایگاهی فراتر از حد خود داده شده است و تمام فضایل معنوی زن در حجاب او خلاصه می‌شود؛ چنان‌که اگر خانمی به پوشش ظاهری خود اهمیت دهد، به تمام فضیلت‌های زن مسلمان رسیده، ولی اگر حجابش کامل نباشد، هیچ فضیلتی به دست نیاورده است.

این برداشت افراطگونه، دو نتیجه نادرست در پی دارد: نخست اینکه زنان مسلمان را از کسب فضایل دیگر غافل می‌کند؛ زیرا دچار نوعی خودبزرگ‌بینی کاذب می‌شوند و عجب و غرور آنها را از رسیدن به دیگر کمالات باز می‌دارد؛ دوم اینکه برای دیگر زنان که به حجاب اهمیت چندانی نمی‌دهند، هیچ ارزش و احترامی قائل نمی‌شوند. بلکه آنها را افرادی لابلالی، بی‌فرهنگ و دور از معنویت و دین می‌دانند. توضیح این مطلب که این دو نتیجه، چه پیامدهای مخربی در پی دارد، در این نوشتار نمی‌گنجد.

با توجه به آنچه گفته شد، حجاب همه فضیلت‌های یک زن مسلمان نیست و بسیاری از زنان، ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی پسندیده‌ای، مانند خوش‌خلقی، سخاوت‌مندی، ایثارگری، انسان‌دوستی، حیا و ده‌ها صفت نیکو و انسانی دارند، ولی به دلیل نداشتن اطلاعات کافی یا عادت کردن به نوعی پوشش، حجاب کاملی ندارند.

آن‌گاه که خداوند در قرآن، درباره ویژگی‌های زنان مسلمان سخن می‌گوید، بر اخلاق نیک تأکید بسیاری می‌کند. در سوره احزاب آیه ۳۵،

ص: ۱۷

برای زنان، صفات و ویژگی‌هایی مانند مردان بیان شده که به ترتیب، عبارت‌اند از: تسلیم بودن در برابر حق، ایمان قلبی به خداوند، اهل عبادت بودن، راستگویی، صبور بودن، خداترسی و خشوع، مسکین‌نوازی، روزه‌داری، دوری از شهوات حرام و بسیار به یاد خدا بودن. آن‌گاه آمده است: «خداوند برای چنین افرادی، آمرزش و پاداشی بزرگ ذخیره کرده است». (احزاب: ۳۵)

بنابراین، زنان باحجاب باید در کنار پوشش مقدس حجاب، این ویژگی‌ها را نیز در خود به وجود آورند، تا افزون بر اینکه مسلمانی کامل می‌شوند، الگویی برای دیگر زنان باشند.

بر این اساس، هر بانوی مسلمان و باحجاب، باید با زنان بدحجاب، رفتاری مؤدبانه داشته باشد که ناشی از ایمان کامل اوست. زن مسلمان باید با عملش دیگر زنان را به حجاب تشویق کند، نه اینکه با بداخلاقی و ترش‌رویی و رفتار متکبرانه، سبب فراری شدن آنها از دین و حجاب شود. در اصل باید میان میزان حجاب زن با دیگر اعمال او، هماهنگی باشد؛ یعنی به گونه‌ای نباشد که در ظاهر و پوشش، باحجاب باشد، ولی در عمل و رفتار، معنویتی در رفتار او دیده نشود. چادر هر زن مسلمان، به‌ویژه زائر ایرانی، پرچم اسلام و نماد حکومت اهل بیت است. اگر هنگام نماز دیده شود که این بانوی چادری و باحجاب، به جای رفتن به مسجد و زیارتگاه‌ها، در بازارها و مغازه‌ها پرسه می‌زند، آیا سبب تنفر دیگر مسلمانان از مکتب اهل بیت نمی‌شود؟ یا زنی با پوشش چادر، حق تقدم را رعایت نکند و عدالت را

ص: ۱۸

زیر پا بگذارد، یا به هنگام برخورد با دیگران، اخلاق اسلامی و ادب را رعایت نکند، آیا مردم را به حجاب و چادر بدبین نمی‌کند؟ پس بانوان افزون بر رعایت حجاب، باید حرمت حجاب خود را نیز حفظ کنند و تصویر خوبی از یک زن مسلمان و با اخلاق در اذهان اطرافیان برجا بگذارند.

براساس برداشت دوم که دیدگاهی تفریطی و سطحی درباره حجاب است، مهم نیست که زن چه مقدار پوشش داشته باشد. در این دیدگاه، پوشش و حجاب امری شخصی است و هرکس هر مقدار که دوست دارد، خود را می‌پوشاند. این برداشت از حجاب که مدتی است میان جامعه نفوذ کرده، گاهی میان بانوان خوب و تحصیل کرده نیز دیده می‌شود. از این رو در جامعه اسلامی ایران، پدیده بدحجابی پدیده‌ای منحصر به فرد است که در فرهنگ‌های دیگر دیده نمی‌شود؛ زیرا در دیگر کشورهای اسلامی، زنان یا با حجاب کامل ظاهر می‌شوند یا به طور کلی حجاب را برمی‌دارند.

این دیدگاه بیشتر به حجاب باطنی معتقد است، نه حجاب ظاهری و به پوشش ظاهری خود اهمیت چندانی نمی‌دهد و اصل در مسلمان بودن زن را همان ویژگی‌هایی می‌داند که به نقل از سوره احزاب بیان شد. (۱) این گروه از بانوان که گاه در مراکز مذهبی و مشاهد مشرفه نیز دیده می‌شوند، اگرچه با چنین تفکری، از پوشش کاملی برخوردار

ص: ۱۹

نیستند، در باطن خود دین را دوست دارند و از عبادت و زیارتشان لذت می‌برند. شگفت‌انگیزتر آن است که این اندیشه، در برخی از زنان محجبه نیز به صورت نامحسوسی نفوذ کرده است. از این رو گاهی زنان پوشیده و چادری نیز صورت خود را هر چند اندک، ولی جذاب آرایش می‌کنند.

انسان با اندک تأملی در مسائل و احکام دینی، به روشنی درمی‌یابد که این دیدگاه نیز اشتباه است. بزرگان دین و علمای اسلام هیچ‌کدام این اندیشه را که «اصل در طهارت قلب است و پوشش ظاهر لزومی ندارد»، تأیید نکرده‌اند. ما باید احکام دین خود را عالمانه و از روی دلیل محکم به دست آوریم. دلیل اینکه بسیاری از امت‌های گذشته گمراه شدند، همین دیدگاه سطحی و بدون منطق به دین بوده است.

درباره حجاب و پوشش ظاهری نیز لازم است مردم بینشی درست داشته باشند. آنان باید بدانند که حجاب، دستور مسلم اسلام برای همه بانوان است، نه امری شخصی. بنابراین هیچ زنی نمی‌تواند غیر از گردی صورت و دست‌ها تا مچ، جایی از بدن خود را در معرض دید نامحرم قرار دهد. البته این دو قسمت که استثنا شده، در صورتی مجوز آشکار شدن دارد که آرایشی نداشته باشد. همچنین اگرچه زنان می‌توانند فضایل بی‌شماری داشته باشند، ولی برجسته‌ترین ویژگی یک زن، عفت و حیای اوست؛ عفت و حیایی که هم در باطن او وجود داشته باشد و هم در ظاهر او نمود پیدا کند. گفتنی است، حجاب کامل حجابی

ص: ۲۰

است که هم از درون موجب روشنی قلب زن می‌شود و هم از جنبه بیرونی و ظاهری، درس حیا و بندگی و سرکوب کردن هوای نفس و تسلیم بودن در برابر فرمان الهی را به همگان می‌دهد. در حقیقت، وقتی یک بانوی مسلمان، تمام ایمان، معنویت، وقار، شخصیت، حیا و عفت خود را با حفظ پوشش و حجاب ظاهری‌اش به نمایش می‌گذارد، تأثیر بسیار شگرفی بر دیگر افراد می‌گذارد و درس بزرگی از اخلاق و انسانیت و ایمان به آنها می‌دهد. از این رو مستکبران و هواپرستان و بیگانگان، باحجاب مبارزه می‌کنند و با زنان محجبه رفتاری نامحترمانه دارند.

خداوند در قرآن کریم، در آیه ۳۲ و ۳۳ سوره احزاب (که درباره زنان پیامبر نازل شد، و آنها مخاطب آیه هستند) به زنان، این پیام را می‌دهد که در کنار نماز، عبادت، کمک به محرومان و فقرا و تسلیم بودن در برابر خدا و پیامبر، مراقب رفتارهای زنانه خود باشند و در حجاب ظاهر خود، چنان دقت کنند که حتی به صورت ناخودآگاه، نیز توجه نامحرم را به خود جلب نکنند. پس ضروری است زنان، هنگام صحبت کردن با نامحرم و روبه‌رو شدن با آنها، از هر رفتار که سبب جلب توجه ایشان به زیبایی‌های جسمانی شود، به شدت پرهیزند.

بی‌شک، اصل در حجاب، رعایت حجاب درونی و باطنی است. ولی به دلیل پیامدهای منفی بدحجابی زنان بر مردان نامحرم و جامعه، لازم است زنان، ظاهر خود را نیز با باطن پاک و معنوی خود هماهنگ کنند، تا موجب گمراهی و به گناه افتادن کسی نشوند.

ص: ۲۱

امروزه، برخی پوشش ظاهری را از عفت درونی و باطنی جدا می‌دانند و معتقدند انسان یا باید عفت و حجاب ظاهری را رعایت کند یا حجاب و عفت و باطنی را. آن‌گاه نتیجه می‌گیرند چون عفت درونی مهم‌تر از پوشش ظاهری است و اصل آن است که درون انسان پاک باشد، دیگر لزومی به رعایت حجاب ظاهری نیست. با توجه به آنچه گفته شد، مطرح کردن این سؤال که پوشش ظاهری مهم‌تر است یا عفت درونی، اشتباه است و کسانی که این‌گونه بحث‌ها را مطرح می‌کنند یا از اصل موضوع بی‌اطلاع هستند یا به عمد، قصد جدایی این دو را از هم دارند.

حقیقت این است که نه پوشش و حجاب ظاهری می‌تواند جایگزین عفت درونی شود و نه عفت درونی می‌تواند جایگزین پوشش و حجاب ظاهری شود، بلکه هر یک جایگاه خود را دارد و هر دو باید رعایت شود. عفت، فضیلتی اخلاقی است که می‌تواند در تمام رفتارهای انسان مانند پوشش، منش و گویش ظاهر گردد. زنی که پوشش مناسبی ندارد، چگونه می‌تواند درون عقیف خود را نشان دهد؟ البته آراسته بودن ظاهر اشکالی ندارد؛ آنچه اشکال دارد و حرام است، داشتن ظاهری تحریک‌کننده است. بنابراین پوشش ظاهری شرط لازم است، ولی شرط کافی نیست و جای عفت درونی را نمی‌گیرد؛ همان‌گونه که عفت باطنی و درونی شرط لازم است و شرط کافی نیست و جای حجاب و پوشش ظاهری را نمی‌گیرد.

همچنین، بانوان بزرگوار و فرهیخته ما باید به یاد داشته باشند که

ص: ۲۲

مردان، به‌طور طبیعی و غریزی، به محرک‌های دیداری بسیار حساس‌اند و به سرعت، تحت تأثیر جلوه‌گری‌های زنان قرار می‌گیرند. از این‌رو برای داشتن جامعه‌ای سالم و مردانی باوقار و مورد اعتماد و نیز در امان ماندن از مزاحمت افراد فرصت‌طلب و بیمار دل و داشتن جامعه‌ای مذهبی و اماکن زیارتی آرام و سرشار از معنویت، باید به پوشش ظاهری خود توجه کنیم و از رفتارهای تحریک‌آمیز و پوشیدن لباس‌های جذاب و تحریک‌کننده پرهیزیم. همچنین بکوشیم حریم میان زن و مرد را حفظ کنیم؛ هر چند موجب محدود شدن روابط و به زحمت افتادن ما شود. در حقیقت، زنی که پوشش تحریک‌کننده دارد، به دیگران اجازه داده است با دیدی ناپاک و شهوانی به او بنگرند؛ هر چند خود از این موضوع غافل باشد.

بنابراین، جمع بین این دو، یعنی حجاب ظاهری و عفت باطنی، بدان معناست که یک بانوی مسلمان پیرو قرآن و اهل بیت (علیهم السلام)، وقتی به مجامع عمومی وارد می‌شود، نه تنها باید به رعایت پوشش مناسب خود حساس باشد، بلکه باید با رفتار عفیفانه، جذاب و اخلاقی خود، الگوی دیگر زنان باشد. از این‌رو از بانوان باحجاب انتظار می‌رود در برخورد با دیگر زنان، به گونه‌ای رفتار کنند که آنها شیفته حجاب و پوشش عفیفانه‌شان شوند، نه اینکه با بداخلاقی و برخورد نامناسب (هر چند به بهانه امر به معروف و نهی از منکر) سبب فراری شدن آنها از حجاب و بلکه از دین شوند. باید توجه داشت که تمام احکام دین از جمله حجاب، چنان جذاب‌اند که هر انسانی را به سوی خود جذب می‌کنند. بنابراین یک

ص: ۲۳

مسلمان اگر مردم را از رفتارهای دینی خود متنفر می‌بیند، باید بداند اشکالی در رفتار اوست، نه در احکام اسلام؛ به قول شاعر:

اسلام به ذات خود ندارد عیبی

هر عیب که هست در مسلمانی ماست

بر این اساس، باید به گونه‌ای لباس بپوشیم و رفتار و برخورد کنیم که شیفته منش و مرام اسلامی ما شوند یا حداقل به اسلام بدبین

نشوند.

فصل اول: حجاب در اماکن مقدس

اشاره

در تمام ادیان الهی به وجوب حجاب بانوان تأکید شده است. رعایت حجاب در برابر نامحرم، گرچه همیشه و در همه جا بر زنان لازم است، ولی در برخی مکان‌ها مانند اماکن مذهبی-زیارتی ضرورت بیشتری دارد؛ زیرا این اماکن مقدس‌اند و باید حرمت آن بیش از مکان‌های دیگر حفظ شود تا زائران بتوانند آزادانه عبادت، و با خدا خلوت کنند.

برخی اعمال مستحب و عبادی در حج و عمره به این دلیل که ممکن است حجاب زن را خدشه‌دار و توجه نامحرمان را به او جلب کند، بر زنان حرام شده است. امام صادق (علیه السلام)، در این باره می‌فرماید:

لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ جَهْرٌ بِالتَّلْبِيَةِ وَلَا اسْتِئْذَانٌ الْحَجْرِ وَلَا دُخُولُ الْبَيْتِ وَلَا سَعْيٌ بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ يَعْنِي الْهَرُونَ. (۱)

بر زنان جایز نیست صدای خود را به گفتن لبیک بلند و

۱- الکافی، کلینی، ج ۴، ص ۴۰.

ص: ۲۶

حجرالأسود را استلام (۱) کنند و داخل خانه کعبه شوند و در سعی بین صفا و مروه هروله (دویدن) کنند. بی‌تردید، اگر زنان بخواهند حجرالأسود را لمس کنند یا وارد خانه کعبه شوند، با ازدحام شدید مردان روبه‌رو می‌شوند که در این صورت، نه تنها این دو عمل برای آنها ثوابی ندارد، بلکه حجابشان نیز خدشه‌دار می‌شود. همچنین اگر بخواهند دو عمل مستحب اول را انجام دهند، یعنی هروله کنند یا با صدای بلند لیک بگویند، ممکن است توجه مردان نامحرم را به خود جلب کنند، از این روایت می‌توان نتیجه گرفت که برخی اعمال عبادی را باید برای حفظ حجاب، کنار گذاشت.

امام صادق (علیه السلام) در حدیثی دیگر به این مطلب اشاره کرده و فرموده است:

لَيْسَ عَلَى النِّسَاءِ اسْتِلاَمٌ وَلَا يُزَاحِمَنَّ الرِّجَالَ. (۲)

بر زنان لازم نیست استلام [حجرالأسود] کنند [و از این راه] مزاحم مردان شوند.

بنابراین زنان باید هر عملی را که سبب شکسته شدن حریم آنان می‌شود، ترک کنند؛ هرچند عبادت باشد؛ زیرا حفظ حجاب برای زن مهم‌تر است.

از این رو، انجام مستحباتی مانند رفتن به مسجد و تشییع جنازه نیز اگر

۱- لمس کردن و بوسیدن.

۲- بحارالانوار، مجلسی، ج ۹۶، ص ۲۱۱

ص: ۲۷

باحجاب منافات پیدا کند و زنان را در دید نامحرم قرار دهد، از عهده آنان برداشته می‌شود. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در این باره می‌فرماید: «

خَيْرُ مَسَاجِدِ النِّسَاءِ قَعْرُ بُيُوتِهِنَّ»^(۱)؛ «بهترین مسجد [و محل عبادت] برای زنان، کنج خانه‌هایشان است».

از امام صادق (علیه السلام) نیز نقل شده است:

لَيْسَ يَتَّبِعِي لِلْمَرْأَةِ الشَّابَّةِ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى الْجَنَازَةِ تُصَلِّيَ عَلَيْهَا، إِلَّا أَنْ تَكُونَ امْرَأَةً قَدْ دَخَلَتْ فِي السَّنِّ. (۲)

بر زن جوان سزاوار نیست به تشییع جنازه رود و بر آن نماز گزارد، مگر آنکه زنی مسن و پیر باشد.

از جمله مواردی که باید به آن اشاره کرد، پوشش سفیدی است که میان بانوان زائر ایرانی در مکه و مدینه مرسوم شده است. اگر این نوع پوشش، سبب جلب توجه نامحرم شود، باید از آن دوری کرد؛ هرچند پوشیدن لباس سفید در حالت عادی برای انسان مستحب است.

حجاب در احرام

از نشانه‌های توجه اسلام به حجاب این است که زینت کردن و استفاده از زیورآلات در حال احرام، بر زنان ممنوع است. زن نباید در حال احرام از هیچ وسیله‌ای برای زیباتر شدن خود استفاده کند، بلکه باید با یک لباس ساده مُحرم شود. حتی دوختن نوارهای گل‌دار پارچه‌ای

۱- من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۳۷۴.

۲- التهذیب، شیخ طوسی، ج ۳، ص ۳۳۳.

ص: ۲۸

(گیپور) در اطراف چادر یا مقنعه و نیز استفاده از کلاه یا هر چیزی که نوع و شکل آن، به زن جذابیت بخشد، خلاف احتیاط است. (۱) البته این بدان معنا نیست که رعایت حجاب فقط در حال احرام واجب باشد، بلکه بانوان باید در هر حال به حجاب خود اهمیت دهند. ولی از آنجا که حفظ حرمت این اماکن مقدس به رعایت موازین شرعی بستگی دارد، داشتن حجاب کامل از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

بنابراین، این گونه اعمال زمانی برای زن استحباب دارد که به حجاب او خدشه وارد نکند؛ برای مثال، اگر اطراف حجرالاسود خلوت باشد و بانویی باحجاب کامل بتواند به راحتی و بدون آنکه با نامحرم برخورد کند، آن را لمس کند، این استحباب از او ساقط نمی‌شود.

نکته دیگر اینکه، رعایت حجاب در مسجدالحرام از دیگر مکان‌ها سخت‌تر است؛ زیرا زن و مرد از یکدیگر جدا نیستند و طواف که مهم‌ترین عمل عبادی است، به گونه‌ای است که زنان و مردان در کنار هم حرکت می‌کنند و نماز و عبادت را نیز در کنار هم انجام می‌دهند؛ در این وضعیت تنها معنویت است که کمک می‌کند انسان از وسوسه‌های شیطان دور بماند از این رو حاجیان باید معنویت خود را چنان تقویت کنند که خود را از ورود به حریم‌های ممنوعه حفظ کنند.

در روایتی می‌خوانیم:

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَقَوْمٌ أُصَلِّي بِمَكَّةَ

۱- ر. ک: آخر فصل اول همین کتاب، بخش احکام.

ص: ۲۹

وَالْمَرْأَةُ بَيْنَ يَدَيْ جَالِسَةٍ أَوْ مَارَّةً فَقَالَ: لَا بَأْسَ، إِنَّمَا سُمِّيَتْ بِكَهَّ لِأَنَّهَا تَبْكُ فِيهَا الرِّجَالُ وَالنِّسَاءُ. (۱)

معاویة بن عمار گوید: «به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم، من در مکه و در مسجدالحرام به نماز می‌ایستم، در حالی که زنی جلوی من نشسته یا در حال عبور کردن است». [آیا نماز در چنین حالتی صحیح است؟] امام فرمود: «اشکالی ندارد. همانا مکه را بکه نامیدند؛ زیرا در این شهر مردان و زنان از خوف الهی گریه می‌کنند».

منظور امام این است که زائران مکه و مسجدالحرام و دیگر اماکن زیارتی، اگر حال و هوای معنوی خود را افزایش دهند، بهتر می‌توانند خود را در برابر نامحرم حفظ کنند؛ به عبارت دیگر، مقابله با وسوسه‌های شیطان در این گونه موقعیت‌ها فقط به حفظ حجاب نیست، بلکه باید زائر همواره در حال توبه و انابه و توسل و اشک ریختن باشد تا از آلوده شدن به گناه محفوظ بماند. هر مرد و زنی که مجبور است در جمع نامحرمان باشد، باید بیشتر به معنویت توجه کند تا گرفتار وسوسه‌های شیطان و نفس اماره نشود.

بنابراین، بانوان زائر باید بدانند رعایت حجاب در مکان مقدسی چون مسجدالحرام، اهمیتی ویژه دارد؛ زیرا مسجدالحرام را از آن رو مسجدالحرام گویند که احترام بسیاری دارد و مسلمانان باید حرمت آن را بیش از دیگر

ص: ۳۰

مکان‌ها نگه دارند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»؛ «هر کس داخل مسجدالحرام شود [از هر نظر] در امان است». (آل عمران: ۹۷)

اگر در مسجدالحرام به زن و مرد اجازه داده شده است به صورت اختلاط به عبادت و طواف و نماز و دیگر مناسک عمره و حج بپردازند، به این دلیل است که عظمت این مکان موجب می‌شود زن و مرد از حریم عفاف خارج نشوند. همچنین اگر به زنان دستور داده شده است در حال احرام، گردی صورت خود را باز نگه دارند، به این دلیل است که آزمونی برای ایمان مردان باشد و روشن شود آیا آنها به حدی از رشد و کمال رسیده‌اند که در این شرایط، عفت خود را حفظ کنند یا خیر؟!

ماجرای چسبیدن دست زن و مرد نامحرم در حال طواف

زنی دور کعبه طواف می‌کرد و مردی نیز پشت سر آن زن می‌رفت. لحظه‌ای آن زن بازوی خود را از چادر بیرون آورد تا کعبه را لمس کند. ناگهان آن مرد دستش را دراز کرد و روی بازوی زن گذاشت. خداوند دست آن مرد را به بازوی زن چسباند. مردم دیدند و ازدحام کردند، چنان‌که راه عبور بسته شد. کسی را نزد امیر مکه فرستادند و امیر مکه فقها و علما را حاضر کرد و آنها فتوا دادند که باید دست مرد را ببرند؛ زیرا آن مرد مرتکب گناه شده است. امیر مکه که از فتوای علمای مکه قانع نشده بود، گفت: «آیا در اینجا از خانواده پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) کسی هست؟» گفتند: «بله، حسین بن علی (علیه السلام) اینجاست». امیر مکه کسی را نزد امام حسین (علیه السلام) فرستاد. امام حسین (علیه السلام) تشریف

ص: ۳۱

آوردند. به آن حضرت عرض کردند: «ای فرزند رسول خدا! حکم خدا درباره اینها چیست؟»

امام حسین (علیه السلام) رو به کعبه ایستادند و دست‌هایشان را بلند کردند.

آن‌گاه مدتی مکث فرمودند و دعا کردند. سپس به طرف زن و مرد رفتند و دست آن مرد را از بازوی آن زن جدا کردند. امیر مکه

عرض کرد: «ای حسین! آیا این مرد را برای کاری که از او سر زده است، مجازات نکنیم؟» حضرت فرمود: «نه».

گویند آن مرد همان شتربانی است که در کربلا دست امام حسین (علیه السلام) را قطع کرد و این‌گونه لطف آن حضرت را پاسخ

داد. (۱)

شباهت حج و حجاب

حج و عمره، آزمایشی از جانب خداوند برای بندگان است تا میزان صبر و تحمل و بندگی آنها روشن شود. کسی که ادعای ایمان

می‌کند، باید با انجام دادن فریضه حج و عمره و صرف کردن مال خود در این راه و تحمل دوری از خانواده و به جان خریدن رنج

سفر و صدها سختی و مشکل دیگر که در این راه برایش پیش می‌آید، مراتب بندگی و تسلیم خود را در برابر فرمان الهی، به‌طور

عملی، نشان دهد.

این مطلب در مورد حجاب نیز صدق می‌کند؛ بانویی که در شدت گرما و ازدحام جمعیت، لحظه‌ای از حجاب خود غافل نمی‌شود و

با تمام

ص: ۳۲

سختی‌هایی که در این راه وجود دارد، حجاب خود را حفظ می‌کند، در حقیقت، به‌طور عملی تسلیم بودن در برابر فرمان الهی را اثبات می‌کند. بر این اساس، می‌توان به روشنی گفت: بانویی می‌تواند حجاب خود را به‌طور کامل حفظ کند که به درجه بالایی از تحول و رشد رسیده باشد. بنابراین میزان تحول و رشد معنوی هر زن در میزان رعایت حجاب وی اثرگذار است و حجاب، نمادی از سفر کردن از خود به سوی خداست.

نشانه قبولی زیارت

هر زیارتی که با نیت خالص همراه و برای رضای خدا باشد، قبول است. ولی درجات قبولی زیارت، در همه افراد یکسان نیست. میزان قبولی زیارت به میزان اثری است که در فرد می‌گذارد. انسان هرچه در ظاهر و باطن خود، دین، معنویت و اخلاق را حفظ کند و خود را در رفتار و عمل، به صاحب زیارت نزدیک کند، زیارتش از درجه قبولی بیشتری برخوردار است. با توجه به مضمون برخی روایات، اگر کسی بخواهد بداند زیارتش قبول شده است یا نه، باید ببیند پس از بازگشت از سفر، گناهان گذشته‌اش را انجام می‌دهد یا نه. اگر آن گناه را ترک کرد، بداند زیارتش مورد قبول خداوند قرار گرفته است. ولی اگر همچنان آن گناه را مرتکب شد، نشانه قبول نشدن زیارت اوست (۱)؛ در دیگر عبادت‌ها نیز همین گونه

۱- حج و عمره در قرآن و حدیث، محمد محمدی ری شهری، ص ۲۹۰.

ص: ۳۳

است؛ برای مثال، خداوند در قرآن کریم درباره نماز می‌فرماید: **إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ**؛ «نماز، انسان را از ارتکاب گناه باز می‌دارد». (عنکبوت: ۴۵)

بنابراین، اگر زائر از زیارت بازگردد، درحالی که انگیزه او به عبادت و دیگر اعمال خیر بیشتر شده و به ارتکاب گناه بی‌انگیزه و بی‌علاقه شده باشد، یا بانویی نسبت به رفتارش با نامحرم، بیشتر از گذشته دقت داشته باشد، لطف الهی شامل حالش شده و بهره خوبی از زیارت برده است. (۱)

بنابراین، در حقیقت، مهم‌ترین نتیجه‌ای که از زیارت نصیب انسان می‌شود، افزایش ایمان و تقواست که نتیجه آن، به وجود آمدن علاقه به عبادت و تنفر از گناه است. خداوند درباره مؤمنان کامل و رشد یافته می‌فرماید:

وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ (حجرات: ۷)

و خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دل‌های تان زینت بخشیده و [از طرف دیگر] کفر و فسق و گناه را نزد شما منفور کرده است؛ [به گونه‌ای که از آن متنفر باشید] کسانی که این صفات را دارند، هدایت یافتگان هستند.

در پایان این فصل، چند استفتا از مراجع معظم تقلید را درباره حجاب به‌طور کلی و حجاب در حج و عمره بیان می‌کنیم:

۱- عرفان حج، جوادی آملی، ص ۱۰۵، با اندکی تغییر.

استفتائات از مراجع تقلید درباره حجاب

آیا حجاب از ضروریات اسلام است؟ منکر آن و کسانی که به این دستور الهی، به‌ویژه در جامعه اسلامی عمل نمی‌کنند، چه حکمی دارند؟

امام خمینی (رحمه الله): «اصل حکم حجاب، از ضروریات است و منکر آن، حکم منکر ضروری را دارد و منکر ضروری، محکوم به کفر است؛ مگر اینکه معلوم باشد که منکر خدا یا رسول نیست». (۱)

حد پوشش برای مردان و زنان چقدر است؟ آیا تجاوز از کمتر از این مقدار حرام است؟

امام خمینی (رحمه الله): «بر مرد ستر (پوشاندن) عورتین واجب است و ستر باقی بدن واجب نیست؛ اگر چه بر زن حرام است بدن مرد نامحرم را نظر کند و بر زن واجب است تمام بدن خود را از نظر نامحرم بپوشاند. ولی پوشاندن وجه و کفین (صورت و دست‌ها تا مچ) لازم نیست، مگر آنکه مفسده‌ای بر آن مترتب باشد». (۲)

آیا حجاب از ضروریات دین است؟ حکم کسانی که به آن بی‌اعتنایی می‌کنند، چیست؟

مقام معظم رهبری: «اصل حجاب، ضروری دین محسوب می‌شود. ولی بعضی فروع آن ممکن است ضروری نباشد و بی‌اعتنایی به

۱- استفتائات امام خمینی، ۱ ج ۳، ص ۲۵۶.

۲- همان، ص ۲۵۵.

ص: ۳۵

اصل حجاب و عدم رعایت آن، معصیت و گناه است» .

حضرت آیت الله تبریزی: « اصل حجاب، برای زنان از ضروریات دین است و حکم کسانی که به آن بی‌اعتنایی نمایند، حکم بی‌اعتنایی به سایر تکالیف دینی است» .

حضرت آیت الله صافی: اصل وجوب حجاب، فی‌الجمله از ضروریات اسلام است و منکر آن مرتد است. ولی بی‌اعتنایی به آن با عدم انکار وجوب آن، باعث فسق است» .

حضرت آیت الله سیستانی: « اصل حجاب از مسلمات شریعت است و در قرآن آمده است. ولی کسانی که توجه به وضوح آن ندارند، انکار آنها مستلزم انکار نبوت نیست و بی‌اعتنایی عملی گناه است» .

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: « آری، حجاب از ضروریات دین است، ولی انکار آن برای کسانی که از ضروری بودن آن آگاهی ندارند، موجب ارتداد نمی‌شود» .

حضرت آیت الله بهجت: «بی‌اعتنایی به حجاب گناه است و داشتن حجاب واجب است» .^(۱)

پوشیدن جوراب نازک و بدن‌نما برای خانم‌ها در بیرون از منزل و انظار نامحرم چه صورتی دارد و بیرون گذاشتن موهای سر از چادر و مقنعه توسط خانم‌ها در دید نامحرم چگونه است؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای: « پوشانیدن بدن از نامحرم بر زن

۱- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۱، ص ۳۰.

ص: ۳۶

واجب است و چنین جوراب‌هایی برای حجاب شرعی واجب، کفایت نمی‌کند و پوشاندن تمام موی سر در برابر نامحرمان واجب است.»

آرایش زنان در خیابان‌ها و بیرون گذاشتن مقداری از موها و پوشیدن جوراب بدن‌نما و لباس‌های محرک چه صورتی دارد؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای: «بر زن واجب است تمام بدن و موی و زینت خود را از نامحرم بپوشاند».

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: «حرام است».

حضرت آیت الله بهجت: «حرام است».

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی: «حرام است».

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: «بدون شک جایز نیست».

حضرت آیت الله تبریزی: «جایز نیست».

حضرت آیت الله سیستانی: «جایز نیست» (۱).

عده‌ای همراه با تبلیغات فرهنگی دشمن، در روزنامه‌ها و سخنرانی‌هایشان می‌گویند: «چادر مشکی برای بانوان مکروه است و باید پوشش جدید، مانند مانتو و کت و دامن با رنگ‌های متنوع، جایگزین چادر مشکی شود». آیا چنین حرف و اقدامی صحیح است؟ خواهشمند است نظر شریفتان را مرقوم بفرمایید.

حضرت آیت الله خامنه‌ای: «این صحبت، صحیح نیست، و بهترین حجاب، پوشش چادر است و چادر سیاه هم بی‌اشکال است و کراهت ندارد».

ص: ۳۷

حضرت آیت الله تبریزی: «زن باید بدن خود را در غیر وجه و کفین از نامحرم بپوشاند و نیز باید زینت خود را بپوشاند و لباسی که زینت حساب می‌شود، آن را هم بپوشاند و با چادر، بهتر می‌تواند بدن و زینت را بپوشاند و چادر سیاه، مثل عبای سیاه کراهت ندارد».

حضرت آیت الله بهجت: «این اقدام باطل است».

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی: «نظریه مذکور صحیح نیست و مفسد بسیار دارد. متأسفانه در این زمان، عده‌ای اصرار بر آشکار شدن مفاتن زن و خروج او از ستر و عفاف که حفاظ شخصیت و ارزش و متانت اوست، دارند و مع‌الاسف می‌خواهند این امر را اسلامی جلوه دهند؛ در حالی که برخلاف اسلام است».

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: «چادر مشکی، بهترین نوع حجاب است و پوشیدن لباس‌هایی که جلب توجه کند، حرام است».

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: «با توجه به اینکه در حال حاضر رنگ مشکی برای حفظ پوشش زنان بهتر است، کراهت آن ثابت نیست» (۱).

امروز یک حرکت خزنده‌ای علیه چادر که یک حجاب ملی و سنتی است، آغاز شده است. خواهشمندیم نظر مبارک را در این مورد مرقوم فرمایید.

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: «سزاوار است خانم‌ها از چادر استفاده کنند؛ چون چادر در کشور اسلامی ایران، از مظاهر و شعایر

۱- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۱، صص ۳۵ و ۳۶.

ص: ۳۸

اسلام است و با حفظ این شعار، سعی کنند بانوان محترم، حرکت مورد سؤال را خنثا کنند». حضرت آیت الله صافی گلپایگانی: «چادر، بهترین پوشش برای خانم‌هاست؛ چون تمامی مفاتن بدن را می‌پوشاند. خانم‌های مسلمان باید آداب و سنن اسلامی را در لباس پوشیدن مراعات کنند و از تجددگرایی مضر پرهیز کنند».

حضرت آیت الله بهجت: «چادر، حجاب پسندیده است».

حضرت آیت الله سیستانی: «چادر، حجاب بهتر است و سزاوار نیست زن‌های مؤمن بدون چادر خارج شوند».

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: «حجاب، یکی از قوانین مسلم اسلام است و اساس آن پوشاندن بدن و موها غیر از صورت و دست‌ها تا مچ است؛ ولی بی‌شک، چادر، حجاب برتر است».

حضرت آیت الله تبریزی: «پوشیدن بدن برزن، واجب و بهترین نوع پوشش واجب، همان چادر مشکی است که زن‌های مؤمنه خود را با آن می‌پوشانند»^(۱).

۱. برخورد زن همراه با چهر خندان و متبسم با مردان نامحرم، هنگام خرید از مغازه‌ها و سایر برخوردها، چه صورتی دارد؟

۲. خندیدن زنان و دختران با صدای بلند در خیابان یا انجام برخی حرکات دیگر که موجب جلب توجه نامحرمان می‌شود، چگونه است؟

۱- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۱، صص ۳۷ و ۳۸.

ص: ۳۹

حضرت آیت الله خامنه‌ای: «۱. صحبت کردن و خندیدن با نامحرم، اگر موجب مفسده باشد، جایز نیست؛ ۲. از هر کاری که موجب جلب توجه نامحرم می‌شود، باید پرهیز نمود» .

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: «۱ و ۲. به‌طور کلی، دختران و زنان باید در مقابل مردان نامحرم به نحوی لباس بپوشند و راه بروند و صحبت کنند که موجب توجه و نگاه سوء و تهییج مردان نشوند و اگر کردند، گناه بزرگی است» .

حضرت آیت الله بهجت: «۱. هر کاری که معرضیت ربه یا فتنه در آن است، جایز نیست. ۲. جایز نیست» .

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: «۱. اشکال دارد و هنگام ضرورت نباید از مکالمات عادی تجاوز کنند. ۲. بهتر است زنان و دختران مسلمان از این گونه کارها پرهیزند و اگر منشأ فسادی شود، جایز نیست» .

حضرت آیت الله تبریزی: «۱. اگر از روی التفات کاری که موجب جلب نظر اجانب شود، انجام دهند، اشکال دارد. ۲. زن عقیف این کار را نمی‌کند، بلکه اگر معرض تهییج شهوت برای یکی از طرفین باشد، حرام است» .

حضرت آیت الله صافی: «۱. مخالف نص قرآن است؛ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ . ۲. جایز نیست» . (۱)

۱- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۲، ص ۷۹.

ص: ۴۰

برخی در مورد مسائل زنان، اظهار نظرهای نامناسبی را ابراز می‌کنند؛ مانند بحث دوچرخه‌سواری یا ورزش بانوان یا در مورد حجاب اظهار می‌دارند که به نظر ما کُت و دامن، برای حجاب کفایت می‌کند. نظر حضرت عالی در این زمینه چیست؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای: «اظهار نظر در مسائل دینی و احکام شرعی بر کسانی که صاحب نظر نیستند، جایز نیست و بر مؤمنین واجب است در تمام احکام دینی به مراجع بزرگوار تقلید و اسلام‌شناسان مورد وثوق و اعتماد مراجعه نمایند».

حضرت آیت الله تبریزی: «ترویج اموری که مبدأ نشر فساد در جامعه یا بی‌عفتی زنان و دختران شود، جایز نیست و پوشیدن لباسی که تمام حجم بدن آنان را نشان دهد که لباس زینت حساب بشود، کفایت نمی‌کند».

حضرت آیت الله صافی: «امور مذکوره، معرضیت برای مفسده دارد. بانوان باید جداً از آن بپرهیزند».

حضرت آیت الله بهجت: «هر چه باعث فتنه و فساد باشد، اشکال دارد».

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: «هر چه موجب اشاعه مفاصد اخلاقی گردد، حرام است»^(۱)

برخی از مادران، فرزندان دختر خود را که به بلوغ شرعی

۱- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۱، صص ۱۴۵ و ۱۴۶.

ص: ۴۱

نرسیده‌اند، با سر و پای برهنه در خیابان‌ها و مجالس در حضور نامحرمان می‌آورند. لطفاً وظیفه والدین را در قبال فرزندان خود بیان بفرمایید و این بی‌اعتنایی چه صورتی دارد؟

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: «بر پدر و مادر است که فرزندان خود را با آداب و رسوم اسلامی و وظایف شرعی آشنا کنند و چنانچه موارد مذکور موجب تهییج و مفسده شود، اگر چه بچه ممیز نباشد، باید آنان را بیوشانند و حفظ کنند تا جامعه آلوده و بی‌بند و بار نشود».

حضرت آیت الله سیستانی: «بر غیر بالغ، پوشیدن واجب نیست. ولی پدر و مادر لازم است فرزندان خود را به رعایت آداب و شئون اسلامی وادار نمایند و در تربیت صحیح شرعی آن بکوشند».

حضرت آیت الله بهجت: «تمرین اطفال بر وظایف شرعی، به عهده والدین است».

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی: «کار صحیحی نیست و والدین موظف‌اند دختر را از کودکی به رعایت حجاب و گریز از نامحرم عادت دهند و اگر در این امر مسامحه کنند و دختر را نسبت به نامحرم بی‌تفاوت نمایند، شریک در معاصی دختر هستند. در حدیث وارد شده است که در مجلسی که حضرت رضا (علیه السلام) تشریف داشتند و عده‌ای نیز حضور داشتند، دختر بچه‌ای وارد شد. حضار مجلس یکی یکی دختر را مورد نوازش قرار دادند، تا رسید به حضرت رضا (علیه السلام). آن حضرت از سن دختر سؤال کردند؛ گفته شد: پنج سال دارد. حضرت دختر را از خود دور کرد و رفتاری که دیگران کرده بودند، نمودند و اعمال آن بزرگوار

ص: ۴۲

باید برای زن مسلمان سرمشق باشد» .

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: «بر پدر و مادر لازم است فرزندان خود را به مسائل اسلامی از طفولیت آشنا کنند» .

حضرت آیت الله تبریزی: « پوشش بر دختران نابالغ واجب نیست، لکن وظیفه والدین است که دخترانشان را به پوشش اسلامی

عادت دهند و فرزندانشان را با احکام اسلامی تربیت نمایند»^(۱)

در صورتی که زن می‌داند مرد نامحرم، به قصد لذت به صورت و دست‌های معمولی زینت نشده او نگاه می‌کند، در این فرض،

پوشاندن صورت و دست‌ها لازم است؟

حضرت آیت الله خامنه‌ای: « در فرض مذکور، باید حتی وجه و کفین خود را هم بپوشاند» .

حضرت آیت الله تبریزی: «بله، در این صورت، بنا بر احتیاط، پوشاندن لازم است» .

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی: « دست و صورت، بنا بر احتیاط واجب باید پوشیده شود» .

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: «بله، پوشاندن آن لازم است» .

حضرت آیت الله بهجت: « پوشاندن دست و صورت مطلقاً بنا بر احتیاط لازم است»^(۲)

۱- مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، ج ۱، صص ۱۷۹ - ۱۸۱.

۲- همان، صص ۸۰ و ۸۱.

زینت در لباس ابرام

با توجه به اینکه پوشیدن زیورآلات در حال ابرام حرام است، لطفاً بفرمایید:

۱. آیا استفاده از گیره‌ها، دکمه‌های تزئینی، گلدوزی، سنگ‌دوزی و گیپور دوزی در لباس ابرام، در حکم زیورآلات است؟
 ۲. در صورتی که در حکم زیور باشد، آیا حرمت، مختص به لباس ابرام است یا شامل لباس‌های غیر ابرامی می‌شود که در حال ابرام پوشیده می‌شود؟
 ۳. در صورتی که موارد مذکور زیر چادر یا لباس‌های دیگر پنهان باشد، چه حکمی دارد؟
- حضرت آیت الله بهجت: «۱. اگر قبل از ابرام هم عادتاً می‌پوشیده و قاصد زینت نیست، اگر منصرف باشد از این نحوه زیورآلات، بعید نیست جایز باشد. ۲. زن لباس ابرام خاص ندارد. ۲. اگر به نحوی نباشد که اهل تزئین به کار می‌برند، اشکال ندارد» .
- حضرت آیت الله خامنه‌ای: «۱. تشخیص آن به عهده خود مکلف با مراجعه به عرف است. ۲. اگر زینت باشد، اختصاص به لباس ابرام ندارد. ۳. در فرض عدم اظهار، حرمت ندارد» .
- حضرت آیت الله سیستانی: «به احتیاط واجب، از هر چه که عرفاً زینت حساب شود، باید پرهیز شود» .
- حضرت آیت الله صافی گلپایگانی: «۱. بله، استفاده از این گونه لباس‌ها در حال ابرام جایز نیست. ۲. شامل هر دو می‌شود. ۳. فرقی نمی‌کند» .

ص: ۴۴

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی: «صرف نظر از زیور آلات، این موارد زینت محسوب می شود و زینت کردن هم بر زنان در حال احرام جایز نیست و فرقی بین لباس احرام و لباس زیر و غیره وجود ندارد؛ هر چند اگر انجام گیرد، کفاره ندارد و حج یا عمره باطل نمی شود».

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: «۱. احتیاط آن است که از آن پرهیز شود. ۲. در حال احرام از تمام اینها پرهیز شود. ۳. هرگاه پنهان باشد، مانعی ندارد» (۱).

۱- مناسک حج محشی، صص ۲۳۲ و ۲۳۳.

ص: ۴۵

فصل دوم: اهمیت حجاب و پوشش در قرآن و سیره امامان معصوم (علیهم السلام)

اشاره

در این بخش به بررسی اجمالی اهمیت حجاب در قرآن و سیره امامان معصوم (علیهم السلام) می‌پردازیم. همچنین اهتمام بسیار آموزه‌های دینی، اعم از توصیه‌ها، اوامر و نواهی دینی و سیره و روش عملی اولیای دین به این موضوع را بررسی می‌کنیم تا خوانندگان محترم، به‌ویژه زائران بیت‌الله‌الحرام و مشاهد مشرفه به میزان و درجه اهمیت آن پی ببرند و این مهم را به کسانی که به آن توجه کافی ندارند، یادآوری کنند.

اهمیت حجاب در قرآن

اشاره

در آیات بسیاری از قرآن، مسئله حجاب مطرح و احکام آن به‌طور مفصل بیان شده است؛ از جمله این آیات، آیه ۳۱ سوره نور است. خداوند در این آیه خطاب به زنان می‌فرماید:

و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را از نگاه‌های هوس‌آلود فرو گیرند و عفت خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار

ص: ۴۶

که نمایان است، آشکار نکنند و [اطراف] روسری‌ها و مقنعه‌های خود را بر سینه خود افکنند [تا گردن و سینه با آن پوشیده شود] و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرشان یا پدرشان یا پدرشوهرشان یا پسرانشان یا پسران شوهرشان یا برادرانشان یا پسران برادرشان یا پسران خواهرانشان یا زنان هم‌کیششان یا بردگانشان یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند و هنگام راه رفتن، پاهای خود را بر زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته نشود [و صدای خلخالی که بر پایشان دارند، به گوش نرسد] و ای مؤمنان! همگی به سوی خدا باز گردید، تا رستگار شوید.

داستان شأن نزول آیه حجاب

در کتاب «کافی» به نقل از امام باقر (علیه السلام) آمده است: روزی جوانی از انصار، در یکی از کوچه‌های مدینه می‌گذشت که با زن جوانی روبه‌رو شد که مقنعه خود را پشت گوش‌ها قرار داده و گردن، گوش‌ها و قرص صورت او به‌طور کامل آشکار بود. جوان چشم به زن جوان دوخت و چون از مقابل یکدیگر گذشتند، به دنبالش حرکت کرد، درحالی که از همه چیز غافل شده بود و به زن خیره خیره نگاه می‌کرد تا اینکه به کوچه‌ای وارد شد و از فرط غفلت، صورتش به استخوان یا شیشه‌ای که در دیوار بود، برخورد کرد و خون جاری شد. وقتی آن زن از جلوی چشمش دور شد و دیگر او را ندید، مرد دریافت که خون بسیاری بر سر و سینه‌اش

ص: ۴۷

ریخته است. با خود گفت به خدا سوگند، نزد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌روم و ماجرا را برای ایشان تعریف می‌کنم. وقتی نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) رفت و چشم حضرت به او افتاد، پرسید چه شده است؟ جوان ماجرای زن بدحجاب را برای ایشان نقل کرد. در این هنگام جبرئیل، فرشته وحی، بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل شد و آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور را نازل کرد که هم مردان را از نگاه به نامحرم بازداشت و هم به زنان دستور داد، زیبایی‌های خود را بپوشانند. (۱)

دومین آیه حجاب

در سوره احزاب آیه ۵۹، خداوند به پیامبرش چنین دستور می‌دهد:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَلزَّوْجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و به همسران مؤمنان بگو روسری‌های بلند (چادرهای) خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است [و اگر تاکنون، خطا و کوتاهی از آنان سر زده، توبه کنند که] خداوند همواره آمرزنده و رحیم است.

داستان شأن نزول آیه دوم حجاب

در «تفسیر علی بن ابراهیم قمی» آمده است: زنان مسلمان، مانند مردان، در پنج وقت نماز به مسجد می‌رفتند و نمازهایشان را با پیامبر

ص: ۴۸

به جماعت می خواندند. هنگامی که آنها برای خواندن نماز صبح یا مغرب و عشا از خانه بیرون می رفتند، جوان‌های لابلالی و هرزه که در حال پرسه زدن در کوچه‌ها بودند، در مسیر مسجد می نشستند و برای زنان مزاحمت ایجاد می کردند. زنان از این ناامنی، به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شکایت کردند. در این هنگام آیه ۵۹ سوره احزاب نازل شد. در این آیه بر پوشش کامل زنان (استفاده از چادر بلند) به عنوان حفاظ در برابر آزار و اذیت افراد فرصت طلب، سفارش و تأکید شده است. (۱)

با توجه به این آیه شریفه، حجاب و پوشش مانع آن می شود که مردان، به ویژه افراد بیمار دل و اسیر خواسته‌های نفسانی، برای زنان باحجاب و پوشیده، مزاحمتی ایجاد کنند و امنیت آنها را به خطر بیندازند. در حقیقت، حجاب چون حصاری محکم است که زن را از هر گونه آسیبی حفظ می کند.

حجاب در برابر نایینا

«ام سلمه»، همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می گوید: وقتی آیه حجاب (نور: ۳۱) نازل شد، من و «میمونه»، همسر دیگر پیامبر، نزد ایشان بودیم. در این هنگام «ابن ام مکتوم» که نایینا بود اجازه خواست به منزل پیامبر وارد شود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به ما فرمود: «در حجاب شوید و خود را از او پنهان کنید». گفتیم: «او ناییناست و ما را نمی بیند». ایشان [از این سخن ما ناراحت شدند و] فرمودند: «آیا شما هم نایینا هستید و او را

۱- تفسیر القمی، علی بن ابراهیم قمی، ج ۴، ص ۱۹۶.

ص: ۴۹

نمی بینید؟» (۱) از این روایت می توان دریافت، حجاب کامل آن است که زنان، افزون بر آنکه خود را از چشم نامحرم می پوشانند، باید چشم خود را نیز از نگرستن به نامحرم حفظ کنند. در حقیقت، زنان نباید هیچ گونه ارتباطی با نامحرم داشته باشند؛ حتی اگر در نگاه کردن باشد، مگر آنکه ضرورتی پیش آید یا امکان گرفتار شدن در دام شیطان وجود نداشته باشد.

داستان دختران شعیب و حضرت موسی (علیه السلام)

در آیه ۲۲ تا ۲۸ سوره قصص، داستان ملاقات حضرت موسی و دختران شعیب و اتفاقاتی که میان آنها می افتد، نقل شده است. در این داستان آمده است: وقتی موسی از تصمیم فرعونیان که برای قتل او نقشه کشیده بودند، آگاه شد، به طرف شهر مدین فرار کرد. پس از هشت شبانه روز پیاده روی و نداشتن آذوقه و خستگی شدید، به نزدیکی شهر مدین و کنار چاه آبی رسید که چوپانان مشغول کشیدن آب از چاه برای سیراب کردن گوسفندانشان بودند. در گوشه دیگری از آن بیابان، نگاه موسی به دو دختر افتاد. آنها نیز گوسفندانی داشتند که برای آب دادن آورده بودند. ولی از نزدیک شدن گوسفندان خود به حوضچه آب نزدیک چاه جلوگیری می کردند.

حضرت موسی که همیشه در کمک به نیازمندان پیش قدم بود، جلو رفت و از آنها پرسید: «شما چرا گوسفندانتان را آب نمی دهید؟» آنها

ص: ۵۰

گفتند: «ما توانایی آب کشیدن از چاه را نداریم و نمی‌توانیم با این مردان بر سر نوبت در بیفتیم. هرگاه برای آب دادن به اینجا می‌آییم، منتظر می‌مانیم تا مردان کارشان تمام شود و گوسفندانشان را از اینجا ببرند و پس از آن، ما از باقی‌مانده آب حوضچه، گوسفندان خود را آب می‌دهیم. از دیگر سو چون پدری سالخورده و ناتوان داریم، باید [برای امرار معاش]، ما دختران، خود به چوپانی بپردازیم».

این سخن برای موسی که مردی غیور و بلندهمت بود، بسیار گران آمد و در دل، عمل آن مردان خودخواه و وظیفه‌شناس را زشت شمرد. سپس جلو آمد و دلو سنگین آب را از چاه بیرون کشید و به آن دو دختر گفت: «گوسفندان را نزدیک بیاورید!» آن‌گاه گوسفندان را سیراب و به همراه دختران روانه خانه کرد و خود در پناه سایه دیواری نشست و لب به راز و نیاز با خداوند گشود و از درگاه او تقاضای گشایش و رفع مشکلات کرد.

دعای حضرت موسی (علیه السلام) به سرعت مستجاب شد. وقتی آن روز دختران زودتر از روزهای دیگر به خانه برگشتند، پدر علت زود بازگشتن آنها را پرسید. دختران گفتند: «بر سر چاه مردی صالح دیدیم که دلش به حال ما سوخت و برایمان آب کشید». پدر به یکی از دخترانش گفت: «برو آن مرد را نزد من بیاور».

یکی از آن دو دختر، با حالت شرم و حیا و متانت که شایسته زنان عفیف و پاک است، نزد حضرت موسی (علیه السلام) بازگشت و گفت: «پدرم تو را می‌خواند تا پاداش آب کشیدن برای گوسفندان ما را بدهد». موسی

ص: ۵۱

دعوتش را پذیرفت و به دختر گفت: «راه را به من نشان بده و خودت از پشت سرم بیا؛ زیرا ما دودمان یعقوب، به پشت سر زنان نگاه نمی‌کنیم».

وقتی موسی (علیه السلام) نزد شعیب آمد و ماجرای خود را برای او گفت، شعیب او را دلداری داد و گفت: «دیگر به خودت ترس راه نده! اینجا از سلطه فرعون خارج است و تو از شر آنها نجات یافته‌ای». آن‌گاه دختر شعیب گفت: «پدرجان! این جوان را به همکاری دعوت کن؛ زیرا او مردی نیرومند و امین است». شعیب این پیشنهاد را پذیرفت و به موسی گفت: «من می‌خواهم یکی از این دو دخترم را به عقد تو در آورم، به شرط اینکه تو هشت سال برای من کار کنی و اگر این مدت را به ده سال رساندی، اختیار با خود توست». موسی که خود را در آن سرزمین تنها و غریب می‌دید، پیشنهاد شعیب را پذیرفت و به دامادی شعیب مفتخر شد و شبانی گوسفندان او را نیز به مدت ده سال به عهده گرفت. (۱)

از این داستان زیبا نکته‌های فراوانی می‌آموزیم، ولی آنچه به بحث ما، یعنی حجاب مربوط می‌شود، این است که خداوند از یک سو، برخورد سراسر حجب و حیای دختر شعیب با نامحرم را می‌ستاید و از دیگر سو، رفتار زیبا و همراه با وقار حضرت موسی (علیه السلام) با دختری نامحرم در بیابانی خلوت را به عنوان الگوی رفتاری شایسته بیان می‌کند. همچنین از این آیه در می‌یابیم اگر رابطه با نامحرم، با رعایت موازین شرعی و انسانی و

۱- کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۱۵۰.

ص: ۵۲

حجب و حیا و سنگینی و وقار همراه باشد، شرع مقدس آن را تأیید خواهد کرد.

در «تفسیر راهنما» (۱) و «تفسیر نور» (۲) در ذیل آیات مربوط به این داستان، نکته‌های مهمی درباره کارکردن زنان در محیط خارج از منزل نقل شده که برخی از آنها عبارت است از:

۱. زنان باید در محیطی سالم و به دور از آسیب کار کنند.
۲. رفت و آمد زنان در بیرون از خانه باید براساس حیا و عفت باشد.
۳. در دعوت [برای مهمانی]، مرد از مرد و زن از زن دعوت کند.
۴. از حیا و ضعف زنان، سوء استفاده نکنیم که اگر قانون و حمایتی در کار نباشد، بسیاری از مردان، حقوق زنان را نادیده می‌گیرند.
۵. حریم میان زن و مرد یک ارزش است که دختران شعیب به آن توجه داشتند.
۶. دختران پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) چوپانی می‌کردند، ولی هرگز به ذلت و گدایی تن ندادند.
۷. حمایت از زنان یک ارزش انسانی است.
۸. گفت‌وگوی مرد با زن در صورت لزوم و با هدف خیرخواهانه و انگیزه کمک‌رسانی به او، جایز است.
۹. پاسخ زنان به پرسش‌های بی‌غرض مردان جایز است.
- ۱۰.

۱- تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی، ج ۱۳، صص ۴۷۰-۴۷۸.

۲- تفسیر نور، محسن قرائتی، ج ۹، صص ۳۶-۴۴.

ص: ۵۳

بکوشیم در حرف زدن با نامحرم، خلاصه (و کوتاه) سخن بگوییم.

۱۱. کار زن در خارج از خانه اشکالی ندارد؛ به شرط آنکه زن در محیط کار با مرد تنها نباشد؛ با مردان اختلاطی نداشته باشد؛ مردی که توان کار داشته باشد، در خانواده او نباشد.
۱۲. زنان پاک‌دامن می‌کوشند کمتر از خانه خارج شوند.
۱۳. در بینش الهی، حیا از برجسته‌ترین کمالات برای زن به‌شمار می‌رود.
۱۴. زنان می‌توانند مردان نامحرم صالح و با ایمان را ستایش کنند.
۱۵. دختر و پسر می‌توانند هنگام خواستگاری، در برابر یکدیگر قرار بگیرند.

حضرت مریم (علیها السلام) وحجاب

در سوره مریم، آیات ۱۶ تا ۳۳ و در سوره آل عمران، آیه ۴۶، داستان حضرت مریم (علیها السلام) آمده است. حضرت مریم (علیها السلام) دختر عمران و از نسل حضرت داوود (علیه السلام) است. مادرش زنی پاک و پارسا بود. روزی مادر مریم از خداوند خواست به او فرزندی عطا کند تا او را به خدمت بیت المقدس بگمارد. درخواست او به اجابت رسید و خداوند، مریم را به او عطا کرد. مادر پس از آنکه مریم را از شیر گرفت، او را به بیت المقدس برد و از خدا خواست مریم و فرزندانش را از شر شیطان حفظ کند. این دعا به اجابت رسید. وقتی مریم را به بیت المقدس

ص: ۵۴

آوردند، بین متصدیان آنجا، در تربیت مریم اختلاف افتاد و همه خواهان تربیت او شدند و برای رفع دعوا قرعه زدند. قرعه به نام زکریا افتاد و وی سرپرستی مریم را به عهده گرفت.

پس از آنکه مریم (علیها السلام) کمی بزرگ تر شد، زکریا برای او در گوشه‌ای از بیت المقدس حجره‌ای ساخت تا مریم به دور از چشم مردم و با خیالی آسوده به عبادت خداوند بپردازد. مریم (علیها السلام) با عبادت بسیار مورد توجه فرشتگان قرار گرفت و به مقام عصمت رسید و خداوند او را بر تمامی زنان زمانش، برتری بخشید.

روزی اتفاق عجیبی برای مریم ۳ افتاد. آن روز مردم پس از انجام عبادت از مسجد بیرون رفتند و زکریا (علیه السلام) درهای مسجد را قفل کرد و مریم را تنها گذاشت تا او بتواند به راحتی و بدون حجاب، داخل مسجد رفت و آمد کند. ناگهان مریم از دور چشمش به مردی جوان و زیبارو افتاد که به طرف او می‌آمد. مریم از دیدن او به وحشت افتاد و به سرعت خود را پوشاند و با فریادی خطاب به مرد جوان گفت: «به خدای رحمان پناه می‌برم از [شر] تو، اگر اهل تقوا هستی»؛ یعنی اگر به خدا اعتقاد داری، بدان که من از خدای هستی کمک می‌خواهم تا به تو اجازه ندهد به من نزدیک شوی و حریم مرا زیر پا بگذاری.

آن جوان زیبارو که کسی جز جبرئیل امین، فرستاده خدا نبود، با اظهار رضایت از این همه حیا و پاک‌دامنی مریم، لبخندی زد و خطاب

به او گفت: «غمگین و نگران نباش که من فرستاده پروردگارت هستم تا

ص: ۵۵

به تو تولد پیامبر بزرگ الهی، حضرت عیسی‌ای مسیح (علیها السلام) را بشارت بدهم» (۱).
 این بخش از داستان مریم، درس بزرگی برای زنان است که چگونه با نامحرم روبه‌رو شوند و اگر نامحرمی به خود اجازه داد در حریم خصوصی آنان وارد شود، با تمام قدرت جلوی او را بگیرند و به او بفهمانند چگونه باید با خانمی محترم و باحجاب رفتار کند. همین رفتار قاطعانه حضرت مریم (علیها السلام)، درس بزرگی برای زنان عفیف و پاک‌دامن ما در طول تاریخ بوده است؛ چنانکه آنان هرگاه احساس می‌کردند، افرادی قصد سوء استفاده از آنان را دارند، به شدت با آنها مقابله می‌کردند.

مردان و حفظ حجاب زنان

حجاب به معنای پوشش، اگرچه در اصل برای زنان تشریح شده و خطاب مستقیم آیات حجاب به زنان است، ولی برای مردان نیز در حفظ حجاب زنان وظایفی را واجب دانست. این حقیقت را افزون بر اینکه از چند روایت گذشته که برخی وظایف مردان در برابر زنان نامحرم را بیان می‌کند و نیز از دیگر سخنان اهل بیت (علیهم السلام) می‌توان دریافت، در آیات مربوط به حجاب نیز به روشنی می‌توان دید. در سوره مبارکه نور، پیش از آنکه خداوند به زنان دستور حجاب بدهد، مردان را به حفظ کردن چشم و خودداری از نگاه به زنان امر می‌کند. (۲).

۱- ر. ک: مریم: ۱۷ - ۱۹

۲- ر. ک: نور: ۳۰.

ص: ۵۶

بنابراین رعایت حجاب فقط وظیفه زنان نیست؛ به‌ویژه اگر حجاب را رفتاری عقیفانه میان زن و مرد معنا کنیم، از دیدگاه اسلام تفاوتی در رعایت آن برای زن و مرد وجود ندارد.

نکته مهمی که باید به آن توجه داشت، این است که حجاب زنان بسیار به حجاب مردان بستگی دارد. از این رو اگر بخواهیم زنان مسلمان به حجاب خود توجه کامل داشته باشند، باید فضای حاکم بر جامعه مسلمانان فضای سالم باشد؛ زیرا به تجربه ثابت شده حفظ حریم حجاب و عفاف، فقط بر عهده زنان نیست و نمی‌توان این وظیفه مهم را فقط به آنان سپرد. بلکه مردان نیز باید با رفتارهای مناسب خود، در برپایی این فضا شرکت فعال داشته باشند. مردی که در برخورد با زنان نامحرم، چشم خود را می‌بندد و رفتاری سنگین و باوقار دارد، نه تنها به وظیفه شخصی خود که آلوده نشدن به گناه است، عمل کرده، بلکه برای تقویت حجاب و عفاف زنان جامعه قدمی برداشته است. در مقابل، کسانی که در برخورد با زنان، به‌ویژه زنانی که به حجاب خود اهمیت نمی‌دهند، به گونه‌ای رفتار می‌کنند که آنان را به بدحجابی تشویق می‌کنند، به یقین، زمینه دور شدن آنها از حجاب را فراهم کرده‌اند. بنابراین گسترش فرهنگ حجاب، مانند مشارکت در حمل باری سنگین است که یک طرف آن را زنان بلند کنند و طرف دیگر را مردان بر دوش خود

بگذارند.

در اینجا برای روشن‌تر شدن نقش مردان در ایجاد عفاف و پاکی در جامعه، چند سخن نورانی از امامان معصوم (علیهم السلام) نقل می‌کنیم:

ص: ۵۷

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمَرْأَةُ لُغْبَةٌ فَمَنْ اتَّخَذَهَا فَلْيُعْطُهَا. (۱)

به راستی که زن، شادی‌بخش زندگی است. هر کس او را به همسری گرفت، باید بیوشاندش.

در این حدیث، امام علی (علیه السلام) مردان را مأمور حفاظت از حجاب زنان قرار داده است.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز می‌فرماید:

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَبِيتُ فِي مَوْضِعٍ يَسْمَعُ نَفْسَ امْرَأَةٍ لَيْسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ. (۲)

هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، شب را در جایی به صبح نمی‌رساند که صدای تنفس زن نامحرم به گوشش برسد.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در سخنی دیگر به مردان می‌فرماید:

إِيَّاكُمْ وَمُحَادَثَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّهُ لَا يَخْلُو رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ لَيْسَ لَهَا مَحْرَمٌ إِلَّا هَمَّ بِهَا. (۳)

از گفت‌وگو و خندیدن با زنان پرهیزید که هرگاه مردی بیگانه با

زنی خلوت کند، قصد [سوء استفاده از] او را می‌کند.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در سخن دیگری به امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود:

يَا عَلِيُّ مَنْ أَطَاعَ امْرَأَتَهُ أَكَبَّهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ. فَقَالَ عَلِيُّ (علیه السلام):

۱- غرر الحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۲۹۸.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۸۵.

۳- نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، ص ۲۰۲.

ص: ۵۸

وَمَا تَلَكَ الطَّاعَةُ؟ قَالَ: يَا ذُنُّ لَه فِي الدَّهَابِ إِلَى الْحَمَامَاتِ وَالْعُرْسَاتِ وَالنَّائِحَاتِ وَلُبْسِ ثِيَابِ الرَّقَاقِ. (۱)

ای علی! هر مردی از زنش اطاعت کند، خداوند او را به صورت، به دوزخ می‌اندازد. امام علی (علیه السلام) عرض کرد: «در چه چیزی از زنش اطاعت کند؟» فرمود: «به او اجازه دهد به جاهای نامناسب [که سبب کم رنگ شدن حجاب او می‌شود،] مانند حمام‌های بیرون از خانه و مجالس عروسی و سوگواری برود یا اجازه دهد [در حضور نامحرمان] لباس‌های نازک و بدن‌نما بپوشد». با توجه به احادیث بیان شده، عفاف و حجاب زن به عفاف و حجاب مرد بستگی دارد و این مرد است که با رفتارش می‌تواند زنان را به حجاب یا بی‌حجابی و بی‌عفتی تشویق کند.

حجاب و پوشش در سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

اشاره

زنان باحجاب، مشمول دعای پیامبرند؛ چنان‌که امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: روزی من و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) با جمعی از اصحاب ایشان داخل بقیع نشستیم. در این هنگام زنی که بر مرکبی سوار بود، از جلوی ما گذشت. ناگهان پای مرکب در گودالی فرو رفت و آن زن، از روی مرکب بر زمین افتاد. در آن زمان مردان و زنان اغلب، لباس بلندی می‌پوشیدند. ولی از شلوار استفاده نمی‌کردند. پیامبر برای اینکه نگاهی به پای زن

ص: ۵۹

نیفتند، رویش را به سوی دیگر برگرداند. اصحاب گفتند: «ای رسول خدا! آن زن شلووار دارد [و پاهایش پوشیده است]». حضرت چنان از پوشش زن خوشحال شد که سه مرتبه او را دعا کرد و فرمود: «خدایا! زنانی را که شلووار به تن می‌کنند، پیامرزا! سپس افزود: «ای مردم! شلووار بپوشید که بهتر شما را می‌پوشاند و زنانان را نیز وقتی از خانه خارج می‌شوند، با پوشش شلووار از دید نامحرم حفظ کنید» (۱).

ناراحت شدن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از بدحجاب

«عایشه» می‌گوید: روزی خواهرم «اسماء» که دختر جوانی شده بود، درحالی که لباس‌های نازکی بر تن داشت، نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آمد. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) تا او را دید، از ناراحتی رویش را برگرداند. سپس فرمود: «ای اسماء! وقتی دختری به سن بلوغ می‌رسد، [باید در برابر نامحرم چنان خود را بپوشاند که] جز صورت و دست‌هایش تا مچ، جایی از بدنش دیده نشود» (۲).

این حدیث زیبا پیامی روشن برای همه زنان به‌ویژه بانوان زائری دارد

که نماینده ایران اسلامی و اهل بیت (علیهم السلام) هستند. پیام این حدیث آن است که اگر زنان زائر بخواهند لباسی برای خود انتخاب کنند که در سرزمین گرمی مانند مکه و مدینه گرم نباشد، باید به این مطلب توجه کنند که پارچه آن نازک نباشد و بدن آنها نمایان نشود.

۱- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۴۴.

۲- سنن ابی داود، ابی داود سلیمان بن الأشعث، ج ۴، ص ۸۷.

ص: ۶۰

آیا سزاوار است زائری که پس از عمری چشم‌انتظاری، خدا به او منت گذاشته و وی را به زیارت خانه‌اش دعوت کرده است، وقتی به این مکان‌ها می‌رود، به گونه‌ای لباس بپوشد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یا امامان معصوم (علیهم السلام) از او روی بگردانند؛ همان گونه که پیامبر از اسماء، خواهر عایشه به دلیل پوشیدن لباس‌های نازک و بدن‌نمایش روی بگرداند؟! با توجه به سخن دیگری از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، زنان همان گونه که باید خود را از نامحرم بیوشانند و اجازه ندهند نامحرم آنها را ببیند، خود نیز نباید به نامحرم بنگرند. (۱) همچنین نقل شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) زنان را از نگریستن به مردان نامحرم نهی کرده است. (۲)

«ام رعله» و سفارش پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به او

ام رعله، زنی سخنور و خوش صحبت بود. روزی خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسید و عرض کرد: «یا رسول الله! ما زنان چه کاری انجام دهیم که به خدا نزدیک شویم؟» حضرت فرمود: «هر روز و هر شب، خدا را به یاد داشته باشید و از نامحرم دوری کنید و صدایتان را از حد معمول بلندتر نبرید!»

ام رعله به پیامبر (صلی الله علیه و آله) عرض کرد: «ای رسول خدا! من آرایشگر زنان هستم و آنها را برای شوهرانشان آرایش می‌کنم». پیامبر فرمود: «بر هر زنی لازم است خود را برای شوهرش بیاراید و زینت کند. چنین کاری

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۲۲.

۲- «عنه ۹: أَنَّهُ نَهَى النِّسَاءَ أَنْ يَنْظُرْنَ إِلَى الرِّجَالِ». مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۸۶.

ص: ۶۱

را ادامه بده که بر اثر آراستگی زن شوهردار، مردان به همسران خود دل خوش می‌کنند و فساد و خرابی در جامعه رواج پیدا نمی‌کند»^(۱)

پیامد بی‌توجهی به حجاب

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: من و فاطمه (علیها السلام) محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسیدیم، درحالی که حضرت به شدت می‌گریست. گفتم: «پدر و مادرم فدای شما، ای رسول خدا! چه چیزی شما را گریانده است؟» پیامبر فرمود: «ای علی! در شبی که به سفر آسمانی معراج رفتم، زنانی از امت خود را دیدم که در عذاب سختی بودند. پس برای شدت عذابی که [زنان امت] در آن گرفتار بودند، گریستم. آنجا زنی را دیدم که با موهایش در دوزخ آویزان شده بود، درحالی که مغز سرش می‌جوشید... و زنی را دیدم که گوشت خود را با قیچی‌هایی از آتش قطعه‌قطعه می‌کرد...».

فاطمه (علیها السلام) گفت: «ای حبیب من و ای نور چشمم! به من بگو عمل و رفتار آن زن‌ها چه بوده که خداوند این عذاب را بر آنها قرار داده است؟»

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «ای دخترم! آن زنی که با موهایش آویزان شده بود، زنی بود که موی سرش را از مردان نامحرم نمی‌پوشاند... و آن زنی که گوشت خود را با قیچی‌ها پاره پاره می‌کرد، زنی بود که خود را در معرض مردان نامحرم قرار داده بود».^(۲)

۱- نماز بانوان، عباس عزیزی، ص ۱۴۴، به نقل از: نقش زنان صالحه در اصلاح جامعه، ص ۳۵۴.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷.

سفارش پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) به رعایت حجاب

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به «حولاء»، همسر «عطاره» فرمود: «ای حولاء! زینت و زیبایی خود را برای غیر شوهرت آشکار نکن. برای زن جایز نیست مچ و پایش را برای مرد نامحرم آشکار سازد و اگر مرتکب چنین عملی شود [و به طور کامل بدنش را نپوشاند]، خداوند سبحان همیشه او را لعنت می‌کند؛ به خشم و غضب خداوند بزرگ گرفتار می‌شود؛ فرشتگان الهی او را لعنت می‌کنند و به عذاب دردناکی در روز قیامت دچار می‌شود».

آن‌گاه حضرت افزود: «ای حولاء! هر زنی که به خداوند سبحان و روز قیامت ایمان دارد، زینتش را برای غیر شوهرش آشکار نمی‌کند و همچنین موی سر و بدن خود را نمایان نمی‌سازد و هر زنی که این کارها را برای غیر شوهرش انجام دهد، دین خود را فاسد کرده و خداوند را نسبت به خود خشمگین کرده است».^(۱) این احادیث، هشدار می‌دهد که برای زنان مسلمانی که حجابشان کامل نیست و به عمد یا از روی بی‌توجهی

قسمتی از موی سر خود را نمی‌پوشانند و از اینکه با بدحجابی در معرض نگاه نامحرم قرار بگیرند، ابایی ندارند.

بی‌توجهی به حجاب همسر

روایت‌های فراوانی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) درباره حساسیت مردان نسبت به حجاب همسران و محارم‌شان وجود دارد. پیامبر خدا در این روایت‌ها

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، صص ۲۴۲ و ۲۴۴.

ص: ۶۳

این بی‌توجهی را نهی کرده و زشت شمرده است. امام رضا (علیه السلام) در این باره فرمود: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هفت نفر را لعنت کرد که یکی از آنها مردی است که به پوشش و حیای همسرش بی‌توجه است»^(۱).

در برخی روایات نیز، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به مردانی که اجازه می‌دهند همسرانشان، درحالی‌که خود را معطر کرده‌اند، از منزل خارج شوند، هشدار داده و فرموده است: «با هر قدمی که این زن بر می‌دارد، برای همسرش خانه‌ای در دوزخ بنا می‌شود»^(۲). از این سخنان می‌توان به میزان مسئولیت مردان در حفظ حجاب زنان پی برد. در حقیقت، آیات حجاب فقط خطاب به زنان نیست، بلکه مردان نیز وظیفه دارند همسران و دیگر محارم خود را به رعایت این فریضه الهی آگاه کنند و قاطعانه از بی‌توجهی آنها جلوگیری کنند.

حجاب در سیره امیرمؤمنان علی (علیه السلام)

امام علی (علیه السلام) و نامحرم

«ابن عباس» می‌گوید: پس از نزول آیه ۵۳ احزاب که به مردان دستور می‌داد با زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) از پشت پرده صحبت کنید، علی (علیه السلام) برای دیدار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به منزل ام سلمه رفت و در زد. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) کوبنده در را شناخت، ولی ام سلمه او را نشناخت. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به همسرش فرمود:

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۹۱.

۲- همان، ص ۲۴۹.

ص: ۶۴

«برو و در را برای او باز کن». ام سلمه پرسید: «مگر چه کسی پشت در است که من باید در را برای او باز کنم؟! مگر دیروز آیه نازل نشد که با زنان پیامبر از پشت پرده صحبت کنید؟! آیا من باید با محاسن و زیبایی‌هایم جلوی او ظاهر شوم؟!» رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از این سخن ام سلمه ناراحت شد و فرمود: «هرکس دستور پیامبر را اطاعت کند، دستور خدا را اطاعت کرده است. بلند شو و در را باز کن. همانا پشت در، مردی است که نه نادان است و نه سبک مغز و نه عجول؛ خدا و پیامبر را دوست دارد و خدا و پیامبر نیز او را دوست دارند. هرگز وارد خانه نمی‌شود، مگر آنکه زن خانه چنان از او دور شود که صدای پایش شنیده نشود». ام سلمه به طرف در رفت، درحالی که نمی‌دانست چه کسی پشت در است و سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) را درباره کوبند در تکرار می‌کرد. وقتی در را گشود، امام علی (علیه السلام) آنقدر جلوی در ایستاد تا ام سلمه از کنار در دور و وارد اتاقش شد. سپس امام وارد شد و به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سلام کرد.

آن‌گاه ام سلمه او را شناخت. (۱)

سلام کردن به نامحرم

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عادت داشت به زنان سلام کند و آنان نیز پاسخ سلام او را می‌دادند. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نیز مانند پیامبر (صلی الله علیه و آله) به زنان سلام می‌کرد. ولی دوست نداشت به زنان جوان سلام

۱- تفسیر البرهان، سیدهاشم بحرانی، ج ۶، ص ۲۹۹.

ص: ۶۵

کند و می فرمود: «می ترسم از صدای جواب سلام آنان خوشم بیاید و در این صورت، زیانی که بر من وارد می شود، بیش از ثوابی باشد که از سلام کردن به آنان می طلبم» (۱).

گفتنی است، حضرت این سخن را زمانی فرمود که خود جوان بود، ولی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حالی به زنان سلام می کرد که از سن میان سالی گذشته بود.

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نیز درباره برقراری رابطه عاطفی با نامحرم می فرماید:

«لَا تُبَدُوا النِّسَاءَ بِالسَّلَامِ وَلَا تَدْعُوهُنَّ إِلَى الطَّعَامِ» (۲)؛ «به زنان سلام نکنید و آنان را به غذا خوردن با خود دعوت نکنید».

زائر مرقد رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)

«یحیی مازنی» از اصحاب امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می گوید: من در مدینه

مدت ها همسایه امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بودم. اما به خدا سوگند! هرگز شکل و شمایل دخترش زینب (علیها السلام) را ندیدم و صدای او را نشنیدم. آن بزرگوار چنان عقیف و با حیا بود که هرگاه می خواست از خانه خارج شود و به زیارت مرقد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برود، شبانه می رفت و این در حالی بود که امام حسن (علیه السلام) سمت راست و امام حسین (علیه السلام) سمت چپ و امیرمؤمنان (علیه السلام) جلوی ایشان حرکت می کردند. زمانی که نزدیک مرقد شریف رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می رسیدند، امیرمؤمنان علی (علیه السلام) جلو می رفت و چراغی را که بر

۱- کافی، ج ۲، ص ۶۴۸.

۲- همان، ج ۵، ص ۵۳۴.

ص: ۶۶

فراز قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) روشن بود، خاموش می‌کرد. یک‌بار امام حسن (علیه السلام) پرسید: «پدرجان! چرا این چراغ را خاموش می‌کنید؟» حضرت فرمود: «می‌ترسم چشم نامحرمی به خواهرت زینب بیفتد»^(۱). آری، این شعاع کوچکی از خورشید عفت و حیای دختر علی (علیه السلام) است. زنان ما باید افتخار کنند که آموزگار بزرگی چون زینب کبرا (علیها السلام) دارند؛ آموزگاری که درس پاکی و عفاف که او و خانواده‌اش به انسان‌ها می‌دهند، بی‌مانند است.

حجاب در سیره حضرت زهرا (علیها السلام)

اشاره

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) الگوی کامل همه انسان‌ها در تمام کمالات انسانی است و حتی ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز خود را دست پرورده این مادر گرانقدر و عالی‌مقام می‌دانند. آن حضرت در توجه به حجاب و عفاف، بهترین الگو برای زنان مسلمان است. ایشان با سخنان و رفتار خود، اهمیت حجاب را برای زن به روشنی تبیین کرده است که در ادامه به چند نمونه اشاره می‌شود.

حضرت فاطمه (علیها السلام) و مرد نابینا

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «روزی پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) در خانه دخترش فاطمه زهرا (علیها السلام) بود که مردی نابینا اجازه ورود خواست. حضرت فاطمه (علیها السلام) به سرعت از جا برخاست تا به مکانی دیگر رود و در حضور

۱- فاطمه الزهرا، رحمانی همدانی، ص ۶۴۲.

ص: ۶۷

مرد نابینا نباشد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) از روی تعجب (و شاید برای آزمایش دخترش) فرمود: چرا خود را از این مرد پنهان می‌کنی، درحالی که او نابیناست و تو را نمی‌بیند؟ حضرت فاطمه (علیها السلام) عرض کرد: اگر چه او مرا نمی‌بیند، ولی من او را می‌بینم. همچنین او می‌تواند بوی مرا استشمام کند. [پس به این دو دلیل، ماندن من در اتاق جایز نیست]. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) که از این پاسخ زیبا، بسیار خوشحال شده بود، فرمود: گواهی می‌دهم که تو پاره تن من هستی» (۱).

حضرت فاطمه (علیها السلام) وسخنرانی در مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله)

«عبدالله بن حسن» از پدران معصوم خود (علیهم السلام) نقل می‌کند، وقتی عده‌ای از مهاجرین و انصار تصمیم گرفتند برخلاف سفارش‌های رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، خلافت را از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) سلب کنند، به دنبال آن، تصمیم دیگری اجرا شد و آن گرفتن فدک از فاطمه (علیها السلام) بود. این در حالی بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امر خداوند این سرزمین حاصل خیز را به ایشان بخشیده بود. وقتی این خبر به حضرت فاطمه (علیها السلام) رسید، نخست کوشید غاصبان فدک را از کار اشتباهشان آگاه سازد، ولی پس از اینکه آنان حاضر نشدند فدک را به آن بزرگوار بازگردانند، حضرت تصمیم گرفت، به مسجد برود و در حضور مردم سخنرانی و از غاصبان فدک انتقاد کند. آن بزرگوار پیش از حرکت، مقنعه بر سر کرد و بندهای آن را محکم بست. سپس چادری بلند روی آن پوشید، چنان که تمام بدن مطهرش را

۱- میرزا حسین نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۸۹.

ص: ۶۸

فرا گرفت. آن‌گاه از منزل بیرون آمد، درحالی‌که اطراف ایشان را جماعتی از زنان بنی‌هاشم و دوستان آن حضرت گرفته بودند. آن حضرت درحالی‌که هنگام راه رفتن، چادر و لباس‌هایش بر اثر بلند بودن، زیر پایش می‌رفت، به سوی مسجد پیامبر (صلی الله علیه و آله) روانه شد. (۱)

توجه حضرت فاطمه (علیها السلام) به مجاب در آخرین لحظه‌های عمر

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «هنگامی که زمان وفات حضرت فاطمه (علیها السلام) رسید، به «اسماء بنت عمیس» که از ایشان پرستاری می‌کرد، فرمود: ای اسماء! من دوست ندارم هنگام تشییع جنازه‌ام، حجم بدنم را نامحرم ببیند. آیا می‌توانی کاری کنی که چنین اتفاقی نیفتد؟ (گفتنی است که در آن زمان، تشییع جنازه با تابوت‌هایی مانند تابوت‌های امروزی که دارای دیواره است، صورت نمی‌گرفت و جنازه را بر روی یک تخته صاف حمل می‌کردند). اسماء فکری کرد و گفت: من زمانی که در حبشه بودم، می‌دیدم مردم برای بردن جنازه، از تابوت‌هایی استفاده می‌کردند که دیواره داشت و حجم بدن را می‌پوشاند. آن‌گاه ماکت آن را درست کرد و به آن حضرت نشان داد. حضرت زهرا (علیها السلام) درحالی‌که از این موضوع بسیار خوشحال شد، فرمود: «برای من چنین تابوتی درست کن و با آن بدن مرا بپوشان. خداوند تو را [به عوض این کار] از آتش دوزخ نگاه دارد» (۲).

۱- احتجاج، ج ۱، ص ۲۵۳.

۲- تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، ج ۱، ص ۴۶۹.

تقرب به حضرت فاطمه (علیها السلام)

انسان باید همواره انجام دادن کار خیر را غنیمت شمارد و تصور کند که شاید نتواند دوباره به انجام آن کار موفق شود. حتی در عبادتی مانند نماز که حداقل روزی پنج بار می‌خوانیم، به ما سفارش شده است، هر یک از نمازهای یومیه خود را به نیت نماز مودع بخوانیم؛ یعنی با این خیال نماز بخوانیم که گویی این آخرین نماز ماست و پس از آن دیگر زنده نیستیم که دوباره توفیق پیدا کنیم و نماز بخوانیم. پس نماز وداع می‌خوانیم! بدیهی است با این تصور، انسان می‌کوشد تا بهترین نماز را به پا دارد.

زمانی که به زیارت مشرف می‌شویم به‌ویژه زیارت سرزمین وحی نیز همین‌گونه است. وقتی کسی توفیق زیارت مدینه و مکه یا عتبات مقدسه را پیدا می‌کند، معلوم نیست دوباره این سفر نورانی نصیبش شود. بنابراین باید تمام بهره خود را از این سفرها بگیریم.

زائری که وارد مدینه می‌شود و به زیارت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و فرزندان پاک او مشرف می‌شود، پشت دیوار بقیع، با تضرع و التماس، دست به دامان دختر پیامبر می‌شود و از این بانوی عالی‌مقام و با کرامت، تقاضای لطف و کرم دارد و می‌داند اگر این بزرگوار گوشه چشمی به انسان نظر کند، از تمام دنیا ارزشمندتر است. پس چرا در این فرصت استثنایی، بهترین‌ها را نخواهد؟ گفتنی است بهترین حاجتی که می‌توان با توسل به فاطمه (علیها السلام) به دست آورد، این است که آن بزرگوار، الگوی ما در همه امور زندگی باشد و از آن حضرت پیروی کنیم؛ یعنی به گونه‌ای زندگی

ص: ۷۰

کنیم که حضرت فاطمه (علیها السلام) آن را تأیید کند و آن‌گاه که از مدینه خارج می‌شویم، آن حضرت از ما خشنود باشد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هر که فاطمه از او خشنود باشد، خداوند از او خشنود خواهد بود» (۱)

بانویی که به مدینه می‌آید، اگر توجه داشته باشد که به چه مکانی قدم گذاشته، در مدینه احساس غربت نمی‌کند، بلکه احساس می‌کند به خانه خودش بازگشته است، نشانه این نزدیکی با مدینه، آن است که زن در این مکان، به یاد امور دنیایی نیست و چنان با آرامش زیارت می‌کند که هیچ کاری در دنیا جز زیارت ندارد. چنین بانوی زائری، خود را چون

دختر کوچکی می‌بیند که آمده است تا سر به دامن مادر بگذارد و حرف‌هایش را به او بگوید. بنابراین این لحظه، بهترین زمان است که با این مادر عزیزتر از جانش پیمان ببندد که در تمام امور زندگی، به‌ویژه در پوشش و حجاب و نوع رفتارش با نامحرم، به گونه‌ای باشد که حضرت زهرا (علیها السلام) از او خشنود باشد. حضرت فاطمه‌ای که دوست ندارد حجم بدن مطهرش حتی پس از مرگ نیز دیده شود، چگونه از خانمی که لباس‌های تنگ می‌پوشد و بدون چادر در کوچه و خیابان ظاهر می‌شود، خشنود می‌شود؟!

آیا به دست آوردن مادری چون فاطمه (علیها السلام) که تمام انبیاء و اولیاء، افتخار می‌کنند که به مقام ایشان متوسل شوند و پس از پدر و شوهرش، هیچ شخصی چه در دنیا و چه در آخرت، به مقامش نمی‌رسد، ارزش

۱- فرائد السمطین، حموی، ج ۲، ص ۶۷.

ص: ۷۱

این را ندارد که با رعایت پوشش و حجاب کامل، او را از خود راضی نگه داریم و فردای قیامت در زمره دوستانش قرار گیریم؟ آیا پوشیدن چادر برای خانمی که تا کنون به آن عادت نکرده، آن قدر مشکل است که نعمت بزرگ انتساب به بانوی دو عالم، حضرت زهرا (علیها السلام) را از دست بدهد؟

پس شایسته است زن مسلمان که زائر بیت الاحزان و سرگشته کوی فاطمه (علیها السلام) شده است، حال که توفیق زیارت مقام ملکوتی این مادر آسمانی را پیدا کرده، با خدای خود و در حضور این بانو، پیمان ببندد، پس از این، دیگر لباس نورانی حجاب و چادر مقدسی که هدیه بی بدیل فاطمه به زنان عالم است، از تن بیرون نکند.

پرسشی که همه جز حضرت فاطمه (علیها السلام) ، از پاسخ آن درماندند

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می فرماید: «من و عده‌ای از اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نزد ایشان بودیم که آن حضرت پرسید: «بهترین ویژگی زنان چیست؟» هیچ یک از ما نتوانستیم پاسخ دهیم تا اینکه جلسه به پایان رسید و از یکدیگر جدا شدیم. من به سوی فاطمه رفتم و او را از آنچه پیامبر (صلی الله علیه و آله) از ما پرسیده بود، آگاه کردم و گفتم: کسی از ما نتوانست به آن پاسخ دهد. فاطمه (علیها السلام) فرمود: «ولی من پاسخ آن را می دانم. بهترین ویژگی زنان این است که به مردها نگاه نکنند و مردها نیز آنان را نبینند».

نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رفتم و عرض کردم: ای رسول خدا! شما پرسیدی چه چیز برای زنان بهتر است. من اکنون پاسخ آن را می گویم و همان

ص: ۷۲

پاسخی را که فاطمه (علیها السلام) داده بود، بازگو کردم. آن حضرت فرمود: «تو وقتی نزد من بودی پاسخ این پرسش را نمی‌دانستی. چه کسی این پاسخ را به تو آموخت؟» عرض کردم: فاطمه. پیامبر (صلی الله علیه و آله) شگفت‌زده شد و فرمود: «به راستی که فاطمه پاره تن من است» (۱).

در حقیقت، این روایت حد عفاف زن را مشخص می‌کند. حد عفاف زن آن است که به گونه‌ای در جامعه ظاهر شود که نه خود به نامحرمی نگاه شیطانی کند و نه اجازه دهد که نامحرمی به او نگاه کند، بلکه طوری خود را بپوشاند که نامحرمان حرمت او را نگه دارند.

حجاب در سیره امام صادق (علیه السلام)

اشاره

از امام صادق (علیه السلام) نیز درباره حجاب و داشتن رفتار صحیح با نامحرم، سخنان زیبایی نقل شده است. در روایتی آمده است: *عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: لَا يَصْلُحُ لِلْمَرْأَةِ الْمُسْلِمَةِ أَنْ تَلْبَسَ مِنَ الْخُمْرِ وَالْدَّرُوعِ مَا لَا يُوَارِي شَيْئاً* (۲). حلبی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است که ایشان فرمود: برای زن مسلمان جایز نیست روسری و دیگر لباس‌هایش به گونه‌ای باشد که جایی از بدنش را نپوشاند. بنابراین روایت، نمی‌توان گفت کسانی که مقنعه و چادر می‌پوشند حجاب را رعایت کرده‌اند؛ زیرا ممکن است لباس آنها نازک باشد و

۱- کشف الغمه، عیسی اربلی، ج ۲، ص ۹۴.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۵.

ص: ۷۳

بدنشان از زیر آن مشخص باشد. بانوان عمره گزار و حج گزار ما باید بیشتر به این نکته مهم توجه کنند؛ زیرا گاه برخی از بانوان برای فرار از گرما، از ماتوها و لباس‌های نازک و سفید استفاده می‌کنند، غافل از اینکه این لباس‌ها نه تنها در حفظ حجاب آنها بی‌تأثیر است، بلکه احرام آنها را نیز دچار اشکال می‌کند؛ زیرا فقها و مراجع گرانقدر این لباس را برای احرام کافی نمی‌دانند.

نکته دیگر تأثیر پوشیدن این لباس بر افکار دیگر ملت‌هاست. وقتی

زن شیعه ایرانی بر اثر بی‌توجهی، از این گونه لباس‌ها استفاده می‌کند، آثاری سوء بر دیگر ملت‌ها می‌گذارد؛ ملت‌هایی که بیشتر آنها اهل سنت هستند. این سبب می‌شود که آنها شیعیان و زنانشان را به بی‌مبالاتی و نادانی نسبت به شرع اسلام محکوم کنند که این تحقیر و تمسخر، مکتب تشیع و اهل بیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را نیز در بر خواهد گرفت.

ابوبصیر و شوخی با نامحرم

«ابوبصیر» که مردی نابینا و از اصحاب امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) است، می‌گوید: وقتی در کوفه زندگی می‌کردم، زنی از من خواست به او قرائت قرآن بیاموزم و من پذیرفتم. او روزها نزد من می‌آمد و از من قرآن می‌آموخت. روزی در میان درس، با او کمی شوخی و مزاح کردم، ولی هرگز گمان نمی‌کردم، شوخی با نامحرم کار بدی باشد تا اینکه پس از مدتی، به مدینه سفر کردم و به محضر ابی‌جعفر امام باقر (علیه السلام) رسیدم. آن حضرت در همان آغاز دیدار به من فرمود:

«مَنْ ارْتَكَبَ الذَّنْبَ فِي الْخَلَاءِ

ص: ۷۴

لَمْ يَعْبَأُ اللَّهُ بِهِ؛ «هرکس در خلوت مرتکب گناه شود، خدا به او نظر رحمت نمی‌کند». سپس مانند کسی که در آن جلسه قرائت قرآن حاضر بوده است، مرا سرزنش کرد و فرمود: «به آن زن چه گفتی؟!» من از خجالت صورتم را پوشاندم و توبه کردم. سپس ابوجعفر (علیه السلام) فرمود: «دیگر چنین کاری را تکرار نکن». (۱)

این داستان به ما می‌آموزد، ارتباط میان زن و مرد نامحرم حد و حدودی دارد و باید در این گونه رابطه‌ها ادب و نزاکت و مسائل شرعی رعایت شود و اگر زن و مرد حتی اندکی از این محدوده خارج شوند و احساس خودمانی بر این ارتباط حاکم شود، مورد رضایت ائمه (علیهم السلام) نیست؛ زیرا همین رفتارها و ارتباطها حجاب و عفاف زن را به تدریج، کم رنگ می‌کند.

به دو روایت در همین باره اشاره می‌کنیم. امام علی (علیه السلام) در بخشی از یک حدیث طولانی، می‌فرماید:

مَنْ مَازَحَ الْجَوَارِي وَالْغُلَمَانَ فَلَا بُدَّ لَهُ مِنَ الزَّانَا وَلَا بُدَّ لِلزَّانِي مِنَ النَّارِ. (۲)

هرکس با دختران و پسران جوان، شوخی‌های زننده کند، به ناچار به زنا مبتلا و بی‌شک، به آتش دوزخ گرفتار خواهد شد. همان‌طور که گفتیم، این گونه ارتباطهای نامناسب، حریم حیا را در

۱- بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۷.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۳۳۱.

ص: ۷۵

میان زن و مرد از بین می‌برد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز در این باره فرمود:

مَنْ فَآكَهُ امْرَأَةٌ لَا يَمْلِكُهَا حَبْسَهُ اللَّهُ بِكُلِّ كَلِمَةٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ. (۱)

هر کس با زنی غیر از همسر خود شوخی و سبکی کند، خداوند [روز قیامت] او را در برابر هر کلمه‌ای که با آن زن در دنیا سخن گفته است، هزار سال زندان می‌کند.

عیادت از نامحرم

یکی از اصحاب امام صادق (علیه السلام) به نام «محمد بن ابی عمیر»، دو خواهر به نام‌های «سعیده» و «منه» داشت. آنها روزی از محضر امام صادق (علیه السلام) اجازه خواستند تا خدمتش برسند و از ایشان پرسش‌هایی درباره حجاب و حدود رابطه با نامحرم پرسند. وقتی به محضر امام رسیدند، یکی از آنها پرسید: آیا زن مسلمان می‌تواند از برادر مسلمانش [در هنگام بیماری و مانند آن] عیادت کند؟ حضرت فرمود: «اشکالی ندارد». او پرسش دیگری مطرح کرد و سپس پرسید: خواهرم که همراه من است به عیادت برادران مسلمانش می‌رود، [نظرتان چیست؟] حضرت [به او رو کرد و] فرمود: «وقتی به زیارت برادر مسلمانت می‌روی، لباس رنگارنگ و جذاب نبوش!» (۲)

از سخن امام صادق (علیه السلام) در این روایت در می‌یابیم، اسلام با رابطه

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹۸.

۲- کافی، ج ۵، ص ۵۲۶.

ص: ۷۶

سالم زن و مرد مشکلی ندارد، ولی هشدار می‌دهد که باید از هرگونه رفتار یا سخن یا پوششی که به ناسالم شدن این روابط می‌انجامد، خودداری شود.

حجاب پیرزنان

چه تفاوتی میان حجاب پیرزنان و حجاب زنان جوان وجود دارد؟

آیا در نوع حجاب، با هم متفاوتند؟ با توجه به آیات قرآن و برخی روایت‌ها، زنان جوان باید حجابشان بیشتر از پیرزنان باشد؛ زیرا توجه و نظر مردان بیشتر به سوی زنان جوان است تا زنان مسن و سال‌خورده. خداوند در سوره نور آیه ۶۰، این مطلب را چنین بیان می‌کند:

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

و زنان از کار افتاده [و پیر] که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباس‌های [رویی] خود را بر زمین بگذارند، به شرط اینکه در برابر مردان، خودآرایی نکنند و [البته] اگر خود را بپوشانند، برای آنان بهتر است و خداوند شنوا و داناست. حال باید پرسید منظور از لباس رویی چیست.

حجاب بدون چادر مخصوص زنان مسن

امام صادق (علیه السلام) در پاسخ به سؤال شخصی که پرسید: منظور خداوند از اینکه پیرزنان می‌توانند لباس رویی خود را کنار بگذارند، چیست، فرمود:

ص: ۷۷

«تَضَعُ الْجَلْبَابَ وَحَدَّهُ»^(۱)؛ «پیرزنان فقط می‌توانند چادر را کنار بگذارند» .

از این سخن در می‌یابیم که لازم است زنان جوان از حجاب برتر؛ یعنی چادر استفاده کنند و حجاب با مانتو را برای پیرزنان بگذارند.

متأسفانه امروزه در جامعه اسلامی برخی زنان جوان، حجاب مخصوص پیرزنان؛ یعنی مانتو را برای خود برگزیده‌اند و در مقابل، پیرزنان از حجاب جوانان استفاده می‌کنند.

امام صادق (علیه السلام) در سخنی دیگر نیز به بیان تفاوت حجاب زنان جوان و پیر پرداخته و رعایت حجاب را برای زنان جوان لازم تر دانسته است. آن حضرت در این باره می‌فرماید:

لَيْسَ يَتَّبِعِي لِلْمَرْأَةِ الشَّابَّةِ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى الْجِنَازَةِ تُصَلِّيَ عَلَيْهَا إِلَّا أَنْ تَكُونَ امْرَأَةً قَدْ دَخَلَتْ فِي السَّنِّ. ^(۲)

بر زن جوان سزاوار نیست به تشییع جنازه رود و بر آن نماز بگذارد، مگر آنکه زنی مسن و پیر باشد.

منظور از این سخن این است که زنان جوان باید کمتر از خانه خارج شوند و حتی بهتر است در امور مستحبی مثل تشییع جنازه حاضر نشوند.

امام صادق (علیه السلام) در سخن دیگری درباره حجاب کنیزان می‌فرماید: کنیزان نه تنها لازم نیست چادر سر کنند، بلکه اگر از مقنعه نیز استفاده نکنند [و به جای آن یک روسری ساده بپوشند]، کافی است. ^(۳)

۱- وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۰۳.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۴.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۰۳.

ص: ۷۸

از این سخن روشن می‌شود که پوشیدن چادر و مقنعه امتیازی است که دین اسلام، زنان جوان و با شخصیت را به آن مفتخر کرده است. همچنین به زنانی که حجابشان را کامل رعایت نمی‌کنند، می‌فهماند که

این نوع حجاب، مخصوص کنیزان است؛ زیرا کنیزان نوعی کالا هستند که برای خدمت‌گزاری به دیگران خرید و فروش می‌شوند و باید در معرض دید قرار گیرند. اگر بانوان بزرگوار به این حقایق توجه کنند، هرگز خود را از حجاب کامل محروم نمی‌کنند.

این روایت‌ها به زنان بزرگوار و با وقار ما که خود را به زینت عفاف و حجاب آراسته‌اند، این پیام را می‌دهد که در برخورد با افراد بدحجاب، هرگز احساس حقارت نکنند، بلکه به خود افتخار کنند که حجابشان کامل است و از خدا سپاسگزاری کنند که مانند آنها نیستند و به ارزش حقیقی زن که شخصیت و انسانیت اوست، پی‌برده‌اند. همچنین خود را در حد یک کالا تنزل نداده و مانند کنیزی در معرض خرید و فروش قرار نداده‌اند.

با توجه به آنچه گفته شد، اگر زنی دانسته یا ندانسته خود را بیاراید و در معرض نگاه‌های هوس‌آلود مردانی قرار دهد که هدفی جز ارضای غرایز حیوانی خود ندارند، آیا خود را مانند کنیزان، پست و بی‌مقدار نکرده است؟ با طرح این پرسش، بار دیگر به این نکته مهم پی‌می‌بریم که دین اسلام، با واجب کردن حجاب، عزت و شرافت بزرگی به زنان داده است و اجازه نداده هیچ‌کس به حریم خصوصی آنها تجاوز کند و کوچک‌ترین اهانتی به شخصیت با ارزش آنها داشته باشد.

شاید زنان بزرگوار به‌ویژه کسانی که حجابشان کامل نیست، به این

ص: ۷۹

نکته مهم توجه نداشته باشند که بدحجابی، به شخصیت و ارزش انسانی آنها ضربه‌های جبران‌ناپذیری می‌زند و ارزش آنها را کاهش می‌دهد. از این رو بیان این نکته‌ها فقط برای آگاه کردن ذهن بانوان است و هیچ‌گونه بی‌حرمتی به آنها نیست.

حجاب در سیره امام رضا (علیه السلام)

اشاره

امام رضا (علیه السلام)، هم در سخنان و هم در رفتار خود، مسلمانان را به اهمیت حجاب متوجه کرده‌اند. نقل است: در یک مهمانی، امام رضا (علیه السلام) و جمعی از مردم حضور داشتند. یکی از مهمانان به همراه دختر بچه کوچکش وارد شد. هریک از حاضران، آن دختر بچه را در آغوش گرفتند و بوسیدند و به او اظهار محبت کردند. وقتی نوبت به امام رضا (علیه السلام) رسید، حضرت پیش از آنکه مانند دیگران او را ببوسد، پرسید: او چند سال دارد. گفته شد: پنج سال. حضرت فرمود: «وقتی دختر به پنج سال می‌رسد، نباید مردان او را ببوسند». سپس دختر را نوازش کرد و از بوسیدن او خودداری کرد. (۱)

از این داستان در می‌یابیم که باید حدود محرم و نامحرم حتی در برخورد با دختر پنج ساله نیز رعایت شود.

چرا حجاب بر زنان واجب شد؟

از موضوعاتی که افراد مختلف، چه موافقان حجاب و چه مخالفان آن

۱- تهذیب، ج ۷، ص ۴۶۱.

ص: ۸۰

مطرح می‌کنند، این است که به چه دلیل زنان باید خود را بپوشانند؟ یا اگر زنان، آزاد و بدون پوشش در سطح جامعه حضور یابند، چه مشکلی ایجاد می‌شود؟ امام رضا (علیه السلام) در پاسخ به این پرسش می‌فرماید:

حَرَّمَ النَّظْرَ إِلَى شُعُورِ النِّسَاءِ الْمَحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَغَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَمَا يَدْعُو التَّهْيِيجَ إِلَى الْفَسَادِ وَالذُّخُولِ فِيهَا لَا يَحِلُّ وَلَا يَجْمَلُ وَكَذَلِكَ مَا أَشْبَهَ الشُّعُورَ. (۱)

نگریستن به موی سر زنان؛ چه شوهردار و چه بی‌شوهر، از این رو حرام است که سبب برانگیخته شدن غریزه شهوت مردان می‌شود و این برانگیختگی، آنان را به فساد و کارهای حرام و نازیبا وا می‌دارد، چنان‌که نگریستن به قسمت‌های دیگر بدن زن نیز همین حکم را دارد.

بنابراین، اگر بخواهیم جامعه‌ای سالم و امن داشته باشیم، از انحراف‌های اخلاقی جلوگیری کنیم، آبروی افراد در امان بماند، کسی مزاحم نوامیس مردم نشود و خانواده‌ها از هم نپاشند، باید زنان، این زحمت را به جان بخرند و تمام بدن خود را بپوشانند، همان‌گونه که مردان نیز باید جلوی چشم خود را بگیرند و از نگریستن به نامحرم پرهیز کنند.

داستانی از پیامدهای رعایت نکردن حجاب

چند سال پیش در یکی از روزنامه‌ها، نوشته شده بود: مردی در رفت و آمدهای فامیلی، شیفته زیبایی خواهر زنش شده و گاه‌گاهی ارتباط

ص: ۸۱

کلامی و دوستانه با او برقرار می‌کرد و آن زن نیز از این ارتباط استقبال می‌کرد. این رابطه مدتی طول کشید تا اینکه برخی اطرافیان، از آن باخبر شدند. شوهر آن زن از مرد که باجناقش بود، شکایت کرد و او را به زندان انداخت. با پخش این خبر در میان فامیل، همسایه و آشنا، زن به شدت تحت فشار روحی قرار گرفت. چند روز به مراسم دادگاه و محاکمه آن مرد باقی مانده بود که ناگهان خبر رسید آن زن از شدت ناراحتی خودکشی کرده است. این خبر به گوش مرد نیز رسید و او را بسیار متأثر کرد، به گونه‌ای که او نیز در زندان دست به خودکشی زد. به این ترتیب، به دلیل رعایت نکردن حدود شرعی در روابط و جلوگیری نکردن از نگاه به نامحرم، دو نفر کشته شدند، دو خانواده متلاشی و دو فامیل عزادار شد. (۱)

۱- کیهان، ش ۹۰۱۴.

فصل سوم: حجاب و تحویل

مقدمه

از اسرار زیارت آن است که زائر، خود را چون قطره‌ای بیند که می‌خواهد به دریا پیوندد و در آن محو گردد. این پیوند که پیوندی معنوی است، نه مادی، باید همواره مورد توجه زائر باشد. از این رو هر چه انسان خود را از پیرایه‌ها، تعلق‌ها، زنجیرهای گناه و خلق و خوی استکباری برهاند، این پیوستن و محو شدن، آسان‌تر و کامل‌تر است.

«علامه طباطبایی (رحمه الله)» چه زیبا سروده است:

من خس بی‌سر و پایم که به موج افتادم

او که می‌رفت مرا هم به دل دریا برد

من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه

ذره‌ای بودم و مهر تو مرا بالا برد(۱)

در اهمیت زیارت همین بس که در ادعیه ماه مبارک رمضان و شب

۱- مهر تابان، سید محمدحسین حسینی تهرانی، ص ۵۶.

ص: ۸۴

قدر، سفارش شده است یکی از خواسته‌های ما از خداوند، توفیق رفتن به حج و عمره و زیارت مشاهد شریفه باشد. (۱)

به راستی، دلیل این همه تأکید چیست و چرا باید آرزوی هر مؤمن، رفتن به این زیارتگاه‌ها باشد؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت: کم‌ترین فایده‌ای که از این سفرهای نورانی نصیب مؤمن می‌شود، تحول و اثر‌پذیری عمیق روحی و معنوی در نفس آدمی است.

بهترین تعبیری که می‌توان برای این گونه توفیقات، در روایت‌ها یافت، این حدیث شریف نبوی است که می‌فرماید:

إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا. (۲)

همانا از سوی پروردگارتان، در طول عمر شما، گاهی نسیم رحمت الهی به سوی شما می‌وزد. آگاه باشید که خود را در معرض این وزش و نسیم رحمت قرار دهید و از آن روی‌گردان نشوید.

در یکی از سفرهای زیارتی که به مدینه منوره مشرف شده بودم، یکی از استادان دانشگاه شیراز را که در سفرهای پیش با او آشنا شده بودم، به همراه دو نفر از دوستانش، در صحن مسجدالنبی دیدم. پس از سلام و احوال‌پرسی، یکی از همراهان ایشان از من درخواست زیبایی کرد. وی گفت: دعا کنید من در این سفر تغییر کنم و انسان بهتری شوم! من گفتم: من که باشم که برای شما دعا کنم. شما را راهنمایی می‌کنم که به محضر

۱- مفاتیح الجنان، اعمال ماه مبارک رمضان.

۲- بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۲۱.

ص: ۸۵

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شرفیاب شوید و این حاجت را از ایشان بخواهید. تا من این جمله را به وی گفتم، چنان از این سخن دچار تحول روحی شد که به گریه افتاد و شانه‌هایش از شدت گریه، شروع به لرزیدن کرد و کم بود از شدت گریه بر زمین افتد.

آری، این سفرهای کوتاه، ولی عمیق زیارتی می‌تواند بهترین فرصت برای ایجاد تغییر و تحول اساسی در فکر و رفتار زائران باشد؛ به شرطی که مسئولان فرهنگی حج و زیارت، زمینه این تحول را برای آنان فراهم کنند.

یکی از دگرگونی‌های عمیق در سفرهای زیارتی، تغییر و تحول در پوشش بانوانی است که توفیق این گونه سفرها را پیدا می‌کنند، ولی در نوع پوشش و حجاب خود، دچار عادت‌های غیر دینی شده‌اند و از الگوی مناسبی برای لباس و پوشش خود در مقابل نامحرم، برخوردار نیستند. بسیاری از این بانوان وقتی خود را در جمع زائران و علاقه‌مندان به معنویت می‌بینند، خود را چون قطره‌ای احساس می‌کنند که به دریا رسیده و از هویت محدود و کوچک خود خارج شده و در یک هویت جمعی و بسیار بزرگ قرار گرفته‌اند. این افراد در چنین شرایط، دست به انتخاب می‌زنند و با اینکه پیش از این، حجاب خود را جدی نمی‌گرفتند، ولی در این تحول عظیم، هر شرطی را می‌پذیرند تا از قافله مؤمنان و خداجویان عقب نمانند. این تغییر به ظاهر ساده در مدت کوتاه سفر، چنان در فکر، ذهن و رفتار آنان اثر گذار است که همانجا با خدا عهد می‌بندند که برای همیشه حجاب چادر را از خود دور نسازند.

حجاب، یعنی از خود گذشتن

در روان‌شناسی زن، به اثبات رسیده است که زنان به‌طور طبیعی و ذاتی، به خودآرایی و به نمایش گذاشتن زیبایی‌های خود تمایل دارند و از این کار لذت می‌برند. خانم «لمبروزو»، روان‌شناس معروف ایتالیایی در این باره می‌گوید:

یکی از امیال عمیق و آرزوهای اساسی زن آن است که به چشم دیگران مطلوب و زیبا باشد و با زیبارویی، زیبایی اندام، موزون بودن حرکات، خوش آهنگی صدا، طرز سخن گفتن و شیوه خرام خود، مورد توجه قرار گیرد و احساسات مردان را تحریک و روحشان را مجذوب خود کند. (۱)

او در کلامی دیگر می‌گوید: «در زن، علاقه به دلبر بودن و دل باختن، مورد پسند بودن و مایه خرسند شدن، بسیار شدید است». (۲)
همچنین درباره تأثیر غریزه خودآرایی و تبرج در زندگی زنان نوشته است: «میل به جذب دیگران، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین محرک زندگانی زن به شمار می‌رود». (۳)

در قرآن کریم نیز از این تمایل طبیعی و غریزی زن سخن به میان آمده است.

در سوره احزاب، خداوند خطاب به زنان می‌فرماید:

۱- روح زن، جینا لمبروزو، ص ۱۵.

۲- همان، ص ۴۲.

۳- همان، ص ۴۴.

ص: ۸۷

وَلَا تَبْرُجْنَ تَبْرُجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى (احزاب: ۳۳)

[در برابر نامحرم] ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید؛ مانند خودنمایی [زنان] دوران جاهلیت نخستین.

در آیه‌ای دیگر نیز می‌خوانیم: غَيْرَ مُتَّبِعَاتٍ بِزِينَةٍ؛ «زنان [در برابر نامحرم] با زینت‌ها و آرایش‌هایشان خودنمایی نکنند». (نور: ۶۰)

از اینکه خداوند در این آیات، صفت تبرج را فقط به زنان اختصاص داده و به مردان چنین صفتی را نسبت نداده است، درمی‌یابیم که این ویژگی از ویژگی‌های زنان است و در طبیعت آنها نهاده شده است. از این رو پوشش و حجاب به شکل خاص آن، فقط بر زنان واجب شده است. «شهید مطهری»، در مقام یک اسلام‌شناس دقیق در این باره می‌گوید:

اما علت اینکه در اسلام، دستور پوشش، اختصاص به زنان یافته است، این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است. از نظر تصاحب قلب‌ها و دل‌ها، مرد شکار است و زن شکارچی، همچنان که از نظر تصاحب جسم و تن، زن شکار است و مرد شکارچی. میل زن به خودآرایی، از این نوع حس شکارچی‌گری او ناشی می‌شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباس‌های بدن‌نما و آرایش‌های تحریک‌کننده به کار برند. از این رو انحراف تبرج و برهنگی، از انحراف‌های مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقدر گردیده است. (۱)

ص: ۸۸

همان گونه که گفتیم، میل به خودنمایی، در طبیعت زن وجود دارد و همین میل ممکن است او را به سوی کشف حجاب سوق دهد. پس آنچه توجه به آن بسیار اهمیت دارد و دختران و زنان محترم باید بدانند، این است که تمایل به جلوه‌گری را در خود آزاد نگذارند و اجازه ندهند که این احساس بر زندگی آنها حاکم شود، بلکه برای کنترل آن تلاش کنند.

بهترین راه کنترل این میل طبیعی این است که در آن افراط و تفریط نکنند، بلکه میانه‌رو باشند؛ یعنی همان چیزی که در اسلام به آن حجاب گویند. حال این پرسش پیش می‌آید که اگر میل به خودآرایی، میلی طبیعی است، پس نمی‌توان از آن غفلت کرد و باید به طریقی آن را ارضا کرد؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت: در آیات مربوط به حجاب نیز به این موضوع توجه شده است. با توجه به آیه ۳۱ سوره نور، حجاب مانند سکه‌ای دو روست؛ یک روی آن این است که زنان از خودآرایی و زینت کردن در برابر نامحرم و جلب توجه او به‌طور جدی پرهیز کنند و روی دیگرش این است که زنان می‌توانند برای همسر خود زینت‌ها و زیورهایشان را آشکار کنند تا نیاز روانی آنها به خودآرایی تأمین گردد.

آن‌گاه که زن با وجود داشتن میل به خودآرایی و نشان دادن خود به دیگران، خود را در پوشش حجاب می‌پیچد و با وجود گرما و سختی‌های بسیاری که حجاب، به‌ویژه چادر دارد، آن را تحمل می‌کند، نشان دهنده آن است که به درجه بالای ایثار و تقوا و ایمان رسیده است. در حقیقت، چنین زنی برای به دست آوردن رضای الهی، حاضر شده از

ص: ۸۹

خود گذشتگی کند و راحتی‌های خویش را نادیده بگیرد تا از این راه، حیا و عفاف خود را حفظ کرده باشد. آراستگی زن به پوشش و حجاب، پیامدهای تربیتی فراوانی برای او به همراه دارد که در تکامل و رشد معنوی او نقش بسیار سازنده‌ای دارد. آگاهی زن از پیامدها و فواید حجاب سبب می‌شود که میل به رعایت حجاب در درون او شکل گیرد و این آگاهی، به رفتار او معنا و ارزش بخشد و دوام حجاب را تضمین کند؛ زیرا انسان تا به پیامدهای مثبت کاری پی نبرد، به انجام آن راغب نخواهد شد.

در مقابل، زنانی که به حجاب بی‌توجهی می‌کنند و در برابر نامحرم‌ان، با پوشش مناسب ظاهر نمی‌شوند، نه تنها خود را از پیامدهای مثبت آن محروم می‌سازند، بلکه مشکلات فراوانی برای خود و خانواده‌هایشان فراهم می‌کنند. این مشکلات می‌تواند موجب متوقف شدن رشد شخصیت زنان و خاموش شدن نور ایمان و ایجاد پلیدی در باطن و روح و جان آنان شود یا روابط عاطفی میان همسران را تحت تأثیر قرار دهد و موجب به وجود آمدن بدبینی بین آنها و ضربه زدن به موقعیت اجتماعی زنان گردد. در این فصل، نخست، به دیدگاه روان‌شناسی درباره حجاب و پیامدهای آن و سپس به چند نمونه عینی از پیامدهای مثبت رعایت حجاب و پوشش مناسب زن و نیز آثار منفی بدحجابی و پوشش نامناسب اشاره می‌شود.

حجاب از دیدگاه روان‌شناسی

تأثیر حجاب در رشد شخصیت زن

یکی از نظریه‌هایی که در این زمینه بیان شده، پژوهشی است که یکی از روان‌شناسان کشورمان انجام داده است. این پژوهشگر با کمک گرفتن از نظریه‌های روان‌شناسان بزرگ و معروف، میان نتایج حجاب و عوامل بلوغ روانی در زن مقایسه‌ای انجام داده و به نتایج جالبی رسیده است. (۱)

او با توجه به نظریه‌های روان‌شناسانی چون «فروید»، «اریک فروم»، «پیاژه»، «کولبرگ» و «اریکسون» مراحل و دوره‌های تکامل روانی انسان را به پنج دوره تقسیم می‌کند. این مراحل که از تولد و کودکی شروع می‌شود، به مرحله بلوغ می‌رسد و تا پایان دوره نوجوانی ادامه می‌یابد. سه مرحله اول که به دوران کودکی مربوط می‌شود، چون از موضوع حجاب خارج است، مطرح نمی‌شود. ولی مرحله چهارم و پنجم از مراحل رشد و تکامل شخصیت را به اختصار توضیح می‌دهیم.

مرحله چهارم از تکامل روانی که مرحله «تحرك» (۲) نام دارد، بهترین مرحله در بازشناسی اثر حجاب است. در سه مرحله قبل، بین پسر و دختر تمایز چندانی وجود ندارد، ولی با شروع این مرحله، جدایی دو جنس در حالت‌های روانی و بروز شخصیت آغاز می‌شود. در این مرحله، تفاوت پسران با دختران، در شیوه رفتاری اجتماعی یا برخورد با

۱- بررسی مسئله پوشیدگی از دیدگاه روان‌شناسی، شهریار روحانی، ص ۱۱.

۲- Pregenital stage

ص: ۹۱

اشیای بیرونی و محیط پیرامون خویش است.

پسران اغلب، حالت تهاجمی، ستیزه‌جویی و نیز تمایل آشکار برای تسلط بر دیگران را از خود نشان می‌دهند. در نتیجه، به افرادی خودرأی و دارای خودِ آمرانه و تقلیدکننده از بزرگسالان تبدیل می‌شوند. در مقابل، در دختران، حالت جذب و انقیاد و قدرت جلب توجه آشکار می‌شود. در نتیجه، علاقه به پوشیدن لباس‌های زیبا، آرایش کردن، با عشوهِ سخن گفتن، با ناز قدم برداشتن و بروز حالت‌های مادرانه، در آنان به وجود می‌آید. (۱)

مرحله پنجم، مرحله تکامل بلوغ و تعیین هویت انسانی است. در این مرحله، ویژگی‌های بلوغ و هویت انسانی پسران و دختران، ظاهر می‌شود. مردان صفت‌هایی مانند آرامش، پذیرش و صبر را به ویژگی‌های پیشین خود اضافه می‌کنند و به جای تسلط بر همه چیز و از جمله همه زنان، میل به تسلط بر زندگی و خانواده خود را دارند.

زنان نیز با رسیدن به بلوغ روانی، به جای تمایل به جذب همه مردان و صرف تمام وقت و نیروی حیاتی خود در این راه، فقط به یک مرد (نامزد یا شوهر) توجه دارند و دیگر توانایی‌های جسمی و روحی خود را صرف سازندگی می‌کنند. (۲)

نویسنده درباره اینکه ممکن است در روند مرحله چهارم، اختلال

۱- بررسی مسأله پوشیدگی از دیدگاه روان‌شناسی، ص ۲۳.

۲- همان، ص ۳۲.

ص: ۹۲

ایجاد شود و این اختلال موجب به وجود آمدن انحراف در تکامل شخصیت فرد شود، می‌نویسد:

مرحله چهارم اگر به دور از افراط و تفریط و به‌طور طبیعی پیش برود، مشکلی ایجاد نمی‌شود. ولی اگر این شرط رعایت نشود و پسران و دختران رفتارهای خود را کنترل نکنند، یعنی پسران بیش از حد، حالت تهاجمی و ستیزه‌جویی داشته باشند و دختران هم بیش از حد، جلوه‌گری و خودنمایی کنند و به ظهور دادن زیبایی‌های خود بپردازند، ممکن است دو نوع اختلال به وجود آید. نخست، عوض شدن نقش پسر و دختر که خطر همجنس‌گرایی از همین جا به وجود می‌آید و دوم تثبیت در این مرحله و نرسیدن به مرحله پنجم؛ یعنی تکامل و بلوغ و در نتیجه، متوقف شدن رشد شخصیت است که باعث می‌شود پسران همیشه تشنه قدرت و خواهان تسلط بر دیگران بوده و دختران به موجوداتی کاملاً گیرنده تبدیل شده و همیشه اسیر توجه دیگران باشند. چنین دخترانی همواره مجبورند پذیرش خود را به خویشان و دیگران اثبات کنند. از این رو چنین زنانی از سازندگی و به‌ویژه استقلال شخصیت باز می‌مانند. (۱)

امروزه در بیشتر جوامع انسانی، این توقف شخصیت به شکل‌های گوناگون، تشویق و تبلیغ می‌شود. به نمایش گذاشتن عکس‌ها و

۱- بررسی مسأله پوشیدگی از دیدگاه روان‌شناسی، ص ۲۵.

ص: ۹۳

فیلم‌هایی که بی‌بند و باری را رواج می‌دهد و نیز حضور زنان بدحجاب با آرایش‌های غلیظ در سینما و اینترنت و پخش سریال‌هایی که روابط صمیمی میان زن و مرد نامحرم را رواج می‌دهد و الگو قرار دادن آنها یا نمایش فیلم‌هایی که خشونت را نشان می‌دهد و الگو قرار دادن شخصیت‌هایی که در این فیلم‌ها به سرعت آدم می‌کشند و بر تصاحب زنان بسیار و نداشتن همسر و ویرانگری می‌بالند، از بدترین نمونه‌هایی است که دختران و پسران را از رشد و رسیدن به مرحله بلوغ روانی باز می‌دارد. (۱)

نویسنده در ادامه، به بیان برخی پیامدهای فردی و اجتماعی فرهنگ ابتذال که نتیجه آن تثبیت و توقف در مرحله چهارم رشد و نرسیدن به کمال بلوغ است، می‌پردازد و می‌نویسد:

زنان و مردانی که از چنین فرهنگی تأثیر می‌پذیرند، همیشه از زوال قدرت جذب و نفوذ در دیگران، نگران و ناراضی‌اند. به شدت از روزگار پیری می‌هراسند و عطش رنج‌آور آنها برای پیروزی، خاموش شدن نیست. چنین زنان و مردانی، به‌طور طبیعی طعم محبت واقعی را نچشیده‌اند و مجالی برای مهرورزی، عشق و قبول مسئولیت ندارند. شاید به همین دلیل است که اکنون بیش از ۶۳ درصد خانواده‌های آمریکایی، تک‌والدی هستند؛ زیرا لازمه زندگی مشترک، گذشت، قبول مسئولیت، مهرورزی و محبت

۱- بررسی مسأله پوشیدگی از دیدگاه روان‌شناسی، ص ۳۵.

ص: ۹۴

انسانی است و چنین ویژگی‌هایی با الگوها و نمونه‌های عرضه شده در آن جامعه که هنری جز نفوذ بر دیگران و جلب توجه آنها ندارند، در تعارض است. زندگی خانوادگی، نه مکانی است برای تصاحب همه زنان و نه مجالی برای جلب توجه همه مردان. (۱)

آن‌گاه نویسنده به توضیح ویژگی‌های شخصیتی زنان رشديافته می‌پردازد و می‌نویسد:

در مقابل، زنانی که به مرحله تکامل و بلوغ روانی رسیده‌اند، زنانی سازنده، دانشمند، ایثارگر و خدمت‌گزارند و در تمام جوامع، از این سبک‌سری‌ها به دور بوده، در زندگی و سلوک اجتماعی، به مراتب از دیگر زنان، ساده‌تر زیسته و شخصیت بالغ آنها اسیر جلب کردن دیگران نیست. آنها لباس‌های جلف نمی‌پوشند، کمتر از دیگران در انتظار آرایش می‌کنند و عموماً در زندگی خانوادگی موفق‌اند. (۲)

با توجه به آنچه گفته شد، فاصله گرفتن جامعه از فرهنگ حجاب و رعایت نکردن حریم میان زن و مرد، عامل بسیاری از مشکلات روانی و اجتماعی برای افراد، به‌ویژه زنان است. نویسنده در این باره می‌نویسد:

هرچه زنان و دختران در استفاده از وسایل آرایش و زیبایی، بیشتر افراط کنند، عطش آنها در خودنمایی و جلب توجه دیگران بیشتر می‌شود و وابستگی و بی‌ارادگی‌شان شدیدتر می‌گردد.

روشن است که این روند، به خودی خود، نفاق، کرنش، قبول

۱- بررسی مسأله پوشیدگی از دیدگاه روان‌شناسی، ص ۴۸.

۲- همان، ص ۴۹.

ص: ۹۵

اسارت، سبک سری، از خود بیگانگی، احساس دل‌تنگی و بالأخره در روزگار میان‌سالی و پیری، اندوه و رنج پایان‌پذیری را به ارمغان خواهد آورد و با سپید شدن هر تار مو و آشکار شدن هر خطی بر چهره، گویی ذخیره حیاتی این گونه زنان پایان می‌پذیرد؛ زیرا از تنها وسیله دلگرمی و امید برای زندگی، چیزی باقی نمانده است. (۱)

این نویسنده سپس به تأثیر رعایت حجاب در رشد و تکامل شخصیت زن پرداخته و نوشته است:

در برابر این توصیه‌ها، ادیان توحیدی نیز شیوه‌ای توصیه کرده‌اند. یکی از مؤثرترین روش‌ها برای رشد شخصیت زن و آزادی از قید وابستگی به جلب توجه و خودنمایی، پوشیدگی و مستوری است. پوشیدگی برای دختران از زمره نیازهای اساسی برای رشد و بلوغ روانی در این مرحله است که باید در دوران نوجوانی تأمین شود.

دختران با مستور نگه داشتن خویش از نامحرم، در حقیقت، اختصاصی بودن جلب توجه دیگران را می‌آموزند تا در آینده نیز از این گیرندگی و جذابیت در محدوده خانواده، به‌طور سازنده، استفاده کنند و این نهاد مقدس را تحکیم بخشند. این تمرین (حجاب) در حقیقت، تعدیلی است در برابر خواست طبیعی، که اقتضای آن، جذب و گیرندگی بود. پوشیدگی دختران، مانند رفتن به مدرسه در یک صبح سرد و زمستانی است که طبیعتاً با قبول رنج

۱- بررسی مسأله پوشیدگی از دیدگاه روان‌شناسی، ص ۴۹.

ص: ۹۶

و تحمل فشار همراه است. اما هرز نرفتن نیروهای تعالی بخش و سازنده نوجوانان دختر و بعدها زنان، ضروری است؛ چنان که آیات حجاب نیز به آن اشاره کرده است. (۱)

نویسنده در پایان، زنان و دختران را از ارزش‌های حقیقی خود آگاه می‌کند و می‌نویسد:

مواهب خداوند به زنان، تنها زیبایی ظاهری نیست که با پایان یافتن آن، زن به پایان نقش خود در حیات اجتماعی نزدیک شود. ارزش زنان به کسب کمالات و فضیلت‌های اخلاقی و انسانی و جلب رضای خداوند متعال است، نه اصرار بیهوده بر جلب توجه دیگران که متأسفانه، بزرگ‌ترین بازنده اصلی این بازی، زنان خواهند بود. (۲)

حجاب و نقش آن در کاهش اضطراب

در پژوهشی میدانی که روی ۴۱۵ نفر از دانش‌آموزان دبیرستان‌های دو شهر تهران و قم صورت گرفت، رابطه میان نگرش به حجاب و میزان اضطراب دانش‌آموزان محاسبه شد. در این محاسبه، از روش همبستگی میان میانگین نمرات نگرش به حجاب و نمرات اضطراب استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان داد رابطه بین این دو متغیر، منفی و معنادار است. عدد به دست آمده در این محاسبه «۶۲» است. این عدد نشان می‌دهد هر اندازه نگرش به حجاب در افراد مثبت‌تر باشد، اضطراب آنها

۱- بررسی مسأله پوشیدگی از دیدگاه روان‌شناسی، ص ۵۱.

۲- همان، ص ۵۵.

ص: ۹۷

کمتر است و به عکس، هر چه اضطراب افراد بالاتر باشد، نگرش مثبت به حجاب در آنها کمتر خواهد بود؛ به عبارت دیگر، دخترانی که نگرشی مثبت به حجاب دارند و در نتیجه، از حجاب کامل‌تری برخوردارند، در مقایسه با کسانی که به حجاب اهمیت کمتری می‌دهند، از اضطراب کمتری برخوردارند و میزان سلامت روانی آنها بالاتر خواهد بود.^(۱)

نمونه‌هایی از پیامدهای مثبت حجاب و بی‌حجابی

در ادامه به چند نمونه از پیامدهای مثبت حجاب و نیز مشکلاتی که از بدحجابی و نداشتن پوشش مناسب، دامن‌گیر زنان شده است، اشاره می‌شود.

داستان اسلام آوردن زن آمریکایی به برکت حجاب

در یکی از شهرهای آمریکا، زنی مسلمان شده بود. وقتی خبرنگاران برای تهیه گزارش به او مراجعه کردند، داستان مسلمان شدنش را چنین نقل کرد: من در یک خانواده مسیحی زندگی می‌کردم و هیچ‌گاه اسمی از اسلام نشنیده بودم. هنگامی که کودک بودم، از هوش سرشار و استعداد بسیاری برخوردار بودم که همه را به تعجب می‌انداختم. وقتی بزرگ‌تر شدم، به خاطر درک و فهم بالایی که داشتم، از انجام کارهای زشت و ناروا خودداری می‌کردم و با اینکه در کشورم اسمی از حجاب نبود و زنان، حجاب و پوشش مناسبی نداشتند، من از همان زمان

۱- حجاب و نقش آن در سلامت روان، عباس رجبی، ص ۱۹۰.

ص: ۹۸

کودکی دوست نداشتم مردان نامحرم بدنم را ببینند. از این رو لباس‌هایم طوری بود که تمام بدنم را می‌پوشاند و در واقع من زنی عقیف و باحجاب بودم.

چند سال گذشت و من در مقابل فرهنگ بی‌بند و باری جامعه مقاومت می‌کردم. تا اینکه شبی در عالم رؤیا شخصی را با لباس روحانی دیدم که به من فرمود: «من از سمت شرق می‌آیم». آن‌گاه کتاب مقدسی را به من نشان داد و گفت: «راه نجات و سعادت تو در این کتاب است». از خواب بیدار شدم و سه سال دنبال آن کتاب گشتم. ولی کتابی با آن نشانی که در خواب دیده بودم، نیافتم.

روزی یک مسلمان هندی را دیدم و خوابی را که دیده بودم، برایش نقل کردم. او دست در جیبش کرد و کتابی در آورد و به من نشان داد. دیدم دقیقاً همان کتابی است که در خواب دیده بودم. پرسیدم: «این چه کتابی است؟» گفت: «قرآن است و آن را به من هدیه کرد». با خوشحالی کتاب را گرفتم و آن را باز کردم تا بخوانم، ولی چون به زبان عربی بود، چیزی نفهمیدم. تا اینکه پس از مدتی، ترجمه انگلیسی آن را به دست آوردم. وقتی آن را مطالعه کردم، دیدم تمام مطالب آن مطابق عقل و فطرت است. پس ایمان آوردم و مسلمان شدم. اینجا بود که فهمیدم خداوند مرا به برکت حجاب، با اسلام آشنا کرد. (۱)

این داستان ما را به یاد سخنی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌اندازد که

۱- نقش زنان صالحه در اصلاح جامعه، سید نعمت الله حسینی، ص ۱۲۲.

ص: ۹۹

فرمود:

«الْعَفَّةُ رَأْسُ كُلِّ خَيْرٍ» (۱)؛ «عفت و پاک‌دامنی، منشأ هر خیر و خوبی است». در حقیقت، این زن با رعایت حجاب و پوشیدگی و عفت ورزیدن، توفیق مسلمان شدن و اهل نجات شدن را پیدا کرد و از بزرگ‌ترین نعمت الهی بهره‌مند شد.

خواننده ترکیه‌ای و حجاب

پیش از انقلاب و در زمان رژیم پهلوی که فرهنگ غرب بر ایران حاکم بود، یکی از خوانندگان زن ترکیه برای اجرای برنامه به ایران دعوت شد و هنگام ورود به ایران، مورد استقبال جمع کثیری از جوانان قرار گرفت. در یک هفته‌ای که این خواننده مهمان ایران بود، روزی به همراه راننده‌اش به گردش در شهر تهران رفت. ناگهان یک خانم چادری را دید که در پیاده‌رو در حال حرکت بود. او که از نوع پوشش این خانم متعجب شده بود، از راننده خواست اتومبیل را نگه دارد تا ملاقاتی با او داشته باشد و از انگیزه‌اش درباره پوشیدن چادر بپرسد. این خانم باحجاب ایرانی در پاسخ به این پرسش گفت: «چادر را به این دلیل پوشیده است که حجابش را حفظ کند و او را از نامحرم دور نگه دارد».

خواننده ترکیه‌ای از او درخواست می‌کند برای لحظه‌ای چادرش را به وی بدهد تا آن را امتحان کند. آن زن نمی‌پذیرد و می‌گوید: «نمی‌توانم»

ص: ۱۰۰

چادرم را به تو بدهم؛ چون در دید نامحرم قرار دارم». وقتی زن با اصرار او روبه‌رو می‌شود، به ناچار به کنج دیواری می‌رود و چادرش را برمی‌دارد و به او می‌دهد.

خواننده ترکیه‌ای چادر را به سر می‌کند، درحالی‌که قصدش از این کار، نوعی سرگرمی و کنجکاوی بوده است. ولی پس از پوشیدن چادر، ناگهان احساس عجیبی پیدا می‌کند؛ احساسی بسیار عالی و زیبا. در این هنگام به همراهان خود رو می‌کند و با هیجان خاصی می‌گوید: «در تمام عمرم چنین احساس جالبی نداشته‌ام؛ زیرا با چادر احساس آرامش می‌کنم. احساس می‌کنم متعلق به خودم هستم نه دیگران».

عکس این خانم را با همین چادر در تمام مجله‌های زن زمان طاغوت منتشر کردند. (۱)

آری، حجاب، به‌ویژه اگر کامل و با پوشش چادر باشد، این پیام روشن را به افراد جامعه می‌دهد که زن، مالک بدن، احساسات و شخصیت خویش است. حجاب، زن را توانمند می‌کند و به او اجازه می‌دهد در این دنیای پرزرق و برق مادی، از آن خودش باشد و هیچ‌کس به خود اجازه ندهد به حریم خصوصی او قدم بگذارد و او را تصاحب کند. حجاب، سند آزادی زن از قید و بند بردگی و آزادی از اسارت شهوت‌پرستان است. زن، فقط باحجاب احساس می‌کند شخصیت حقیقی و انسانی خود را یافته و به استقلال رسیده است.

۱- پرسمان حجاب، حسین مهدی‌زاده، ص ۱۱۳.

تأثیر بی‌عفتی بر روح و جان

«دکتر حاج حسین توکلی»، از شاگردان «شیخ رجب‌علی خیاط» نقل می‌کند: در زمان رژیم طاغوت که بی‌حجابی خصوصاً در شهر تهران، به صورت علنی همه‌جا را فرا گرفته بود، روزی از مطب دندان‌سازی خود حرکت کردم تا جایی بروم. سوار یک اتوبوس شدم که تقریباً خالی بود. حوالی میدان فردوسی، اتوبوس نگه‌داشت و جمعیتی از آقایان به همراه یک زن بی‌حجاب سوار ماشین شدند. ناگهان اتفاق عجیبی افتاد و آن این بود که دیدم تمام جمعیتی که سوار ماشین هستند، حتی راننده، زن هستند و همه یک شکل و یک لباس! حتی کسی که کنار من نشسته، زن است. از خجالت خودم را جمع کردم و فکر کردم اتوبوس، مخصوص کارمندان زن است و من اشتباهی سوار شدم.

کمی جلوتر، اتوبوس نگه‌داشت و خانمی پیاده شد. وقتی آن زن پیاده شد، ناگهان همه سرنشینان اتوبوس قیافه مردانه پیدا کردند و به همان شکلی که اول بودند، تبدیل شدند. همان‌جا تصمیم گرفتم نزد شیخ رجب‌علی بروم و اتفاق امروز را برایش تعریف کنم و توضیح بخواهم. وقتی به منزل شیخ رسیدم، قبل از اینکه حرفی بزنم، شیخ فرمود: «دیدی همه مردها زن شده بودند؟! چون مردها به آن زن توجه داشتند، به شکل زن در آمدند».

بعد ادامه داد: «وقت مردن هر کس به هر چه توجه دارد، همان جلوی چشمش مجسم می‌شود. ولی اگر محبت امیرالمؤمنین در قلبش باشد، باعث نجات او می‌شود». این داستان، انسان را به یاد این سخن گهربار

ص: ۱۰۲

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌اندازد که فرمود:

«إِنَّ الْمَرْءَ مَعَ مَنْ أَحَبَّهُ»^(۱)، «انسان با کسی که دوستش دارد، محشور می‌شود». ^(۲)

حجاب و امنیت

امنیت، از پیامدهای فردی و اجتماعی حجاب است. زن، با پوشش کامل، هم احساس آرامش و امنیت می‌کند و هم از سوء استفاده افراد فرصت طلب و اذیت و آزار آنها در امان می‌ماند. زنی که برای خود حریم قرار می‌دهد و با پوشش و رفتارش، از ورود نامحرمان به حریمش جلوگیری می‌کند، هم خود را از آسیب‌ها و خطرهای محفوظ می‌دارد و هم جامعه را از تبدیل شدن به جولانگاه شیطان و شیطان‌صفتان و به وجود آمدن زمینه انحراف جوانان، حفظ خواهد کرد.

در آیه ۵۹ سوره احزاب، وقتی خداوند به زنان دستور می‌دهد برای پوشش بدنشان در برابر نامحرم، از جلباب، یعنی چادر استفاده کنند، این کار، یعنی استفاده از حجاب کامل، سبب می‌شود همه افراد بفهمند که این زن، فردی پاک و باوقار است و به کسی اجازه نمی‌دهد مزاحم او شود یا امنیتش را به خطر اندازد. افزون بر اینکه وقتی زن با پوششی تحریک‌کننده در بین نامحرمان ظاهر شود، احتمال اینکه مورد مزاحمت و اذیت و آزار آنها قرار گیرد، بسیار است. وضعیت زنان در برخی کشورهای غربی که داعیه آزادی زن دارند، گویای این حقیقت است.

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۰۹.

۲- کیمیای محبت، محمد محمدی ری شهری، ص ۱۷۶.

ص: ۱۰۳

در یک گزارش خبری از وضعیت امنیت زنان آمریکایی، آمده است: در امریکا، در زمستان که مردم مجبورند به دلیل سردی هوا خود را بپوشانند و از لباس بیشتری استفاده کنند، تجاوز به عنف کمتر می‌شود. ولی در تابستان، تجاوز به عنف نسبت به زنان و حتی پیرزنان افزایش پیدا می‌کند و حتی راهبه‌ها هم مصون نمی‌مانند. (۱)

روزنامه «گاردین» درباره وضعیت زنان انگلیسی و ناامنی که در این کشور غربی برای زنان به وجود آمده است، می‌نویسد: سالانه پانصد هزار مورد خشونت و ضرب و جرح بر ضد زنان اعمال می‌شود. مراکز حمایت از حقوق زنان در انگلیس می‌گویند: از هر چهار زن انگلیسی، یک زن در طول عمر خود هدف خشونت شدید مردان قرار می‌گیرد و دچار آسیب جدی می‌شود. خشونت بر ضد زنان، مربوط به سن، طبقه اجتماعی یا گروه قومی و نژادی خاصی نیست. گفته می‌شود که هزینه رسیدگی به دعاوی خشونت بر ضد زنان و خدمات اجتماعی و مراقبت‌های بهداشتی از زنان آسیب دیده، سالانه به سه میلیارد و دویست میلیون دلار می‌رسد. ولی هزینه‌های روحی و روانی این موارد غیر قابل محاسبه است. براساس همین گزارش، روزانه هزار زن انگلیسی در تماس تلفنی با مرکز فوریت‌های پلیس، از موارد خشونت و ضرب و جرح علیه خود شکایت می‌کنند. (۲)

۱- حجاب و نقش آن در سلامت روان، ص ۱۰۸.

۲- نقش زنان صالحه در اصلاح جامعه، ص ۳۹۲.

ص: ۱۰۴

یکی از نویسندگان معاصر درباره وضعیت امنیت زنان جوامع غربی می‌نویسد:

نداشتن حجاب و پوشش توأم با آرایش‌های هوس‌انگیز زنان در غرب، آن‌چنان بر مردان تأثیر مخرب گذاشته است که بیشتر نسل جوان حاضر را به بیماری‌های جنون جنسی مبتلا- ساخته است. در کشورهای غربی، رسانه‌ها هر روز اخبار وحشتناک حمله‌های وحشیانه این افراد به زنان را منتشر می‌کنند. آمارها حاکی از آن است که زنان این کشورها به خاطر توصیه‌های رادیو و تلویزیون، برای حفظ جان خود از وسایل دفاعی از قبیل اسپری‌های بی‌هوش‌کننده و سلاح‌های سرد استفاده می‌کنند. این در حالی است که معمولاً در حملات وحشیانه مردان به آنها، این سلاح‌ها علیه خودشان به کار گرفته می‌شود. حتی مجازات‌های شدید برای جنایتکاران حملات جنسی، باعث شده تا جانیان، قربانی خود را که تنها شاهد جنایت است، به قتل برسانند. (۱)

حجاب و آرامش روانی

خانمی نقل می‌کند که من هرگاه در قرائت قرآن به آیات حجاب می‌رسم، دگرگون می‌شوم و از اینکه در ایام جوانی‌ام، نسبت به رعایت حجاب دقت کافی نداشتم و همین موضوع، سبب دردهای زیادی برای من شد، بسیار افسوس می‌خورم. او داستان زندگی‌اش را

۱- حجاب و نقش آن در سلامت روان، ص ۱۰۷

ص: ۱۰۵

چنین بیان می‌کند:

من با اینکه زن باحجابی بودم، ولی همیشه دوست داشتم، صورتم را کمی آرایش کنم و با اینکه سعی می‌کردم آن را بپوشانم، ولی چشمم که با آرایش کردن، زیبایی خاصی پیدا می‌کرد را نمی‌توانستم بپوشانم. ما و برادر شوهرم رفت و آمد زیادی با هم داشتیم. اگر مجبور می‌شدم سر سفره‌ای که ایشان هم حضور داشت، بنشینم، طوری می‌نشستم که صورتم پیدا نباشد. اما گاه‌گاهی نگاه سنگین برادر شوهرم را حس می‌کردم. من دوست داشتم هنگام صرف غذا، سفره خانم‌ها از آقایان جدا باشد، ولی جاری‌ام می‌گفت سفره یکی باشد، راحت‌تر است، مگر ما غریبه‌ایم! همسر من هم می‌پذیرفت که دور هم باشیم و من هم قبول می‌کردم و سعی می‌کردم سر سفره، بچه‌ها را بین خودم و نامحرم بنشانم تا کمتر دیده شوم. گاهی برادر شوهرم حرف‌هایی را به کنایه یا شوخی می‌گفت، اما گمان نمی‌کردم جدی باشد و چیزی در دل داشته باشد تا اینکه روزی در خانه آنها مهمان بودیم و هوا هم بسیار سرد شده بود. بچه کوچکم خوابش برد و جاری‌ام رفت تا از طبقه بالا لحاف بیاورد. همسر من نیز بچه دیگری را به دستشویی برده بود و من در اتاق تنها بودم و قصد داشتم نماز بخوانم که ناگهان برادر شوهرم وارد اتاق شد و در را بست. او جلو آمد و با حالت خاصی از من تقاضای نابجایی کرد. من که از وحشت، تمام بدنم می‌لرزید، به گریه افتادم و التماس کردم که دست از سرم بردارد و حتی تهدید به جیغ زدن کردم. اما او گفت که دست بردار نیست. بعد ادامه داد که سال‌هاست چهره آرایش کرده تو مرا آسوده

ص: ۱۰۶

نمی‌گذارد و در این مدت، دائماً تصویر صورت زیبایت در ذهن من ایجاد و سوسه می‌کند. اگر تقاضای مرا قبول نکنی، به تو تهمت می‌زنم و نزد همه فامیل می‌روم و می‌گویم که تو به من نظر داشتی و از من تقاضای ناشایست نموده‌ای! من گریه می‌کردم، ولی فایده‌ای نداشت. سرانجام مجبور شدم به او ناسزا بگویم و نفرین کنم تا بالأخره او مرا رها کرد و رفت. همان وقت فهمیدم که در این سال‌ها چه اشتباه بزرگی مرتکب شده‌ام. اما این فهمیدن دیگر به حالم سود نداشت و کار از کار گذشته بود؛ زیرا او به تهدیدش عمل کرد و با دروغ‌هایش کاری کرد که ما دو خانواده با هم قطع رابطه کردیم و با این تهمت و دروغ، آبروی من پیش فامیل رفت. درحالی‌که من بی‌گناه بودم. همسر من نیز دیگر مرا قبول نداشت و حتی مدتی افرادی را مأمور می‌کرد که مرا تحت نظر بگیرند و خودش هم نسبت به من بی‌توجه شده بود.

در این مدت که دنیا برای من یک جهنم واقعی شده بود، کاری جز گریه کردن نداشتم. با اینکه همه اطرافیان مرا به خوبی می‌شناختند، ولی دیگر از آن محبت‌ها و احترام‌ها خبری نبود. نگاه همه بر من سنگین بود. دیگر دوست نداشتم آرایش کنم و این هوس در من از بین رفت. آرزوی مرگ می‌کردم و با خود می‌گفتم: خدایا به درستی کلامت پی‌بردم. حالا- فهمیدم که چرا نباید زیبایی‌هایم را به نامحرم نشان دهم و نیز فهمیدم که در بین نامحرمان فرقی بین آشنا و غریبه نیست. من از این غافل بودم که هر مرد نامحرمی، هر کسی هم که باشد، غریزه دارد و ممکن است نتواند جلوی غریزه‌اش را بگیرد. خدایا! از رفتارهای گذشته‌ام و غفلت‌ها

و

ص: ۱۰۷

بی توجهی‌هایم، خصوصاً بی توجهی به حجاب توبه می‌کنم. (۱)

سال‌ها گذشت و من بهای سنگینی به خاطر بی توجهی‌ام به رعایت حجاب متحمل شدم تا اینکه برادر شوهرم به بیماری سختی مبتلا شد. این حادثه سبب تنه او شد و تصمیم گرفت اشتباه گذشته‌اش را جبران کند. از این رو هر کس به عیادتش می‌رفت، به او می‌گفت: «به فلانی بگوئید مرا حلال کند. من به او تهمت زدم و او زن بی‌گناهی است». بالأخره روزی شوهرم با یک جعبه شیرینی به منزل آمد و از من معذرت‌خواهی کرد و گفت: «امروز فهمیدم که تو زن پاک و مؤمنی بوده‌ای و من بی‌جهت، تهمت‌های برادرم را درباره تو پذیرفته بودم». او به من گفت که در این مدت بسیار به تو بدبین شده بودم و حتی گاهی فکر می‌کردم که بچه‌هایم مال من نیست. من تازه فهمیدم که بر اثر بی توجهی‌ام، چه فاجعه بزرگی برای خودم ایجاد کرده بودم. ولی از اینکه ماجرا به خیر گذشت، خوشحال بودم. آن شب وقتی خوابیدم، احساس کردم پس از مدت‌ها اضطراب و بی‌خوابی، الان می‌توانم خواب راحتی داشته باشم.

پس از چند روز جاری‌ام به منزل ما آمد و حلالیت طلبید. من به او گفتم: «شوهرت به من تهمت بزرگی زد، اما آبروی او را نبردم و نگفتم که او چه تقاضایی از من کرده بود؛ زیرا مسبب همه این کارها را خودم می‌دانستم. در دلم او را دعا کردم که مرا از خواب غفلت بیدار کرد و

۱- جالب اینجاست که خداوند در آیه حجاب، یعنی در آخر آیه ۳۱ سوره نور، به همه افراد فرمان توبه می‌دهد. شاید این قسمت داستان، به این مطلب مهم اشاره داشته باشد.

ص: ۱۰۸

نگذاشت این بار سنگین گناه را به قیامت ببرم» .

به لطف خدا او هم از بیماری نجات پیدا کرد و تصمیم گرفت جلوی چشمش را بگیرد و دیگر نگاه شیطانی به نامحرمی نداشته باشد. من نیز دیگر آن زن قبلی نبودم و حجابم شدیدتر از قبل شد. خداوند دوباره صفا و صمیمیت را به این دو خانواده برگرداند و درهای رحمتش را به روی ما باز کرد.

گفتنی است همواره این گونه اشتباه‌ها و غفلت‌ها ختم به خیر نمی‌شود و چه بسا گاه به قتل و خون‌ریزی یا طلاق و جدایی و در به در شدن بچه‌ها می‌انجامد. بر این اساس، همواره در برابر آموزه‌های الهی سر تسلیم فرود آریم تا دچار این گونه مشکلات نشویم. (۱) در پایان این داستان یادآوری این حدیث از امام رضا (علیه السلام) درباره دوری کردن از نامحرم و پیامدهای زیان‌بار غفلت از این واجب الهی ضروری است؛ حضرت فرموده است:

حَرَّمَ النَّظْرُ إِلَى شَعُورِ النِّسَاءِ الْمُحْجُوبَاتِ بِالْأَزْوَاجِ وَ غَيْرِهِنَّ مِنَ النِّسَاءِ لِمَا فِيهِ مِنْ تَهْيِيجِ الرِّجَالِ وَمَا يَدْعُو التَّهْيِيجَ إِلَى الْفَسَادِ وَالذُّخُولِ فِيهَا لَا يَحِلُّ وَلَا يَجْمَلُ وَكَذَلِكَ مَا أَشْبَهَ الشُّعُورَ. (۲)

نگاه کردن به موی سر زنان، چه شوهردار و چه غیر شوهردار حرام است؛ زیرا سبب برانگیخته شدن غریزه شهوت مردان می‌شود و این برانگیختگی، آنان را به فساد و انجام دادن کارهای حرام و نازیبا

۱- به نقل از: دانستنی‌هایی درباره ازدواج، عصمت حداد، ص ۱۲۷.

۲- بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۳۴.

ص: ۱۰۹

می‌کشاند، چنان‌که نگاه کردن به قسمت‌های دیگر بدن زن نیز همین حکم را دارد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نیز در سخنی کوتاه، ناامنی حاصل از رعایت نکردن حریم زن و مرد نامحرم را چنین بیان می‌کند: **إِيَّاكُمْ وَمُحَادَثَةَ النِّسَاءِ فَإِنَّهُ لَا يَخْلُو رَجُلٌ بِامْرَأَةٍ لَيْسَ لَهَا مَحْرَمٌ إِلَّا هَمَّ بِهَا. (۱)** از گفت‌وگو با زنان بپرهیزید؛ زیرا هرگاه مردی بیگانه با زنی نامحرم خلوت کند، قصد او کند. این حدیث، پیامی روشن برای زنان دارد که اگر می‌خواهند مورد سوء قصد مردان قرار نگیرند، هرگز با آنان راحت نباشند. بلکه همیشه جانب احتیاط را رعایت کنند؛ زیرا وقتی مردان تحریک می‌شوند، کمتر می‌توانند خود را کنترل کنند.

حافظان حجاب

در طول تاریخ، زنان پاک‌دامن و با ایمان بسیاری برای حفظ حجاب و عفت خود، همه مشکلات را به جان خریدند. از جان و مال خود گذشته، ولی از حیا و عفاف دست برنداشته‌اند. این زنان که در حقیقت، اسطوره‌های مجاهدت و جهادند، بهترین الگوی حجاب برای زنان و عالی‌ترین نمونه تقوا و پاک‌دامنی برای مردان به شمار می‌روند. در حقیقت، وقتی زن با حفظ حیا و عفت خود به درجه بالای انسانیت،

ص: ۱۱۰

ایمان و شایستگی می‌رسد، در فرهنگ قرآن، برای همه مردان و زنان الگو می‌شود؛ برای نمونه، قرآن حضرت آسیه را که برای حفظ ایمان و عقیده‌اش، از تمام خوشی‌های مادی و ناز و نعمت کاخ فرعون‌ی گذشت و تن به شکنجه‌های طاقت‌فرسای فرعونیان سپرد و نیز حضرت مریم را به خاطر عفت و پاک‌دامنی و ایمان و صداقتش، الگوی تمام مردان و زنان آزاده و مؤمن معرفی می‌کند. وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا - لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَ مَرْيَمَ إِثْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَيْنَا فَرْجَهَا فَنَنْفَخُنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِيمَانٌ وَإِحْسَانٌ (تحریم: ۱۱ و ۱۲)

و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش و همچنین به مریم، دختران عمران که دامان خود را پاک نگه داشت و ما روح خود را در آن دمیدیم. او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود.

جان باختن برای حفظ حجاب

در «تاریخ طبری»، داستان فداکاری زنی باحیا و عفیف نقل شده است که برای حفظ حجابش، جانش را قربانی می‌کند، ولی در معرض نگاه

ص: ۱۱۱

نامحرم قرار نمی‌گیرد. در دوره پادشاهان هخامنشی، زنان به حجاب خود سخت پایبند بودند. یکی از این زنان فداکار، بانویی به نام «وشتا» همسر «خشایار»، پادشاه ایران بود. او که زنی بسیار زیبا و با شکوه بود، به حجاب خود اهمیت ویژه‌ای می‌داد. روزی خشایار شاه مجلس با شکوهی ترتیب داد و تصمیم گرفت همسر زیبای خود را بی‌پرده و بدون حجاب کامل در آن مجلس حاضر کند تا مردم او را ببینند و به زیبایی او پی‌برند و پادشاه را تحسین کنند و داشتن چنین زن زیبایی را از کمالات شاه بدانند. وقتی پادشاه از همسرش خواست بدون حجاب و پوشش، به مجلس بیاید یا حداقل برقع از صورت خود بردارد، آن زن عفیف و باحیا نپذیرفت با پوشش نامناسب در جمع حاضر شود. پادشاه او را به مرگ تهدید کرد، ولی این زن قهرمان تن به خواری بدحجابی نداد و سرانجام به فرمان شاه کشته شد تا این درس بزرگ را به زنان و مردان غیرتمند بدهد که حفظ حجاب، از حفظ جان نیز مهم‌تر است. (۱)

حاکم و زن باغبان

روزی حاکم بصره در باغ خود قدم می‌زد. ناگهان چشمش به زن باغبان افتاد. آن زن بی‌نهایت زیبا و عفیف بود. حاکم که شیفته زیبایی زن شده بود، باغبان را در پی کاری فرستاد تا از زن دور شد. آن‌گاه به زن باغبان گفت: «برو و همه درها را ببند». زن رفت و باز آمد. پادشاه

۱- زن به ظن تاریخ، بنفشه حجازی، ص ۹۱ با کمی دخل و تصرف .

ص: ۱۱۲

پرسید: «همه درها را بستی؟» زن گفت: «همه درها را بستم؛ فقط یک در را نمی‌توان بست». حاکم گفت: «آن کدام در است؟» زن گفت: «آن دری است که میان تو و پروردگار توست که هرگز بسته نمی‌شود». حاکم چون این سخن شنید، از خواسته‌اش پشیمان شد و استغفار و توبه کرد. (۱)

حجاب دختران کسرا پادشاه ایران

در منابع اسلامی آمده است، در جنگ میان مسلمانان و پادشاه ساسانی، مسلمانان پیروز شدند و اموال و اسیران زیادی در اختیار مسلمانان قرار گرفت. سه تن از دختران یزدگرد سوم نیز در میان اسرا بودند. این دختران را با ثروت فراوانی که داشتند، برای عمر، خلیفه دوم آوردند. آنها با پوشش و نقاب، صورت خود را پوشانده بودند. از آنجا که می‌خواستند آنان را برای فروش در معرض دید مردم قرار دهند، خلیفه دستور داد پوشش از چهره برگیرند تا مسلمانان آنها را ببینند و خریداران، پول بیشتری به پای آنها بریزند. ولی دوشیزدگان ایرانی از برهنه کردن صورت خودداری کردند و به سینه نماینده عمر زدند و وی را از خود دور ساختند. خلیفه خشمناک شد و خواست با تازیانه شاهزادگان ایرانی را بیازارد، درحالی که آنان به شدت می‌گریستند. در آن هنگام امام علی (علیه السلام) نزدیک آمد و به عمر فرمود: «در رفتارت مدارا کن! از

۱- نقش زنان صالحه در اصلاح جامعه، ص ۱۱۶.

ص: ۱۱۳

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می‌فرمود: بزرگ و شریف هر قومی را که خوار و فقیر شده، گرامی بدارید». آتش خشم عمر، پس از شنیدن سخن امام علی (علیه السلام) فرو نشست. سپس امام افزود: «با دختران پادشاهان نباید مانند دختران بازاری (کنیز) رفتار کرد». آن‌گاه آنان را آزاد گذاشت تا با هر کس که می‌خواهند، ازدواج کنند. (۱)

جلوگیری از ورود خانواده بی‌حجاب رضاخان به حرم حضرت معصومه (علیها السلام)

عصر حکومت دیکتاتوری رضاخان بود. در عید نوروز سال ۱۳۰۶ شمسی (برابر با ۲۷ ماه رمضان ۱۳۴۶ ه. ق) زائران بسیاری از اطراف و اکناف، برای زیارت مرقد نور حضرت معصومه (علیها السلام) به قم آمده بودند. ناگهان این خبر در شهر پیچید که چند نفر از زنان خانواده رضاخان (همسر و دو دخترش به نام‌های شمس و اشرف) بدون حجاب وارد قم شده‌اند و می‌خواهند با همان وضع، وارد حرم شوند.

این گستاخی و بی‌احترامی خانواد شاه، موجب خشم مردم شد و یک روحانی به نام «سید ناظم واعظ»، مردم را به امر به معروف و نهی از منکر فرا خواند و احساسات دینی و پاک مردم را تقویت کرد.

در این میان، خبر به یکی از علمای مجاهد و مدرسان بزرگ حوزه علمیه به نام «آیت الله شیخ محمدتقی بافقی» رسید. ایشان نخست برای

ص: ۱۱۴

خانواده رضاخان پیام داد: «اگر مسلمان هستید، نباید با این وضع، در این مکان مقدس حضور یابید و اگر مسلمان نیستید، باز هم حق ندارید [زیرا کافر نباید وارد حرم شود]» .

خانواده رضاخان، به پیام آیت الله بافقی توجهی نکردند و آن عالم ربانی، خود، به حرم حضرت معصومه (علیها السلام) آمد و به خانواده رضاخان اخطار داد. همین برخورد، نزدیک بود موجب قیام و شورش مردم ضد حکومت شاه شود.

شهربانی، به رضاخان اطلاع داد: «خانواده شما (همسر و دو دختر شما) به دستور روحانیان در اتاقی زندانی شده‌اند و به آنان اخطار شده که حق ندارند بدون حجاب وارد حرم شوند». از این رو رضاخان با یک واحد نظامی به قم آمد و با چکمه وارد صحن مطهر شد و آیت الله بافقی را مورد ضرب و شتم قرار داد در حالی که او با فریاد می گفت: «یا امام زمان، به فریاد برس!» سپس به دستور رضاخان، آیت الله بافقی را مدتی زندانی و پس از آن به شهر ری تبعید کردند. وی تا آخر عمر، زیر نظر اداره آگاهی در تبعید و همواره در حال عبادت بود تا از دنیا رفت.

گفتنی است آیت الله شیخ محمد تقی بافقی (رحمه الله)، در عصر مرجعیت «آیت الله العظمی شیخ عبدالکریم حائری (رحمه الله)»، از مدرّسان معروف حوزه علمیه بود و در سال ۱۳۲۲ شمسی در تبعیدگاه خود (شهر ری) از دنیا رفت. قبر شریفش در مسجد بالاسر و در کنار مرقد منور حضرت معصومه (علیها السلام) است.

ص: ۱۱۵

آری، مسئله حجاب، چنان با اهمیت بود که علمای اسلام برای حفظ آن قیام می‌کردند و به تبعید و زندان می‌رفتند. (۱)

داستان حجاب در کشورهای به اصطلاح متمدن

در سال‌های اخیر، شاهد بروز پدیده‌ای عجیب در برخی کشورهای غربی مدعی آزادی و حقوق بشر بودیم که برخلاف تمام قوانین بین‌المللی و حقوقی عمل کردند و بسیاری از دولت‌های منطقه نیز از آنها حمایت کردند. این پدیده و اتفاق عجیب، مخالفت این کشورها و دولت‌ها با پوشش حجاب زنان و دختران پاک‌دامنی است که حاضر نبودند زیبایی‌های خود را در معرض دید چشمان ناپاک و هوس‌آلود دنیاپرستان قرار دهند.

در این کشورهای به اصطلاح متمدن و منادی آزادی و حقوق بشر، هر روز اخباری درباره وضع قانون ممنوعیت حجاب یا گرفتن مالیات مضاعف از زنان محجبه یا تعیین جریمه نقدی برای کسانی که برای حفظ حجاب خود از روبند استفاده می‌کنند، یا ممانعت از ورود دختران محجبه به دانشگاه‌ها، یا ممنوعیت اعطای گواهینامه رانندگی به زنان باحجاب و ده‌ها مورد مانند آن به گوش می‌رسد. این اخبار، قلب هر انسان آزاده‌ای را از این همه بی‌عدالتی و نادیده گرفتن حقوق انسانی به درد می‌آورد و عمق ضدیت دولت‌های غربی باحجاب و مظاهر دینی

ص: ۱۱۶

به‌ویژه حیای زنان را بیش از پیش آشکار می‌کند. این در حالی است که گرایش به حجاب و ایستادگی در برابر فرهنگ غربی، روز به روز در میان دختران و زنان این کشورها زیاده‌تر می‌شود. خانم «وندی سلیت»، فارغ‌التحصیل رشته فلسفه، در کتاب «دختران به عفاف روی می‌آورند»، می‌نویسد:

نسل جدید دختران امروز امریکا می‌خواهند، چیزی نباشند که والدینشان بوده‌اند و در تلاشند که با خویشتن‌داری، زندگی عاقلانه و عقیفانه‌ای در پیش گیرند و رابطه خصوصی را تا شروع زندگی دائمی به تعویق بیندازند. آنها می‌خواهند سبک زندگی و نوع پوشش خود را تغییر دهند.^(۱)

مروه شربینی، شهید حجاب

ماجرای شهادت مظلومانه مروه شربینی، از یک سو اوج دشمنی و مخالفت غرب با حجاب و آزادی عفاف و پوشش زن و از دیگر سو مقاومت و ایستادگی زن مسلمان در برابر این فرهنگ ضد انسانی و ضد دینی را نشان می‌دهد؛ چنان‌که زن مسلمان حاضر می‌شود برای دفاع از حجاب و عفاف خود، جان عزیزش را فدا کند.

این ماجرا چنان عجیب بود که «مروه الشربینی» را به نمادی برای معترضان به «اسلام‌ستیزی غرب» تبدیل کرد. شربینی در سال ۱۹۹۵ از کالج انگلیسی دختران فارغ‌التحصیل شد و از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۹ عضو

۱- سایت مؤسسه فرهنگی هنری خراسان.

ص: ۱۱۷

تیم ملی هندبال مصر بود. شوهرش نیز در مؤسسه «ماکس پلانک» شهر «درسدن» در رشته مهندسی ژنتیک مشغول تحصیل بود و برای انجام تز دکترای خود همراه مروه به آلمان آمده بود.

ماجرای عجیب قتل مروه از این قرار است که وی به دادگاهی مراجعه و مردی آلمانی به نام «آلکس دلبیو» را متهم کرد که در پارک زمانی که با پسرش بازی می‌کرده، به او توهین کرده و به دلیل حجابش، او را تروریست و فاحشه اسلامی خطاب کرده است. دادگاه شکایت شربینی را پذیرفت و آلکس را به پرداخت ۷۵۰ یورو محکوم کرد. آلکس دلبیو این حکم را نپذیرفت و تقاضای تجدید نظر کرد. هنگام برگزاری جلسه دادگاه تجدید نظر در یک دادگاه درجه ۲ در شهر درسدن، مرد آلمانی جلوی چشمان قاضی و دیگر حاضران به شربینی حمله کرد و با ضربات چاقو وی را که سه ماهه باردار بود، از پا در آورد. در این هنگام، شوهر مروه برای نجات همسرش به طرف او شتافت که پلیس آلمان به او تیراندازی کرد. پس از آن، شوهر مروه با وضعیتی بحرانی در بیمارستان بستری شد و فرزند خردسال سه ساله آنها نیز که شاهد این ماجرای خون‌بار بود، برای معالجه، زیر نظر روان‌شناس قرار گرفت. (۱)

پرداخت مالیات برای حفظ حجاب

زنان محجبه هلندی مالیات حجاب می‌پردازند. به تازگی طرح «ممنوعیت حجاب زنان مسلمان هلند در اماکن عمومی» به تصویب

ص: ۱۱۸

پارلمان هلند رسیده است. در نروژ نیز دختران محجبه، اجازه ورود به مدارس دولتی را ندارند. ممنوعیت حجاب فقط به هلند و فرانسه و نروژ محدود نمی‌شود، بلکه این ممنوعیت در دیگر کشورهای اروپا نیز وجود دارد.

در آلمان، هفت استان از شانزده استان این کشور، حجاب را برای آموزگاران مسلمان در مدارس دولتی، ممنوع کرده‌اند. مجلس نمایندگان بلژیک، مجلس هلند، دولت سوئیس و دولت ایتالیا نیز قانون ممنوعیت استفاده از پوشش اسلامی و روبند را تصویب کرده‌اند. به موجب این قانون، از این پس زنان مسلمان در اماکن عمومی و اداره‌های دولتی، حق استفاده از روبند یا ردایی که بدن آنها را به طور کامل بپوشاند، ندارند. گفته شده است چندی پیش، زنی مسلمان در شمال ایتالیا که در یکی از خیابان‌های «نووارا» با پوشش روبند به سمت مسجد می‌رفت، ۶۵۰ دلار جریمه شد.

گفتنی است در کشور سوئیس، چنین قانونی برای گردشگران منطقه حوزه خلیج فارس که در هتل‌های این کشور اقامت می‌کنند و در فروشگاه‌های لوکس سوئیس، پول‌های کلان خرج می‌کنند، اعمال نمی‌شود! البته مسلمانان اروپا که بزرگ‌ترین اقلیت این قاره هستند، در کشورهایی مانند هلند و فرانسه تظاهرات و اعتراض‌های بسیاری به این محدودیت‌ها کرده‌اند. (۱)

ماجرای دانش‌آموز آمریکایی که باحجاب شد

«سمر» دانش‌آموزی سیزده ساله در مدرسه «رستون»، در ایالت ورجینیای امریکا بود. وی همواره شلوارهای تنگ و پیراهن‌های کوتاه می‌پوشید و با موهایی آراسته به مدرسه می‌آمد. ولی با آغاز سال جدید درسی، همکلاسی‌های سمر، او را باحجاب کامل و ظاهری اسلامی دیدند.

«سمر» که دانش‌آموز سوم راهنمایی بود، در مصاحبه‌ای با روزنامه «واشنگتن پست»، در شماره روز جمعه ۱۳/۱۱/۲۰۰۹ گفت: «با اینکه می‌دانستم با مشکلات بسیار زیادی روبه‌رو خواهم شد و بسیاری از دوستان و همکلاسی‌هایم را از دست خواهم داد، اما تصمیم گرفتم که حجاب بر سر کنم».

وی در ادامه این گفت‌وگو افزود: «پس از برسر کردن حجاب، اولین لحظه‌ای که دوستانم را دیدم، یکی از سخت‌ترین لحظات زندگی برایم بود؛ زیرا به نظر آنان خیلی عجیب و غریب می‌آمدم و آنان اصلاً دوست نداشتند با من حرف بزنند یا به من نزدیک شوند. همه آنان با تنفر و خشم به صورت من نگاه می‌کردند؛ گویا چهره‌ای بسیار زشت و کریه دارم! بعضی‌ها هم طوری از کنارم رد می‌شدند که گویا اصلاً مرا ندیده‌اند و به من هیچ توجهی نمی‌کردند».

اولین کسی که مرا با آغوش گرم مورد استقبال قرار داد، دوست مسلمانم «ایمان کرورتو» بود. او یک مسلمان است، اما حجاب بر سر نمی‌کند. از من پرسید: آیا می‌خواهی در طول سال حجاب بر سر کنی؟!

ص: ۱۲۰

پاسخ دادم: بله. پاسخم او را به فکر فرو برد و احساس کردم برایش خیلی جالب بود» (۱).

حجاب زنان تازه‌مسلمان در غرب

مهم‌ترین ویژگی زن جوانی که به اسلام گرایش پیدا می‌کند، تغییر پوشش اوست. همین امر سبب به وجود آمدن اتفاق‌های تلخ و شیرین برای او می‌شود؛ یکی از این زنان درباره مسلمان شدنش می‌گوید:

در مورد انتخابم و مسلمان بودنم، خیلی با پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده کلنجار رفتم. مشکل آفرین‌ترین موضوع، حجاب و پوشش اسلامی من بود. تصور می‌کنم حجابم همیشه دینم را به یادشان می‌آورد و مایه شرمندگی و خجالت برای ایشان بود. فکر می‌کنم اگر مسلمان بودم، اما حجاب نداشتم، خیلی راحت‌تر با مسئله برخورد می‌کردند. آرزوی من این است که آنها نیز اسلام را بشناسند و خودشان به آن علاقه‌مند شوند؛ نه به خاطر اینکه من مسلمانم. (۲).

خانم دیگری در این باره می‌گوید:

وقتی برای مدتی کوتاه، فرایض مذهبی اسلام را انجام دادم، فهمیدم که خیلی هم سخت نیست. پوشیدن حجاب مهم‌ترین چیزی بود که هم خودم و هم اطرافیانم مجبور بودند به آن عادت کنند. در یک شهر خیلی کوچک زندگی می‌کردم و افراد زیادی دائم از من سؤال

۱- سایت برترین حجاب.

۲- دختران راهی دیگر، کارول ان آنوی، ترجمه: محمد عرب و ناهید آزادمنش، ص ۱۱۴.

ص: ۱۲۱

می کردند. اما در شهر محل دانشگاه ما که شهری بزرگ تر بود، بیشتر مردم حجاب را می شناختند و زنان زیادی را با پوشش حجاب اسلامی در سرتاسر شهر می دیدند. زمستان بود که شروع به پوشیدن حجاب کردم. از همین رو، تا فرارسیدن تابستان خیلی مشکل نداشتم. در طول زمستان روسری به سر داشتم و در جمع مردم نیز حاضر می شدم. استوار و ثابت قدم ماندم. اسلام را نمی شود با چیزی دیگر قاطی کرد یا بگویی وقتی در آمریکایی، مثل آمریکایی‌ها باش! به چیزی که به آن اعتقاد داری و می پنداری درست است، باید عمل کنی؛ حتی اگر تمامی مردم، اعم از مسلمان یا غیر مسلمان، جور دیگری عمل کنند. (۱)

خانم دیگری نیز می گوید:

انجام فرایض مذهبی برایم آسان بود. در پذیرش و انجام عباداتی چون نماز، روزه و همچنین کنار گذاردن مشروبات الکلی، نه تنها مشکلی نداشتم، بلکه از منافع آن نیز بهره مند شدم. مشکل ترین نبرد من، پوشاندن سرم با روسری بود. هر چند هیچ کس نمی تواند بفهمد، من پوشش اسلامی را به دلیل وقار آن پذیرفتم. (۲)

حجاب و تحول فکری زنان غربی

حجاب، یک پوشش ساده یا یک مد لباس نیست که زن آن را برمی گزیند، بلکه نشانه‌ای از یک تحول و تغییر اساسی در فکر و روح

۱- دختران راهی دیگر، ص ۱۱۵.

۲- همان.

ص: ۱۲۲

زن است. حجاب، یک انتخاب بزرگ است که زن برای خود برمی‌گزیند و ارزش حجاب به این است که نشان دهنده این انتخاب بزرگ است. شاید اهمیت این موضوع در یک جامعه اسلامی مانند ایران احساس نشود؛ زیرا پوشش حجاب برای ما عادت شده، ولی در جوامعی که بیشتر زنان حجاب ندارند، مانند کشورهای غربی و حتی برخی کشورهای اسلامی، حجاب نشانه یک تفکر است؛ تفکری الهی.

بنابراین، زنی که در جوامعی مثل جوامع غربی برای خود پوشش حجاب را برمی‌گزیند، به همه نشان می‌دهد که مسلمانی متعهد است و برای حفظ مسلمانی خود، همه مشکلات را می‌پذیرد و حاضر است هر بهایی را پردازد. به خاطر دارم در سال‌های آغاز انقلاب که بی‌حجابی در حال ریشه‌کن شدن بود، فردی که از تحلیل درست مسائل سیاسی ناتوان بود، با ناراحتی می‌گفت: «آیا ما انقلاب کردیم و این همه خسارت جانی و مالی متحمل شدیم تا فقط زنان کشورمان یک روسری به سر کنند؟» او فکر می‌کرد حجاب، تغییری ساده در پوشش است. در پاسخ به این گونه تحلیل‌های سطحی باید گفت که اگر حجاب، پوششی ساده است، چرا امروزه دولت‌های غربی، قوانین منع حجاب وضع می‌کنند و در برخورد با زنان مسلمان و محجبه این گونه سختگیری می‌کنند؟ چرا زنان مسلمان و باحجاب، برای حفظ حجاب خود حاضرند همه سختی‌ها را تحمل کنند؟ پس همان گونه که گفتیم، حجاب یک تفکر است و احیای حجاب، احیای تفکر دینی است؛ احیای اسلام ناب محمدی است. حجاب همان اسلامی است که بر اندام استکبار و مخالفان اسلامی لرزه می‌افکند. به

ص: ۱۲۳

همین دلیل، دشمنان اسلام، باحجاب به شدت مخالفت می‌کنند و به آزار و اذیت زنان باحجاب می‌پردازند.

خانمی آمریکایی که به تازگی مسلمان و باحجاب شده است، درباره حجابش می‌گوید:

به عنوان یک زن مسلمان، موانع زیادی بر سر راه من وجود دارد که ناشی از مسلمانان یا اسلام نیست، بلکه از جانب جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنیم. آدم گاهی احساس می‌کند که در امریکا مثل یک ماهی است که خلاف جهت آب دارد شنا می‌کند. دائماً باید درباره حجابت به این و آن توضیح بدهی. از مشاغل مختلفی به خاطر حجابم طرد شده و به عبارت دیگر به صورتی آشکار مورد تبعیض واقع شده‌ام. با وجود این، صمیمانه شکرگزار حجابم. این نوعی آزادی در عرصه‌ای است که زنان بی‌بند و بار غربی هرگز قادر به فهم آن نیستند. من زمانی احساس عزت و احترام می‌کنم که اسلام را در هر جا که به دیگران عرضه می‌کنم، به شکلی قوی ارائه کنم تا به عنوان یک مسلمان شناخته شوم. (۱)

زن دیگری درباره علت انتخاب پوشش اسلامی در جامعه امریکا می‌گوید:

تصور من از زن بودن تغییر کرده است. دیگر آزادی را در شلوارهای تنگ و دامن کوتاه نمی‌بینم، بلکه آن را در حجاب و

۱- دختران راهی دیگر، ص ۱۱۹.

ص: ۱۲۴

وقار می‌یابم. دیگر قائل به تساوی زن و مرد نیستم، بلکه بر این باورم که برای هر کدام نقش‌هایی وجود دارد که مناسب آنهاست. در عین حال، همه ما از مرد و زن، دارای نیازها و استعدادهای منحصر به فردی هستیم که فرصت پرورش آنها را داریم. (۱)

بانویی دیگر درباره تأثیر خوبی که پوشش و حجابش بر دیگران می‌گذارد، می‌گوید:

من از فرق سر تا انگشتان پایم را می‌پوشانم. دستکش، جوراب و بالأخره یک مجموعه حجاب کامل. یک روسری هم زیر چادرم می‌پوشم و یک پوشیه هم می‌زنم. با این کار همیشه انتظار داشتم که مشکلات زیادی برایم پیش آید و هنوز باورم نمی‌شود که چه قدر انجام این کار آسان بوده است. من حتی سه سال و نیم در امریکا نیز پوشیه می‌زدم، بدون آنکه کوچک‌ترین مشکلی را از این بابت داشته باشم. از آنجا که خیلی از مردم نسبت به پوشیه من کنجکاو می‌شدند، همین امر سبب می‌شد تا چیزهای زیادی درباره اسلام بپرسند و یاد بگیرند. البته کمی گرم می‌شد، اما وقتی درجه حرارت به بالای صد درجه فارنهایت (حدود پنجاه درج سانتیگراد) می‌رسد، هر چیزی که به تن کنی، گرم می‌شود. من این لباس را به هر چیز دیگری ترجیح می‌دهم. افرادی که دلیل استفاده از پوشیه و نوع لباس مرا درک می‌کنند، از کار من پشتیبانی می‌کنند و به دید احترام به من می‌نگرند. چه در اینجا و چه در امریکا به خاطر حجابم، با من رفتار

۱- دختران راهی دیگر، ص ۱۱۹.

ص: ۱۲۵

خاصی می‌کنند. بانوان سالخورده مسلمان می‌خواهند هر کاری از دستشان بر می‌آید، برایم انجام دهند. بهترین جاها را در هواپیما به من می‌دهند، در هر صفتی که وارد شوم، دیگران مرا به جلوی صف هدایت می‌کنند. گاهی تاجر و فروشندگان مغازه‌ها در این کشور هدایا یا خدماتی مجانی به من عرضه می‌کنند. (۱)

از سخن این خانم باحجاب روشن می‌شود که با وجود مخالفت و ضدیت دولت‌ها با حجاب، مردم کشورهای غربی، نگاهی محترمانه به زنان محجبه دارند و این نشان دهنده بهبود موقعیت اجتماعی زنان مسلمان در جوامع غربی است. بانوی دیگری که به تازگی مسلمان شده است و رفتار عقیفانه زن مسلمان را معرف شخصیت وی می‌داند، درباره التزامش به حجاب در جامعه امریکا می‌گوید:

یکی از مهم‌ترین تغییراتی که کرده‌ام، این بوده که مراقب نحوه حرف زدنم با مردها باشم. لازم است که بسیار سنجیده عمل کنم و درباره مسائل شخصی حرفی نزنم. دیگر نمی‌توانم مثل سابق با دوستان مرد خود، سلام و خوش و بش کنم و حتی برای یک گفت‌وگوی بی‌مورد توقف کنم. وقتی بیرون اداره منتظر شوهرم هستم، همکاران شوهرم و دوستان او گاه حتی برای یک احوال‌پرسی ساده از پنجره ماشینشان هم توقف نمی‌کنند. (۲)

۱- دختران راهی دیگر، ص ۱۲۰.

۲- همان، ص ۱۲۱.

ص: ۱۲۶

زنی که تمام زندگی‌اش را مدیون حجاب و تحول فکری حاصل از آن می‌داند نیز چنین می‌گوید:
اتصال تمام زندگی‌ام به خداوند، معنادارترین چیزی است که اسلام به من داده است. به نظمی که اسلام به زندگی می‌بخشد و تمامی واجبات آن، علاقه و نیاز دارم. اکنون حجاب را عاشقانه دوست دارم و خداوند را شکرگزارم که مرا از مسیری که در آن قرار داشتم، رهایی بخشید؛ همان راهی که هنوز بسیاری از دوستانم درگیر آنند. (۱)

پاداش عفت و حجاب

از اصولی‌ترین عقاید دین اسلام و دیگر ادیان آسمانی این است که انسان‌ها هر عمل خیر یا شری را انجام دهند، نتیجه و اثر اخروی آن را خواهند دید (۲)؛ اگر عمل آنها خوب باشد، اثر اخروی و معنوی آن نیز مثبت خواهد بود و اگر بد باشد، جز عذاب و دور شدن از رحمت الهی، نتیجه دیگری برای آنها نخواهد داشت. البته گاه انسان پیامدهای باطنی برخی اعمال خود را در دنیا می‌بیند تا بیشتر هدایت شود. حجاب و ریشه باطنی آن، یعنی عفاف نیز از این قاعده مستثنا نیست؛ به ویژه که در دین اسلام به رعایت آن تأکید فراوانی شده است. در این بخش به چند نمونه از پاداش‌های معنوی حجاب و عفاف و نیز پیامدهای سوء

۱- دختران راهی دیگر، ص ۱۳۵.

۲- ر. ک: زلزال: ۶-۸.

ص: ۱۲۷

بدحجابی و رعایت نکردن عفاف اشاره می‌کنیم تا از یک سو مایه تشویق و افتخار زنانی باشد که با تحمل تمام سختی‌ها و اذیت‌ها، به حجاب خود پایبندند و اجازه نمی‌دهند هیچ چیز حیا و عفاف آنها را خدشه‌دار کند و از دیگر سو هشدار برای آن دسته از زنان مسلمانی باشد که به این فریضه مسلم اسلامی، بی‌توجه هستند و حجاب کامل ندارند.

بی‌شک، زنی که برای رضای خدا سختی‌ها را به جان می‌خرد و در هر شرایطی حجابش را حفظ می‌کند، اجر و پاداش بزرگی نزد پروردگار دارد. این وعده الهی است که در مقابل اعمال شایسته بندگانش، اجر و ثوابی بهتر به آنها عطا می‌کند. (۱) زن مسلمان نیز با ایثار و از خودگذشتگی و در اطاعت از آموزه‌های دین، حجاب و پوشش کامل را برگزیده است. از این رو خداوند در این دنیا نیز به او نظر عنایت خواهد داشت.

در جامعه امروز تبلیغات بدحجابی با انواع مظاهرش جلوه‌نمایی می‌کند و تیرهای زهر آگین شیاطین، حجاب را نشانه رفته است و تمسخرها و انگ‌های عقب‌ماندگی و نگاه‌های حقارت‌آمیز، از هر سو زنان محجبه را احاطه کرده است. با این شرایط، زن مسلمان، لحظه‌ای چادر و مقنعه را از خود دور نمی‌کند و با همین پوشش، به تمام فعالیت‌های اجتماعی و خانوادگی خود می‌رسد. از این رو زن مسلمان با حجاب، شایسته لطف خداوند و توجه خاص اهل بیت (علیهم السلام) خواهد بود.

۱- ر. ک: هود: ۱۱؛ یوسف: ۹۰.

توجه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به زن باحجاب

یکی از علمای بزرگ مشهد مقدس برای آنکه به محضر مبارک امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شرفیاب شود، ختم زیارت عاشورا را در چهل جمعه و هر هفته در مسجدی از مساجد شهر آغاز کرد. ایشان گوید: در یکی از آخرین جمعه‌ها، همان‌طور که در مسجد نشسته بودم و مشغول ختم بودم، ناگهان شعاع نور شدیدی را مشاهده کردم که از خانه‌ای نزدیک آن مسجد که مشغول زیارت عاشورا بودم، می‌تابید. ناخودآگاه از جا برخاستم و به دنبال آن نور، به در آن خانه رفتم. خانه‌ای کوچک و فقیرانه بود، ولی از درون خانه آن نور عجیب می‌تابید. در زدم، وقتی در را باز کردند، مشاهده کردم حضرت ولی عصر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در یکی از اتاق‌های آن خانه تشریف دارند و در آن اتاق جنازه‌ای را مشاهده کردم که پارچه‌ای سفید روی آن کشیده بودند. وقتی وارد اتاق شدم، درحالی که اشک می‌ریختم، محضر حضرت سلام و عرض ادب کردم. آن بزرگوار پس از جواب سلام، به من فرمودند: «چرا این‌گونه به دنبال من می‌گردی و این همه رنج‌ها را متحمل می‌شوی؟» آن‌گاه به آن جنازه اشاره کردند و فرمودند: «مثل این باشید تا من خودم به دنبال شما بیایم. این بانویی است با عفت و حیا که در دوره بی‌حجابی (در زمان کشف حجاب رضاخان پهلوی) هفت سال از خانه بیرون نیامد که مبادا نامحرم او را ببیند». (۱)

۱- ارمغان عفاف، عدنان زعفرانی، ص ۴۸، به نقل از: نقش زنان صالحه در اصلاح جامعه، ص ۳۹۸.

رؤیای صادقانه

آیت الله اراکی نقل می‌کند، شخصی نزد مرحوم آیت الله بروجردی آمد و عرض کرد: در خواب دیدم سه قرآن در خانه دارم که به ترتیب یکی بزرگ و دیگری متوسط و سومی کوچک است و دیدم هر سه آتش گرفتند. تا آمدم آنها را خاموش کنم، قرآن بزرگ کاملاً سوخت و دومی نیز به کلی از بین رفت، ولی موفق شدم قرآن کوچک را که اطرافش آتش گرفته بود، خاموش کنم. تعبیر خوابم چیست؟ آیت الله بروجردی فرمود: «من تعبیر خواب نمی‌دانم، ولیکن در تهران شخصی به نام آیت‌الله سیداحمد قمی است که در تعبیر خواب استاد است. نزد ایشان برو تا خوابت را تعبیر کند».

آن شخص می‌گوید نزد آیت الله سید احمد قمی رفتم و خوابم را تعریف کردم. آن آقا فرمود: «تو سه دختر داری که یکی بزرگ و دیگری متوسط و سومی کوچک است. دختر اولی و دومی را به دبیرستان فرستادی و بی‌حجاب شدند. آن دو همان دو قرآن بودند که کاملاً سوختند، ولی دختر سومت تا درس ابتدایی‌اش تمام شد و خواست به دوره بالا-تر برود و به این بهانه بی‌حجاب شود، گفتی دیگر اجازه نمی‌دهم این دختر از دستم برود و او را از رفتن به دبیرستان منع کردی و او همان قرآن کوچک است که اطرافش سوخت، ولی آتش آن را خاموش کردی. آیا اینها را که گفتم درست است؟» مرد گفت: «کاملاً درست است»^(۱).

۱- نقش زنان صالحه در اصلاح جامعه، ص ۴۱۴.

فصل چهارم: راهکارهای گسترش حجاب

اشاره

فریضه امر به معروف و نهی از منکر، فقط بر عهده عده‌ای خاص نیست، بلکه همه افراد در مقابل آن مسئول هستند؛ به‌ویژه در امر حجاب که بدون همکاری همه افراد و گروه‌های جامعه، گسترش و نهادینه کردن آن امکان‌پذیر نیست. بنابراین بر همه مؤمنان، به‌ویژه زائران مشاهد مشرفه، واجب و لازم است که در کنار زیارت و عبادت خود، به این امر مهم نیز توجه داشته و از حافظان و مبلغان حجاب در رفتار و گفتار باشند.

همین که زنی بگوید من حجابم را رعایت و از رفتارهای زننده پرهیز می‌کنم، یا مردی بگوید من پوششی مناسب برای خود انتخاب و در رفتار با نامحرم، حدود الهی را رعایت می‌کنم، ولی کاری به پوشش دیگران ندارم، کافی نیست. ما زمانی به وظیفه خود به‌طور کامل عمل کرده‌ایم که به مسئله پوشش و حجاب در جامعه اسلامی توجه کنیم.

ص: ۱۳۲

از بهترین فرصت‌هایی که می‌توان از آن برای گسترش فرهنگ حجاب و عفاف استفاده کرد، سفرهای زیارتی است. در این سفرها افراد، خضوع و خشوع خاصی در برابر خدا پیدا می‌کنند و زمینه پذیرش احکام نورانی اسلام برایشان فراهم می‌شود. از این رو باید همه دلسوزان دین، اعم از مردان و زنان زائر، روحانیان محترم کاروان که مسئولیت اصلی مسائل فرهنگی را برعهده دارند، همچنین مدیران و معاونان محترم کاروان، به مسئله حجاب توجه و حساسیتی ویژه داشته باشند و از هر فرصتی برای زنده نگه‌داشتن این فریضه استفاده کنند.

در این فصل تلاش شده است نکته‌هایی کاربردی در قالب داستان و خاطره و با هدف حاکمیت بخشیدن به فرهنگ والای حجاب بیان شود. این نکته‌ها در دو گفتار بیان می‌شود. گفتار اول مربوط به وظایف روحانیان محترم کاروان‌ها و نیز عملکرد زائران بزرگوار برای مقابله با بی‌توجهی به حجاب در طول سفر زیارتی است و گفتار دوم بیان راه کارهای عملی برای مسئولان محترم سازمان حج و زیارت است. البته این دو بخش از یکدیگر مجزا نیست؛ زیرا برای رسیدن به این هدف، همکاری هر دو بخش لازم است.

گفتار اول: وظایف روحانیان و زائران برای مقابله با بی‌توجهی به حجاب

اشاره

پدیده نازیبای بدحجابی که چند سالی است میان کاروان‌های زیارتی، به‌ویژه در حرمین شریفین دیده می‌شود و چهره معنوی زیارت را تهدید

ص: ۱۳۳

می‌کند، اتفاقی نیست که بتوان از کنار آن به سادگی گذشت؛ بلکه باید برای ریشه‌کن کردن آن کاری اساسی و برنامه‌ریزی دقیق انجام داد. از این رو برای روحانیان کاروان‌ها و زائرانی که از بدحجابی دیگر زائران رنج می‌برند، و به حل این مشکل علاقه‌مند هستند، راه کارهایی پیشنهاد می‌شود.

پیش از طرح این راه کارها، لازم است یادآور شویم که ممکن است گفته شود مبارزه با بدحجابی و روبه‌رو شدن با کسانی که به آن اهمیت نمی‌دهند، صبر و حوصله بسیاری می‌خواهد و دردسر و مشکلات فراوانی خواهد داشت. افزون بر این، تذکر دادن به این افراد اغلب، بی‌فایده است و آنها حرف کسی را نمی‌پذیرند. در پاسخ باید گفت اگر از راه درست وارد شویم، هیچ مشکلی به وجود نمی‌آید و زودتر به مقصد می‌رسیم. همچنین اگر بخواهیم جامعه‌ای سالم داشته باشیم و به وظیفه شرعی خود در قبال ناهنجاری‌ها عمل کنیم، باید دردسرها و مشکلات را تحمل کنیم. هیچ کس دوست ندارد در کار دیگران دخالت کند و آنها را از خود برنجانند یا مورد اهانت یا حمله افراد واقع شود. ولی وقتی امر به معروف و نهی از منکر از واجبات مسلم اسلام و از نخستین وظایف هر مسلمان است، عذری برای بی‌توجهی ما باقی نمی‌ماند. نکته دیگر آن است که بسیاری از اوقات ما دچار توهم مشکل می‌شویم نه خود مشکل؛ یعنی فکر می‌کنیم اگر به کسی برای رعایت کردن حجاب تذکر دهیم، برای خود مشکل درست کرده‌ایم. درحالی که ترس ما بی‌مورد است. اغلب افراد، به‌ویژه زائران عزیز، افرادی منطقی هستند و از تذکر

ص: ۱۳۴

مؤدبانه و منصفانه ما ناراحت نمی‌شوند و برخورد ناپسندی نخواهند داشت. بی‌شک، اگر همه زائران به افراد بدحجاب، تذکری منصفانه، منطقی و مؤدبانه بدهند، مؤثر خواهد بود.

۱. توجه به ریشه‌ها و زیر ساخت‌های حجاب

اشاره

از مهم‌ترین راه کارهای گسترش حجاب در میان بانوان، توجه به ریشه‌های اعتقادی و معنوی آن است. برای تشویق زنانی که درباره حجاب کم توجه‌اند باید ریشه‌های حجاب، یعنی ایمان و اعتقاد مذهبی را تقویت کنیم. امر و نهی کردن به زنان درباره حجاب، بدون توجه به ریشه‌های اعتقادی و معنوی آن، نه تنها هیچ سودی برای آنان ندارد، بلکه لجاجت و تنفر آنها را از حجاب افزایش می‌دهد.

از این رو، باید به تقویت این ریشه‌ها و زیرساخت‌ها توجه شود تا زنان و دختران ما با علاقه و میل و اراده خود به سوی حجاب بروند. از بهترین مکان‌هایی که می‌توان در آن، زمینه پذیرش حجاب را برای زنان فراهم کرد، فضاهای معنوی، زیارتگاه‌ها و مشاهد مشرفه است. بانوی زائر با قرار گرفتن در این موقعیت‌های ویژه، با تلنگری کوچک، ولی ظریف و به موقع، دچار تحولی عمیقی می‌شود؛ تحولی که مانند آن در هیچ جای دیگر رخ نمی‌دهد.

بنابراین، منشأ حجاب را باید در درون فرد جست‌وجو کرد؛ همان‌گونه که دیگر اعمال دینی چنین منشأ و خاستگاهی دارند، و برای توجه دادن فرد به ادای آنها لازم است عقاید درونی او را تقویت کرد.

ص: ۱۳۵

بسیاری از افراد از چنین خاستگاه اعتقادی برخوردارند. تنها مانعی که سر راه آنها وجود دارد، غفلت و بی‌توجهی آنها از این خاستگاه است. اگر بتوانیم با ایجاد یک فضای معنوی مناسب، زمینه استحکام مبانی اعتقادی این افراد را فراهم کنیم، بی‌شک، در رفتار آنها تغییر ایجاد خواهد شد و آنها به سمت حجاب متمایل خواهند شد. در ادامه، به خاطره‌ای در این باره استناد می‌کنیم.

خاطره‌ای از تذکر دادن به حجاب

یکی از روحانیان کاروان می‌گفت: در سفرهایی که به مکه و مدینه مشرف می‌شدیم، گاهی زنانی را مشاهده می‌کردیم که پوشش آنها با زنان دیگر کاروان فرق داشت و مناسب یک زائر حج یا عمره نبود. تذکرات عمومی و خصوصی هم کارساز نبود و آنها کماکان راه خود را می‌رفتند. تا اینکه در یکی از سفرها تجربه جالبی به دست آوردم. در این کاروان چند زن با لباس‌های نامناسب و چهره آرایش کرده در جلسات شرکت می‌کردند و مرتباً افراد کاروان، خصوصاً زنان محجبه به من تذکر می‌دادند که با آنها صحبت کنم. ولی من امتناع می‌ورزیدم و می‌گفتم باید وقت مناسب آن برسد.

یک روز صبح زود که همگی به زیارت بقیع رفته بودیم و پشت دیوار بقیع به خواندن دعا و زیارت مشغول بودیم، در حین خواندن زیارت‌نامه، توسلی به حضرت زهرا (علیها السلام) گرفته شد و احساس خوبی به همه دست داد. در همین هنگام موقعیت را مناسب دیدم و همان‌طور که

ص: ۱۳۶

افراد هر کدام، ارتباط قلبی با حضرت زهرا (علیها السلام) برقرار کرده بودند، با همان حالت دعا و مناجات گفتم: «ای کسانی که تاکنون گناهی از شما سرزده و در مسیر بندگی خدا تقصیر و کوتاهی کرده‌اید! همین جا پیمان ببندید که دیگر از راه راست منحرف نشوید. ای بانوانی که تاکنون پوشش شما کامل نبوده! بیاید از همین الآن به حضرت فاطمه (علیها السلام) قول بدهید که از این به بعد، طوری لباس بپوشید که فاطمه (علیها السلام) از شما راضی باشد. با فاطمه پیمان ببندید که نسبت به نامحرم رفتاری داشته باشید که مورد عنایت دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار گیرید و فردای قیامت شفاعت آن بزرگوار شامل حالتان شود». وقتی جلسه توسل تمام شد و به هتل برگشتیم، دیدم همان خانم‌هایی که حجابشان کامل نبود، تصمیم گرفته‌اند چادر به سرکنند و به من گفتند وقتی به ایران هم برگردند، چادر را از خود دور نمی‌کنند. همچنین یکی از خانم‌ها به من گفت: «شما خیلی زیبا و به موقع به ما تذکر حجاب را دادید. ما متوجه بودیم که برخی خانم‌های کاروان از نوع پوشش ما راضی نیستند و دائم به شما می‌گفتند که به ما تذکر بدهید، ولی شما بزرگواری کردید و این کار را نکردید و صبر کردید تا موقع مناسب آن فرا رسید. آن‌گاه طوری به ما گفتید که به هیچ کس برنخورد. مطمئن باشید اگر مستقیماً تذکر می‌دادید، نه تنها غرور ما اجازه پذیرش آن را نمی‌داد، بلکه دیگر در هیچ یک از جلسات شما شرکت نمی‌کردیم».

از آن روز من فهمیدم، راه و روش امر به معروف و نهی از منکر ساده نیست و تصمیم گرفتم همین روش را در همه سفرهایم اجرا کنم و

ص: ۱۳۷

به لطف خدا نیز موفق بودم.

با توجه به این داستان، علت اصلی اثرپذیری بانوان از تذکر داده شده، معطوف شدن ذهن آنها به اصل و ریشه حجاب، یعنی عقاید مذهبی آنان است. در حقیقت، اگر به زیرساخت‌های معنوی و حتی اجتماعی حجاب توجه نکنیم و با دیدن یک زن بدحجاب، به سرعت به سوی او برویم و به او یا خانواده‌اش تذکر دهیم، ممکن است واکنشی مثبت در پی نداشته باشد، هر چند در ظاهر تذکری نرم و کوتاه بدهیم.

خاطره‌ای دیگر از تذکر دادن به حجاب

در یکی از سفرهای عمره، به عنوان روحانی کاروان در خدمت زائران بودم. یک روز که از مسجدالحرام برگشتم و برای صرف ناهار به هتل رفتم، در رستوران هتل نزدیک مردی حدود شصت ساله نشستم. در کنار ایشان دو فرد دیگر در حدود ۲۵ و ۴۰ ساله نشسته بودند. بعداً متوجه شدم مرد جوان، پسر او و مرد دیگر داماد اوست. چهره پیرمرد نشان می‌داد که انسان با صفایی است و به همراه خانواده به عمره مشرف شده‌اند.

پس از سلام و احوال‌پرسی مختصر، مشغول غذا خوردن شدیم. در این هنگام دو خانم جوان که یکی از آنها دخترخانمی در حدود شانزده ساله بود و مانتویی بسیار تنگ پوشیده بود و قسمتی از موهایش هم آشکار بود، وارد شدند و به نزد آن مرد آمدند و با او احوال‌پرسی کردند و بعد به طرف قسمت مخصوص بانوان برای صرف ناهار رفتند.

ص: ۱۳۸

من که حدس زدم او دختر آن مرد باشد، با خود فکر کردم، شاید مناسب باشد تذکری بسیار کوتاه و مؤدبانه درباره حجاب او بدهم و از طرفی چون در فضای معنوی شهر مکه هستیم، احتمال تأثیر آن بیش از جای دیگر باشد. پس به مرد رو کردم و گفتم: «ایشان دختر شماست؟» گفت: «بله». گفتم: «پوشش مناسبی ندارند».

ناگهان آن جوانی که برادر این دختر بود، با ناراحتی در پاسخ من گفت: «پوشش ایشان مناسب است». من چیزی نگفتم و منتظر عکس‌العمل پدرش ماندم. پدر دختر که از تذکر من جا خورده بود، دو جمله در پاسخ من گفت، او ابتدا گفت: «ایشان دختر بسیار خوبی است. خیلی به نماز علاقه دارد و به عبادت در مسجدالحرام و طواف اهمیت خاصی می‌دهد و با ویلچر مادرش را به حرم می‌برد».

من ابتدا از پاسخ ایشان تعجب کردم و نفهمیدم چه ارتباطی بین این مطلب با تذکر من وجود دارد، اما با کمی تأمل منظور ایشان را فهمیدم. ایشان در واقع می‌خواست به من بگوید، اگر می‌بینی دختر من نسبت به حجاب کمی بی‌توجه است، دلیلش این نیست که فردی لایابالی است و به دیگر مسائل دینی بی‌توجه است، بلکه او کاملاً فردی با اخلاق و مؤمن است. اینجا بود که من فهمیدم در تذکری که داده‌ام، بی‌احتیاطی کردم و از این نکته مهم غافل بوده‌ام.

اگر تصور کنیم تذکر دادن و امر و نهی کردن به دیگران کار ساده‌ای است، کاملاً اشتباه کرده‌ایم. باید در امر و نهی کردن به دیگران، به تمام جوانب آن توجه کنیم، تا تذکر ما اصلاح‌کننده باشد، نه تخریب‌کننده.

ص: ۱۳۹

گفتنی است برخی افراد با بداخلاقی و اهانت به دیگران امر و نهی می‌کنند و این امر و نهی نادرست می‌تواند پیامدهای ناگواری در پی داشته باشد.

جمله دومی که مرد بلافاصله پس از جمله اول گفت، این بود: «حاج آقا! خدا می‌داند من آنقدر به این بچه‌ها تذکر می‌دهم حجابشان را کامل کنند که خودم هم خسته می‌شوم، ولی در این دوره و زمانه بچه‌ها کمتر به [حرف] ما بزرگ‌ترها گوش می‌دهند و راه خودشان را می‌روند».

منظور ایشان از جمله دوم هم معلوم بود. ایشان در این جمله می‌خواست تذکر دیگری به من بدهد که شما اگر فکر می‌کنید من پدر لایبالی و بی‌تفاوتی هستم که دخترانم را آزاد گذاشته‌ام، سخت در اشتباهید. من به مسائل شرعی اهمیت می‌دهم، این خود بچه‌ها هستند که از ما نمی‌پذیرند. این جمله ایشان نیز اشتباه دوم مرا در تذکری که دادم، به من فهماند.

وقتی تنها شدم، با خودم گفتم: اگر بار دیگر چنین موقعیتی برای من پیش آمد و خواستم به فردی مثل این پدر تذکر دهم، این طور می‌گویم: «پدرجان، ایشان دختر شما هستند؟ خوش به حالشان که در سن جوانی و با این همه ذوق و اشتیاق به این سفر آمده‌اند. حتماً به انجام اعمال عبادی عمره علاقه خاصی دارند. خدا را شاکر باشید که چنین فرزند خوبی نصیبتان کرده، ولی پدرجان اگر از من پرسند نمره ایمان ایشان چند است، می‌گویم نوزده است، نه بیست. چرا بیست نیست؟ چون نمره بیست را وقتی می‌گیرند که به جای مانته از چادر استفاده کنند. البته

ص: ۱۴۰

پدرجان من می‌دانم که شما این تذکر را بارها به ایشان داده‌اید، ولی چه می‌شود کرد. جوانان امروز تا خودشان به چیزی نرسند، محال است از بزرگ‌ترها قبول کنند».

اگر در این چند جمله تذکر دقت کنیم، می‌بینیم هر دو مطلبی که این پدر در پاسخ به تذکر من داد و نسبت به آنها دغدغه داشت، در آن آورده شده است. بنابراین اگر ما دقیق و حساب شده تذکر دهیم، هم مؤثر است و هم جذاب و افزون بر آن، هیچ‌کس نیز رنجیده‌خاطر نخواهد شد.

۲. شتاب‌زدگی و عصبانیت در تذکردادن به مجاب، ممنوع

اشاره

در سفری که با دانشجویان و خانواده‌هایشان به عمره مشرف شده بودیم، روزی به زیارت منا و عرفات رفتیم که سفری جذاب، ولی در عین حال خسته‌کننده است. یکی از دانشجویان که در این سفر با همسرش همراه ما بود، درحالی که خیلی ناراحت و گرفته به نظر می‌رسید، خود را به من رساند و گفت: «امروز اتفاقی برای من افتاده که مرا بسیار ناراحت کرده است. خواستم برای شما بگویم تا کمی از ناراحتی‌ام کم شود». من با خوش‌رویی به او گفتم: «بفرمایید، گوش می‌دهم». او گفت: «امروز که به زیارت منا و عرفات آمدیم، چون خیلی راه رفتیم، همسرم حالش بد شد و از من کمک خواست. من برای کمک به او، دستش را گرفتم، درحالی که او به سختی دنبال من می‌آمد. فردی که در ظاهر بسیار مؤمن به نظر می‌رسید، خود را به ما رساند و با عجله و ناراحتی، در اعتراض به اینکه چرا من دست همسرم را گرفته‌ام، به من

ص: ۱۴۱

گفت: همین شماها هستید که با این کارها، آبروی جمهوری اسلامی را می‌برید. خجالت نمی‌کشید جلوی چشم دیگران دست همسرتان را گرفته‌اید؟ من تا به خودم آمدم که این فرد که بود و چرا این اعتراض را کرد، او به سرعت از ما دور شد. هر چه او را صدا زدم تا به او بگویم، همسرم بدحال شده و من برای کمک، دستش را گرفته‌ام، پاسخی نداد و رفت. برای من این برخورد، آن هم از فردی که توقع این رفتار را از او نداشتم، خیلی سنگین آمد و حسابی حال مرا گرفت. حالا آمده‌ام تا با شما درد دل کنم تا کمی از ناراحتی‌ام کم شود».

من نخست کوشیدم او را دل‌داری دهم. سپس به او گفتم: «آن فرد قصد آزار شما را نداشته و خیال کرده شما هم مثل برخی افراد هستید که وقتی با همسرشان در خیابان راه می‌روند، دست همدیگر را می‌گیرند و رفتاری که در فضای عمومی پسندیده نیست و دور از شأن یک مسلمان است، از خود نشان می‌دهند».

وقتی این مطلب را به او می‌گفتم، صرفاً برای آرام کردن او بود؛ چون واقعاً کار آن فرد قابل دفاع نبود؛ زیرا همسر ایشان فردی کاملاً محجبه و چادری بود و این گونه سخن گفتن و برخورد تند کردن، شایسته او نبود.

اشتباه دیگری که این شخص مرتکب شده بود، رفتار شتاب‌زده و تند او بود. به فرض که این زن و شوهر رفتار سبکی داشته باشند، ما نباید با آنها برخورد تند داشته باشیم. بلکه همیشه باید فکر کنیم از چه راهی می‌شود رفتار یک فرد را اصلاح کرد. در اینجا به دو نمونه زیبا از برخورد با این گونه افراد اشاره می‌کنیم:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و تذکر به عفاف

روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر مرکبی سوار بود و «فضل بن عباس» را که جوانی زیبارو بود، پشت سر خود سوار کرد و از راهی گذشت. در این هنگام زن جوانی جلو آمد و سلام کرد و از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اجازه خواست تا مطلبی دربار مسائل دینی پرسد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مرکب را نگه داشت و به پرسش او گوش فرا داد. آن گاه پاسخ نسبتاً مفصلی به او داد. در حین پاسخ حضرت متوجه شد، حواس زن جوان به گفته‌های او نیست و به پشت سرش، یعنی به فضل نگاه می‌کند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به عقب نگاه کرد و دید که فضل نیز به آن زن جوان چشم دوخته است. پیامبر برای اینکه جلوی این کار را بگیرد، سرفضل را به طرف دیگر برگرداند و به او فرمود: «زنی جوان و مردی جوان، می‌ترسم شیطان در میان ایشان پا بنهد». (۱)

در این داستان می‌بینیم که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هیچ یک از آن دو نفر را که در حضور ایشان رفتاری ناپسند از خود نشان دادند، سرزنش نکرد. حضرت برای اینکه این رفتار ادامه نیابد و هر دو متنبه شوند، با ظرافت خاصی از ادامه این نگاه جلوگیری کرد.

خاطره‌ای از برخورد رهبر معظم انقلاب با بدحجابی

یکی از اطرافیان مقام معظم رهبری نقل می‌کند: ایشان گاهی برای کوه‌نوردی به کوه‌های اطراف تهران می‌رفتند. در یکی از این سفرها،

ص: ۱۴۳

وقتی از کوه بالا می‌رفتند، با پسر و دختر جوانی روبه‌رو شدند که در حال پایین آمدن از کوه بودند. آنها که وضع مناسبی از نظر پوشش نداشتند و دست یکدیگر را هم گرفته بودند و در حال گفت‌وگو بودند، ناگهان با آقا روبه‌رو شدند. لحظه اول اضطراب زیادی پیدا کردند. اما وقتی خوشرویی و چهره خندان آقا را دیدند، آرام شدند و سلام کردند.

رهبر معظم انقلاب، جواب سلام آنها را با مهربانی داد و شروع کرد به احوال‌پرسی و تعریف و تمجید از اینکه این دو جوان، اهل ورزش و کوه‌نوردی هستند. آن‌گاه پرسید: «شما چه نسبتی با هم دارید؟» گفتند: «ما با هم دوست هستیم». ایشان دوباره آنها را به خاطر اهل ورزش بودن تشویق کرد. سپس فرمود: «آیا دوست دارید با یکدیگر محرم شوید؟» آنها که انتظار این حرف را نداشتند، فوراً اظهار تمایل کردند. حضرت آقا به یکی از همراهانشان فرمودند: «برای ایشان تاریخی را مشخص کنید تا به دفتر بیایند». آن دو خداحافظی کردند و رفتند، درحالی‌که از این برخورد کریمانه، انقلابی در درونشان به وجود آمده بود.

طبق تاریخ مقرر، این دو جوان به همراه خانواده‌هایشان به محضر آقا رسیدند، درحالی‌که آن دختر با چادر و حجاب کامل آمده بود و آن پسر نیز ظاهری بسیار مذهبی و موقر داشت. (۱)

در این داستان، مقام معظم رهبری، شیوه امر به معروف و نهی از منکر و نیز شیوه برخورد با جوانان و شیوه تشویق جوانان به حجاب و

۱- آب، آینه، آفتاب، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.

ص: ۱۴۴

عفاف را به زیباترین شکل نشان می‌دهد. در حقیقت، ایشان با این برخورد، پیامی مهم به مسئولان فرهنگی و همه افرادی داد که دغدغه دینی دارند. در حقیقت، برای برپایی فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه، باید با کمال آرامش و متانت و با حفظ احترام افراد و در عین حال، بسیار با ظرافت، عمل کرد.

دو خاطره تلخ و شیرین

یکی از دوستان برای من تعریف کرد: روزی در یکی از شهرهای مذهبی، ابتدای خیابانی منتظر تاکسی ایستاده بودم. در آنجا جمعیت زیادی مثل من منتظر تاکسی بودند. در میان جمعیت، خانم جوانی که پوشش نامناسبی داشت، جلب توجه می‌کرد. ناگهان خانم مسنی به طرف او رفت و شروع به پرخاشگری کرد و گفت: «ای خانم! خجالت نمی‌کشی با این سر و وضع در بین نامحرمان آمده‌ای؟ حداقل از خانواده‌های شهدا که بهترین عزیزانشان را در راه اسلام فدا کردند، حیا کن!» هنوز سخن آن زن میان سال تمام نشده بود که زن جوان لنگه کفش خود را در آورد و آن زن معترض را به باد کتک گرفت. اگر مردم پا در میانی نکرده بودند، معلوم نبود چه بر سرش می‌آمد.

مدتی از این جریان گذشت، تا اینکه بر حسب اتفاق، دوباره گذارم به همان خیابان افتاد و همان جریان قبلی تکرار شد. اما با این تفاوت که در این جریان، زنی که تصمیم گرفته بود به خانم جوان تذکر حجاب بدهد، جلو آمد و با خوشرویی به او رو کرد و گفت: «دخترم! تو که هزار

ص: ۱۴۵

ماشاءالله خانمی زیبا و جذاب هستی، حیف نیست خدای ناکرده مورد تعرض و بی‌احترامی جوان بی‌ادبی قرار بگیری؟ اگر سعی کنی خود را بهتر بپوشانی، هم زیباتر و جذاب‌تر می‌شوی و هم ارزش بالاتری پیدا خواهی کرد». این خانم آن‌قدر از این سخنان زیبا و تشویق‌کننده گفت که زن جوان تسلیم شد و گفت: چشم مادر و فوراً حجابش را اصلاح کرد.

آن‌گاه دوستم ادامه داد: من وقتی این دو ماجرا را با هم مقایسه کردم، به این نتیجه رسیدم که چرا ما انسان‌ها کار مهمی مثل تذکر دادن و امر به معروف کردن را این‌قدر سرسری می‌گیریم و هنگام مواجه شدن با این‌گونه مسائل، فوراً احساساتی می‌شویم و بعضاً برای فرو نشانیدن احساساتمان به جای اینکه تذکر اصلاح‌گرانه بدهیم، به افراد حمله می‌کنیم؟! در ضمن فهمیدم که خداوند با نشان دادن این دو جریان، می‌خواست مرا متوجه این مطلب مهم کند که هنگام تذکر دادن، احساسات و عواطف افراد را در نظر بگیرم و هرگز برای متوجه کردن فرد به یک امر شرعی، تمام شخصیت او را زیر سؤال نبرم.

از این دو خاطره به یک نکته مهم می‌توان رسید: اینکه هنگام امر به معروف و نهی از منکر، به‌ویژه نسبت به امر حجاب، باید توجه کنیم که تذکر یا سخن ما به‌گونه‌ای نباشد که آتش لجاجت را در فرد شعله‌ور کند؛ زیرا اگر چنین شود، نه تنها او از رفتارش دست بر نمی‌دارد، بلکه به یک مبلغ برای رفتار ضد دینی‌اش تبدیل می‌شود.

بنابراین، همه افراد باید توجه داشته باشند که مبادا به جای ترویج فرهنگ حجاب، وضع پوشش بدحجابان را بدتر، و با رفتار تند

ص: ۱۴۶

و نسنجیده خود، لجاجت آنها را بیشتر کنند و آنها را به معنویات بدبین سازند.

۳. ایجاد نگرش مثبت به حجاب

اشاره

از راهکارهای مهم گسترش حجاب، ایجاد نگرش مثبت به آن است. امروزه یکی از نقشه‌هایی که دشمنان اسلام و انقلاب، برای دور کردن مردم از معنویات و گسترش فحشا و بی‌بند و باری در میان جوانان، به اجرا گذاشته‌اند، ایجاد نگرش منفی به حجاب است. از این رو نباید به آنها اجازه چنین فرصتی را داد و در مقابل، باید برای مثبت نگه داشتن نگرش جوانان و نوجوانان به حجاب با همه توان کوشید.

مبارزه با حجاب

مبارزه با حجاب در قالب ایجاد نگرش منفی به حجاب، در دو سطح، در دستور کار دشمن قرار دارد. سطح اول آن است که ذهن جوان، چه پسر و چه دختر را به حجاب بدبین کند و با شایعه‌پراکنی و دروغ‌پردازی، تبیین کند که حجاب، نشانه عقب‌ماندگی است یا کسی که حجاب دارد، کم‌کم افسرده می‌شود و نشاط خود را از دست می‌دهد. این تبلیغات چنان گسترده شده که افزون بر انتشار کتاب و مقاله‌های فراوان، حتی به فیلم‌ها و سریال‌ها کشیده شده و متأسفانه به اشتباه یا عمد، برخی از آنها از تلویزیون نیز پخش شده است.

اما سطح دوم از این نگرش منفی به حجاب، آن است که حجاب از واجبات دینی به شمار می‌رود و رعایت آن نیز لازم است. ولی این

ص: ۱۴۷

و جوب در همه جا نیست، بلکه فقط مختص اماکن مذهبی است و خارج از این مکان‌ها، رعایت کردن یا نکردن حجاب، به سلیقه و نظر شخص بستگی دارد؛ به عبارت دیگر، در این دیدگاه، فرد خود را متدین و متشرع می‌داند، ولی درباره حجاب و رعایت حریم با نامحرم، نظر و سلیقه خود را ملاک دین قرار می‌دهد.

در حقیقت، این دیدگاه به فرد اجازه می‌دهد خودش اجتهاد کند و به برخی احکام دینی، به‌ویژه احکام اجتماعی، با نظر خود عمل کند.

در دیدگاه اول که دیدگاه تندتری بود، با مضر دانستن حجاب، کل دین را رد می‌کردند و مردود می‌دانستند، ولی در دیدگاه دوم، حجاب را امری شخصی و مخصوص مکان‌ها و مراسم مذهبی می‌دانند. از این رو می‌بینیم برخی زنان در مراسم مذهبی مثل عزاداری‌ها، زیارت‌گاه‌ها و مساجد، باحجاب و چادر حضور می‌یابند، ولی در کوچه و خیابان و مهمانی‌ها و جشن‌ها حجاب را رعایت نمی‌کنند.

برخی هم استدلال عجیبی برای این کار خود دارند. آنان می‌گویند اصل و ریشه حجاب، این است که فکر بدی نداشته باشی و به اصطلاح، دلت پاک باشد. همچنین می‌گویند: زن باید تمیز و زیبا باشد و چه اشکالی دارد ما زنان، با ظاهری زیبا در جامعه حاضر شویم. چرا باید این همه زیبایی را پنهان کنیم؛ به‌ویژه اگر قصد بدی نداشته باشیم! اگر عده‌ای قلب بیماری دارند، تقصیر خودشان است؛ چرا ما باید خود را بپوشانیم؟ چرا مردان نگاهشان را کنترل نکنند؟

اصلاح نگرش به حجاب

آنچه گفته شد، نشان می‌دهد نگرش و برداشت این افراد درباره حجاب، درست نیست. بنابراین اگر بخواهیم فرهنگ حجاب را در میان بانوان گسترش دهیم، نخست باید نگرش و دیدگاه آنها را درباره حجاب اصلاح کنیم. باید با طرح مباحث علمی، تبیین کنیم که احکام دین اسلام، به جز از منبع قرآن و سنت، قابل برداشت نیست و ما نمی‌توانیم احکام دینی را بنا بر میل خود تغییر دهیم و برداشت شخصی خود را به حساب دین بگذاریم.

در پاسخ به زنانی که ممکن است تحت تأثیر تبلیغات مخالفان حجاب قرار گرفته باشند و تصور کنند حجاب و پوشش، سبب افسردگی و از بین رفتن نشاط زن می‌شود نیز باید گفت این گونه سخنان، نه تنها اثبات شدنی نیست و ریشه علمی ندارد، بلکه پژوهش‌های روان‌شناسان خلاف آن را ثابت کرده است.

پژوهش‌ها نشان داده در مقایسه وضعیت روانی زنان باحجاب و زنان بدحجاب، سلامت روانی زنان باحجاب و آرامش و لذتی که از زندگی می‌برند، بیشتر از دیگر زنان است. (۱) امروزه زنان غربی که مصداق کامل آزادی زن در پوشش و رابطه آزاد با نامحرم هستند، در فشارهای روانی و اضطراب زندگی می‌کنند. درحالی که زنان شرقی هرگز چنین تجربه‌هایی را نداشته‌اند.

۱- ر. ک: حجاب و نقش آن در سلامت روان، صص ۱۰۱ - ۱۳۰.

ص: ۱۴۹

به هر حال، مسئولان فرهنگی باید بدانند تا نگرش به حجاب اصلاح نشود، تبلیغ حجاب بی‌فایده خواهد بود.

حجاب به سبک خاص

چند سال پیش همراه خانواده، به مشهد مقدس رفته بودیم. روزی کنار یکی از ورودی‌های حرم ایستاده بودیم که خانم جوانی، درحالی که چادری به سر داشت، در حال خارج شدن از حرم بود. من متوجه او نشدم، ولی وقتی از کنار او گذشتیم، همسرم به من گفت: «متوجه شدی این خانم چه کار کرد؟» گفتم: «نه، چه کار کرد؟» گفت: «این خانم به محض اینکه از حرم خارج شد، چادرش را برداشت و داخل کیف گذاشت. سپس خم شد و جوراب‌هایش را هم در آورد و به راه افتاد.»

من که از این رفتار خیلی تعجب کرده بودم، با خود فکر کردم این رفتارش چه دلیلی دارد؟ چرا داخل حرم حجابش کامل است، ولی وقتی خارج می‌شود، از حجاب کامل فاصله می‌گیرد؟ کسی که این خانم را مجبور نکرده به حرم بیاید، بلکه خودش به خاطر عقاید دینی و علاقه‌ای که به امام رضا (علیه السلام) دارد، به زیارت آمده است. پس چرا در پوشش خود رفتاری دوگانه دارد؟ سرانجام به این نتیجه رسیدم که او برای اینکه حرمت حرم را نگاه دارد، هم چادر به سر کرده و هم جوراب پوشیده است، ولی وقتی از حرم خارج می‌شود، دیگر حجاب را بر خود واجب نمی‌داند. این همان نگرش غلط به حجاب و همان انحرافی است که در برداشت از دین ایجاد شده است. در حقیقت، این همان بلایی است که

ص: ۱۵۰

امروزه در جهان غرب بر سر دین آمده و آن را به کلیسا منحصر کرده است. کسانی که این بلا را بر سر مسیحیت آورده‌اند، می‌خواهند به کمک افرادی ساده‌لوح، این بلا را بر سر اسلام نیز بیاورند. بر این اساس، باید گفت حاکمیت بخشیدن به حجاب، کاری زیربنایی و ریشه‌ای است، نه تبلیغاتی.

اگر مردم جامعه‌ای از برداشت‌ها و باورهای دینی درستی برخوردار باشند، هیچ هجمه‌ای آنها را دچار تزلزل نمی‌کند. بنابراین نخست باید ریشه عقاید را محکم کرد. باید دختران و زنان مسلمان بدانند که حجاب، پوششی عادی و مخصوص اماکن مذهبی نیست، بلکه حجاب یک نگرش و تفکر است. حجاب، یک تفکر عمیق دینی است که به صاحب خود، جهان‌بینی الهی می‌بخشد و این جهان‌بینی، همه‌جا همراه فرد است و در نوع پوشش او ظهور می‌یابد.

۴. آگاه کردن زائران به پیامدهای منفی بی‌توجهی به حجاب

اشاره

بسیاری از بانوان نمی‌دانند که حجاب، مسئله‌ای شخصی نیست و رعایت نکردن، پیامدهای منفی بسیاری برای فرد و جامعه خواهد داشت. این بانوان که در نداشتن حجاب کامل، قصد و نیت بدی ندارند، در توجیه کار خود می‌گویند: ما به این پوشش عادت کرده‌ایم و هدف خاصی نداریم؛ غافل از اینکه نداشتن حجاب کامل، پیامدهای تربیتی خود را بر اطرافیان خواهد گذاشت؛ خواه فرد قصد و نیتی نادرست از بدحجابی داشته باشد یا بدون چنین قصدی، حجابش را رعایت نکند.

ص: ۱۵۱

چند سال پیش در همایشی که درباره موضوع حجاب در دانشگاه آزاد یکی از شهرستان‌ها بر پا شده بود، درباره آثار روان شناختی حجاب سخنرانی کردم. وقتی صحبت تمام شد، یکی از استادان خانم دانشگاه که حجاب کاملی نداشت، نزد من آمد و گفت: «می‌توانم مطلبی بپرسم؟» گفتم: «بفرمایید!» گفت: «من چادر به سر نمی‌کنم و مقید نیستم کاملاً حجابم را رعایت کنم. اما وقتی من هیچ قصد بدی ندارم و حریم عفت و حیا را رعایت می‌کنم، چه اشکالی دارد که حجابم کامل نباشد و حتی کمی هم آرایش داشته باشم؟» به او گفتم: «من قبول دارم که امثال شما هیچ قصد و نیت بدی ندارید و نمی‌خواهید با این کار توجه نامحرمی را به خود جلب کنید و عفت و حیای باطنی شما را هم تأیید می‌کنم، ولی آیا نامحرمانی که شما را می‌بینند، به خصوص پسران جوان و مجرد که به ظاهر زیبا و جذاب این گونه زنان نگاه می‌کنند، تضمین می‌کنید که هیچ قصدی در نگاهشان نباشد؟» وقتی صحبت به اینجا رسید، او به سرعت حرفم را تصدیق کرد و گفت: «من تاکنون به این نکته توجه نکرده بودم».

بنابراین، اگر بخواهیم به کسانی که در سفرهای زیارتی، حجابشان را به‌طور کامل رعایت نمی‌کنند، تذکر دهیم، باید به این مطلب توجه داشته باشیم که بیشتر کسانی که حجابشان کامل نیست، نمی‌خواهند کسی را گمراه کنند یا به گناه بیندازند؛ به‌ویژه بانوانی که به سفر زیارتی می‌روند، هرگز نیت بدی ندارند. همچنین این گونه زنان، اغلب از پیامدهای مخرب و بد رعایت نکردن حجاب در اماکن مقدس ناآگاهند. اگر آنان از

ص: ۱۵۲

پیامدهای منفی رعایت نکردن حجاب آگاهی یابند، هرگز به خود اجازه نمی‌دهند ظاهر بدحجابی داشته باشند. بنابراین، بهترین روش برای تشویق بانوان به حجاب کامل در این مواقع، آشنا کردن آنان با آثار سوء بدحجابی بر افراد است. این آثار منفی از یک سو افراد ناآگاه و ضعیف را به معنویت و ایمان بدبین و تصویری را که آنان از زنی مؤمن و زائر در ذهن خود دارند، تخریب می‌کند و از دیگر سو آنان را برای آسیب‌ها و بداخلاقی‌های اجتماعی آماده می‌سازد. در شهر مدینه به مغازه پارچه‌فروشی رفتم که فروشنده جوانی داشت. ناگهان خانم جوان ایرانی که چادر بر سر نداشت و حجابش نیز کامل نبود از جلوی مغازه گذشت. آن جوان نگاهی شیطانی به آن خانم جوان کرد و خطاب به او سخنانی بی‌ادبانه گفت. من به جوان اعتراض کردم، ولی چرا باید زنی با شخصیت و زائر این گونه مورد اهانت جوانی هرزه قرار گیرد. آیا کسی غیر از خود این زن مقصر است؟!

رعایت حجاب هنگام استقبال از زوار در فرودگاه ایران

از موارد مهم، ولی به ظاهر فرعی و جزئی که ممکن است کمتر کسی به آن توجه کند، رعایت حجاب در نخستین برخورد زائران با استقبال کنندگان است. گاهی دیده می‌شود برخی بانوان زائر، غافل از اینکه از چه سفر پربار معنوی در حال بازگشت هستند، تنها به این نکته فکر می‌کنند که در نخستین برخورد با استقبال کنندگان، از چهره و تیپ

ص: ۱۵۳

جذابی برخوردار باشند. به همین دلیل متأسفانه، آرایش می‌کنند و از پوششی با رنگ‌های روشن و زیبا استفاده می‌کنند. اگرچه آنها قصد بدی ندارند، ولی اسلام، هرگز نفس این کار را تأیید نمی‌کند و این رفتار در شأن یک زن مسلمان نیست؛ به‌ویژه اگر زائر خانه خدا یا دیگر اماکن زیارتی بوده باشد.

گفتنی است برخی آقایان نیز رفتاری مشابه دارند و دیده می‌شود برخی از آنها هنگام بازگشت از زیارت، صورت خود را از ته می‌تراشند و حتی لباس‌های نامناسب می‌پوشند و با چهره‌ای که شبیه یک زائر بازگشته از مکه و مدینه یا عتبات عراق نیست، ظاهر می‌شوند. البته این موارد بسیار نادر است، ولی وجود یک یا دو نفر در کاروان نیز می‌تواند چهره زیبای کاروان زیارتی را زشت کند و مانعی برای رساندن پیام زیارت به استقبال‌کنندگان باشد.

بنابراین، یکی از مواردی که روحانیان کاروان‌ها باید درباره آن به زائران تذکر دهند، همین مورد است. زائر باید به آثار بدی که ممکن است نوع پوشش بر اطرافیان بگذارد، توجه کند.

اغلب، وقتی زائران از سفر باز می‌گردند، جمعیت بسیاری به استقبال آنها می‌آیند. بسیاری از استقبال‌کنندگان به این نیت می‌آیند که خداوند، این زیارت را در آینده نصیب آنها کند. از این رو استقبال‌کنندگان، به‌طور طبیعی، از خانم یا آقای زائر انتظار دارند، رنگ و بوی زیارت را که همان رنگ و بوی اسلام است، از رفتار و ظاهر آنان استشمام کنند؛ هرچند خود به آن خیلی پایبند نباشد.

ص: ۱۵۴

گاه حتی ممکن است فردی که به استقبال زائر می‌آید، خود حجاب درستی نداشته باشد، ولی پیش از اینکه زائر را ببیند، در فکر و ذهنش او را با حجابی کامل تصور می‌کند؛ هر چند قبلاً زائر خیلی به حجاب پایبند نبوده باشد. حال اگر با این تصور زیبا، زائر را در پوششی غیر اسلامی ببیند، تمام تصوراتش خراب می‌شود و با خود می‌گوید، زیارت و اماکن زیارتی با جاهای دیگر تفاوت چندانی ندارد و این سفرها فقط یک سفر سیاحتی و گردشگری بوده است. آن‌گاه هر چه زائر از معنویات سفر و حالات خوشی که نصیبش شده، تعریف کند، دیگر برایش جذابیت ندارد؛ زیرا با خود می‌گوید، اگر این حرف‌ها درست است، پس چرا روی خودش اثر نکرده است. شاید هم با شنیدن این تعریف‌ها از زائر، کمی گیج شود و اصل ماجرا برایش روشن نشود.

بنابراین، زائر محترم خانه خدا یا کسی که خدا پس از مدت‌ها انتظار، توفیق پای‌بوسی حرم‌های نورانی ائمه هدی و رسول خدا و فاطمه زهرا (علیهم السلام) را نصیب او کرده است، باید این توفیق و فرصت را غنیمت شمارد و در این چند روز خود را حفظ کند و بر اعمال و احساسات خود مسلط باشد. همچنین بکوشد تا پایان سفر، زائر بماند؛ چرا که هر چه بیشتر این حالت معنوی را در خود حفظ کند، سود بیشتری کرده است. همچنین زائر نباید از یاد ببرد که شیطان، همواره در کمین اوست تا این گوهر گران‌بهایی که با زیارت نصیب او شده، از دستش برآید.

آیا عجیب نیست که یک بانوی محترم برای خوشایند دیگران، آرایش می‌کند و از پوشش اسلامی فاصله می‌گیرد، ولی ثواب زیارت خود را از

ص: ۱۵۵

دست می‌دهد؟ از این رو بزرگان گفته‌اند: نگه داشتن یک شیء با ارزش، سخت‌تر از به دست آوردن آن است.

حجاب پس از بازگشت از سفر

یکی از موارد مهمی که لازم است روحانیون محترم کاروان، به زائران تذکر دهند، رعایت حجاب در دید و بازدیدها پس از بازگشت است. رسم بر این است که پس از بازگشت زائر، اقوام، دوستان و همسایگان به دیدار او می‌آیند و برای قبولی زیارتش دعا می‌کنند. این دیدارها و ملاقات‌ها، از آداب دینی است که به آن سفارش بسیاری شده و حتی در برخی روایات آمده است: «تا نور حج بر چهره حاجی باقی است، به زیارتش بروید» (۱). انتظار می‌رود در این دیدارها، زائر با ظاهری اسلامی میان دیدارکنندگان حاضر شود. حتی مهمانی‌ها و پذیرایی‌ها و هدیه‌ها و سوغاتی‌ها نیز باید همگی رنگ دینی داشته باشد. زائران محترم، به‌ویژه خانم‌های زائر، نباید فراموش کنند که آنها نماینده‌ای از طرف صاحب زیارت و حرم به سوی مردم هستند. بنابراین نباید رفتار و عملشان با صاحب زیارت مغایر باشد. امامان معصوم (علیهم السلام) می‌فرمایند: « مَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ » (۲)؛ «کسی که رسول خدا را زیارت کند گویا خدا را بالای عرش زیارت کرده است».

این سخن، وظیفه زائر را سنگین می‌کند؛ زیرا بر او واجب می‌کند که

۱- کافی، ج ۴، ص ۲۵۵.

۲- کافی، ج ۹، ص ۳۳۹.

ص: ۱۵۶

به گونه‌ای سخن گوید و ظاهر و پوشش و حجابش به گونه‌ای باشد که حامل پیام صاحب حرم باشد. آیا ممکن است زائر حضرت فاطمه (علیها السلام)، حجابش به آن حضرت شبیه نباشد؟! آیا زیباست زائری به جای سخن گفتن از لذت‌های معنوی و زیبایی‌های عبادت حرم، از بازار قیمت اجناس و مظاهر مادی سفر سخن بگوید؟! بنابراین زائر نباید فراموش کند، با رفتن به زیارت، توفیق نمایندگی از سوی صاحب حرم نصیب شده است و باید وظیفه نمایندگی را به بهترین شکل انجام دهد.

۵- مخالفت با بدحجابی، نه با بدحجاب

اشاره

آن که می‌خواهد با فرهنگ و تفکری نادرست مبارزه کند و به جای آن، تفکری صحیح را حاکم کند که در اصطلاح، به آن امر به معروف و نهی از منکر می‌گویند، باید به این نکته توجه داشته باشد که نوک پیکان حمله خود را روی عمل منکر یا تفکر منکر قرار دهد، نه روی فردی که به آن مبتلا شده است. در روایتی از امام معصوم (علیه السلام) می‌خوانیم:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْعَبْدَ وَيُبْغِضُ عَمَلَهُ (۱)

همانا خداوند، بنده [گناه‌کارش] را دوست دارد، ولی با عمل و کار [بدش] دشمن است.

این روایت، به این اصل تربیتی اشاره دارد که باید با عمل منکر، مبارزه و دشمنی کرد، نه با فردی که به آن مبتلا شده است. حتی گاهی باید با فرد

۱- بحارالانوار، ج ۲۹، ص ۶۰۰.

ص: ۱۵۷

گنه کار، با دوستی و محبت رفتار کرد تا او را از عمل بدش جدا ساخت؛ درست مانند فرد بیماری که پزشک با بیماری او مبارزه می‌کند، ولی با خود او با ملاحظت برخورد می‌کند.

درباره مبارزه با بدحجابی نیز همین گونه است. اگر بخواهیم به خانمی که حجاب و آموزه‌های اسلامی را رعایت نمی‌کند یا به مردی که به پوشش همسر و دخترش توجهی ندارد، امر به معروف و نهی از منکر کنیم، باید از روش‌های محبت‌آمیز استفاده کنیم. با بداخلاقی و ترش‌رویی، نه تنها کاری از پیش نمی‌رود، بلکه بدتر می‌شود. بسیار دیده شده است که افراد با ایمان، وقتی با زنی که وضع پوششی مناسبی ندارد، برخورد می‌کنند، از کوره در می‌روند و عصبانی می‌شوند و حرف‌های ناشایستی به او می‌زنند. آنها در رویارویی با این گونه زنان، یا شروع به ناسزاگویی و داد و فریاد می‌کنند یا با تنیدی به او می‌گویند که کارش اشتباه است و باید خود را تغییر دهد. درحالی که نخستین قدم در مبارزه با بدحجابی، این است که حساب فرد را از عملش جدا کنیم و برخورد ما با فرد، از برخورد با عملش متفاوت باشد. در حقیقت، باید به فرد بفهمانیم که آنقدر بزرگوار است که این رفتار یا پوشش نامناسب، هرگز مناسب‌شأن و بزرگواری او نیست. همچنین اگر تذکر دوستانه ما را نپذیرفت، هرگز او را سرزنش نکنیم، بلکه او را مانند شخص بیماری بدانیم که از خوردن داروی تلخ خودداری می‌کند. یک پرستار یا پزشک مهربان، نخست می‌کوشد بیمارش را قانع کند تا از دارو بخورد. ولی اگر قانع نشد، یا از مقدار دارو کم می‌کند یا ماده شیرینی به داروی تلخ

ص: ۱۵۸

اضافه می‌کند. در مبارزه با منکری مانند بدحجابی نیز باید همین روش را به کار برد.

گفتنی است اغلب، برخوردها و شیوه‌تذکر دادن آمران به معروف به خانم‌های بدحجاب، در گذشته خشن و تند بوده است و این افراد، ذهنیت خوبی به تذکر دیگران ندارند. از این رو گاه حساسیت آنها به تذکر دیگر افراد دوچندان می‌شود و در مقابل آن موضع‌گیری تندی دارند.

بنابراین، هنگام برخورد اصلاح‌گرا با افراد بدحجاب، باید به دو نکته توجه داشت: نخست اینکه به شخصیت فرد احترام بگذاریم و هرگز با او با کینه و دشمنی سخن نگوییم. بلکه فقط عمل او، یعنی بدحجابی را نقد کنیم. در حقیقت، عملش را به گونه‌ای به او نشان دهیم و زشتی آن را برایش توضیح دهیم که خودش از آن متنفر شود. دوم اینکه احتمال برخورد نامناسب و توهین‌آمیز را از طرف مقابل داشته باشیم؛ زیرا همان‌گونه که گفتیم، او مانند فرد بیماری است که به این عادت بد مبتلا شده است و به احتمال زیاد، در مقابل داروی تجویز شده ما مقاومت خواهد کرد.

این نکته را نیز نباید فراموش کرد که اغلب، تذکر برای همه افراد حتی خود ما تلخ است و فرد باید چنان خودساخته باشد که تذکر دیگران را بپذیرد. هر چه ما در تذکر و برخورد اولیه خود، نرم‌تر، حساب شده‌تر و محترمانه‌تر عمل کنیم، مقاومت طرف مقابل کمتر و پذیرش او بیشتر خواهد بود.

شاید بتوان با چند مثال، مطلب را روشن‌تر بیان کرد. جمله‌ها و

ص: ۱۵۹

کلمه‌هایی که برای تذکر دادن به افرادی که پوشش مناسب ندارند، انتخاب می‌کنیم، می‌تواند مانند این جمله‌ها باشد: «به من اجازه می‌دهید، مطلبی را به شما بگویم؟» اگر جوابشان مثبت بود، در ادامه می‌گویید: «اگر حجابتان را کامل‌تر کنید، بهتر است؛ زیرا نگاه‌های توهین‌آمیز بعضی به شما کمتر خواهد شد».

یا بگویید: «اگر حرفی به شما بگویم، ناراحت نمی‌شوید؟» اگر گفتند نه، همان جمله گذشته یا چیزی شبیه آن را بگویید. اگر در این دو جمله دقت کنید، می‌بینید که با اجازه گرفتن از طرف مقابل، به او تذکر داده‌اید. همچنین تذکر شما همراه با احترام و ادب بوده است. بنابراین اگر طرف مقابل نیز تذکر شما را نپذیرد، برخوردی توهین‌آمیز با شما نخواهد کرد.

جمله دیگری که می‌توان در تذکر به حجاب به کار برد این است که بگویید: «مرا ببخشید، مطلبی در ذهن بنده است که می‌ترسم اگر نگویم، برای بی‌توجهی‌ام، خداوند مرا مؤاخذه و مجازات کند. اجازه دارم آن را بگویم؟» اگر طرف مقابل اجازه داد، ادامه دهید: «شما حجابتان کامل نیست. از دیدگاه اسلام بر زنان واجب است تمام زیبایی‌هایشان را در مقابل نامحرم بپوشانند». یا بگویید: «یکی از وظایف مهم زنان مسلمان، رعایت حجاب کامل است. اسلام بر زنان واجب کرده که در مقابل نامحرم، حتی یک تار موی‌شان نیز آشکار نباشد و از هیچ نوع آرایشی استفاده نکنند». این نکته را نیز به یاد داشته باشید که اگر زنی همراه شوهرش بود، حتماً این جمله‌ها را به شوهرش بگویید و در حضور او هرگز به خانم تذکر ندهید.

داستانی از تذکر دادن به رعایت حجاب

یکی از دوستان می گفت فرزندم بیمار شده بود. او را برای معاینه نزد پزشک بردم. در سالن انتظار، جمعیت بسیاری منتظر نشسته بودند. چون جای نشستن نبود، در گوشه‌ای ایستادم تا نوبتم فرا رسد. ناگهان چشمم به خانم منشی افتاد که به شکل محسوسی صورتش را آرایش کرده بود و احتمالاً به همین دلیل دور تا دور میزش را مردان جوان گرفته بودند.

با خود فکر کردم، چه باید بکنم؟ آیا از کنارش بی توجه بگذرم؟ در این صورت جواب خدا را چه بدهم؟ یا به او تذکر دهم، ولی چگونه باید این کار را بکنم؟ ممکن است برخورد خوبی با من نداشته باشد. ناگهان فکری به ذهنم رسید. یک برگه کوچک کاغذ برداشتم و روی آن نوشتم: «خانم محترم! مرا ببخشید که به شما تذکر می دهم. آرایش کردن شما میان مردان نامحرم صحیح نیست. شاید بگویید به من مربوط نیست و نباید در امور شخصی شما دخالت کنم، ولی من مجبور شدم این کار را بکنم. چون اگر نگویم، خداوند مرا مؤاخذه خواهد کرد. من در واقع به خاطر نجات خودم به شما تذکر می دهم».

نامه را نوشتم و پس از آنکه پزشک فرزندم را معاینه کرد، هنگام خروج از سالن انتظار، کاغذ را روی میز منشی گذاشتم و به ایشان گفتم: «این مال شماست». سپس از آنجا خارج شدم. هفته بعد به دلیل آزمایشی که پزشک داده بود، دوباره به آن مطب رفتم. نگاهم به منشی افتاد، صورتش عادی بود و از آرایش‌های گذشته خبری نبود. خدا را شکر کردم که توانستم با این روش ساده، مسلمانی را از گناه باز دارم.

ص: ۱۶۱

بنابراین، وقتی می‌خواهیم با بدحجابی مبارزه کنیم، نه با بدحجاب، باید به گونه‌ای برخورد کنیم که طرف مقابل، از یک سو نسبت به زشتی رفتارش متنبه و از آن متنفر شود و از دیگر سو به طرف ما متمایل شود و شیفته اخلاق و رفتار ما به عنوان یک مسلمان و از همه مهم‌تر نوع تفکر و عقیده ما گردد. بر این اساس، باید در تک‌تک کلمات و جملاتی که برای تذکر دادن به کار می‌بریم، دقت کنیم. چه بسا لازم است پیش از تذکر دادن، خوب فکر کنیم و عبارت زیبا و مؤدبانه و جذابی را برای این تذکر انتخاب کنیم تا درجه پذیرش فرد بیشتر شود.

تذکری زیبا

یکی از دوستان می‌گفت در ماه رمضان، در یکی از میادین شهر، مرد مسافری را دیدم که مشغول خوردن چیزی بود. تصمیم گرفتم به او تذکر بدهم که حرمت ماه رمضان را نگه دارد و دور از انظار مردم غذا بخورد. ولی از طرفی هم نمی‌خواستم از تذکر من رنجیده‌خاطر شود. ناگهان فکری به خاطرم رسید. جلو رفتم و پس از سلام و احوال‌پرسی به او گفتم: «من می‌دانم که در این شهر به خاطر ماه رمضان، همه رستوران‌ها در طول روز بسته است و به شما مسافران خیلی سخت می‌گذرد. اگر موافق باشید، من شما را دعوت می‌کنم به منزل ما بیایید تا برای نهار در خدمتتان باشم». آن مرد که اصلاً انتظار چنین برخوردی را از من نداشت، به من رو کرد و گفت: «اگر طور دیگری تذکر می‌دادید، حتماً ناراحت می‌شدم، اما شما آن قدر خوب و زیبا مرا متوجه کار اشتباهم کردید که

ص: ۱۶۲

جای هیچ گله و شکایتی باقی نماند» .

راه‌کارهایی که به نظر می‌رسید برای روحانیان بزرگوار و زائران محترم در ایجاد فرهنگ حجاب مفید باشد، مطرح شد. در پایان، گفتنی است مبارزه با بدحجابی و تلاش برای تبیین و نهادینه کردن فرهنگ عفاف و حجاب در جامعه، با تلاش یک یا چند نفر یا نوشتن چند کتاب یا برگزاری چند سمینار و نشست علمی امکان‌پذیر نیست. لازم است همه نیروها دست به دست هم دهند و با کار مستمر و همه‌جانبه، برای تحقق این هدف مقدس بکوشند.

به این نکته نیز باید توجه کنیم که ما مأمور به انجام وظیفه‌ایم و کاری با نتیجه آن نداریم. مهم آن است که ما کار و وظیفه خود را درست انجام دهیم. اینکه آیا به ریشه‌کن کردن بدحجابی موفق می‌شویم یا شیاطین در جذب افراد به طرف بدحجابی موفق‌تر از ما خواهند بود، در اصل کار ما خللی وارد نمی‌کند. البته شکی نیست که اگر کار درست انجام داده شود، نتیجه‌بخش خواهد بود. در گفتار دوم، راه‌کارهایی را برای صیانت از فرهنگ حجاب در کاروان‌های زیارتی و جلوگیری از شیوع رفتارهای ضد فرهنگی در میان زوار، به مسئولان حج و زیارت و روحانیون کاروان پیشنهاد می‌کنیم.

گفتار دوم: راه‌کارهای پیشنهادی به مسئولان حج و زیارت

اشاره

یکی از دغدغه‌های مسئولان حج و زیارت که نماینده محترم مقام معظم رهبری در حج و زیارت نیز به آن اهتمام ویژه دارد، موضوع پوشش بانوان زائر در سفرهای زیارتی، به‌ویژه زائران حج و عمره است.

ص: ۱۶۳

از آنجا که این زائران، هر یک نماینده جمهوری اسلامی ایران در این کشورها هستند، حجاب و پوشش آنها نقش مهمی در معرفی ایران اسلامی و مذهب علوی و فاطمی به دیگر ملت‌ها دارد.

لباس هر قوم و ملت، نشان‌دهنده فرهنگ آنان است. بسیاری از ملیت‌های گوناگون که در مکه و مدینه یا دیگر اماکن مقدس حضور پیدا می‌کنند، جز تبلیغات سوء، ناقص و غیر حقیقی، اطلاعات دیگری درباره ایران ندارند. آنها فقط شنیده‌اند که در ایران، انقلاب شده و حکومت اسلامی، بر اساس مذهب تشیع و مکتب اهل البیت (علیهم السلام) به وجود آمده است. از این رو وقتی برای اولین بار با زائر ایرانی برخورد می‌کنند، رفتار، عبادت و حجاب زنان و مردان ایرانی را ملاک شناخت خود از ایران و مذهب تشیع قرار می‌دهند. از این رو همه توجه می‌کنند که زائر ایرانی با چه ظاهر و چه رفتاری به زیارت این مشاهد مشرفه آمده است.

بنابراین یک بانوی مسلمان ایرانی باید بداند که حجاب و پوشش برای او، فقط رفتاری عبادی و شخصی نیست که اگر رعایت نکند، خود نگاه کرده است و عذاب آن را خواهد دید، بلکه یک زن مسلمان ایرانی، نماینده مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در میان دیگر زائران است؛ زائرانی که بیشتر آنها اهل سنت هستند و حتی برخی سران آنها منتظرند تا رفتارهای نادرست ایرانی‌ها را به مکتب تشیع و اهل بیت (علیهم السلام) نسبت دهند. از این رو همه زائران ایرانی به‌ویژه مسئولان، وظیفه‌ای مهم در این باره بر عهده دارند و باید بیشتر بکوشند. آنچه در بخش دوم به عنوان راه کارهایی برای مسئولان حج و زیارت بیان می‌شود، چند پیشنهاد است که عبارت‌اند از:

۱. فرهنگ‌سازی برای حجاب کامل

سفرهای زیارتی، بهترین فرصت برای ایجاد فرهنگ حجاب کامل، یعنی چادر میان بانوان است. بی‌شک، خانمی که پول و وقت خود را برای چنین سفرهایی هزینه و دوری از خانواده و فرزندان خود را تحمل می‌کند، درونش تحولاتی به وجود آمده است. مسئولان فرهنگی حج و زیارت، باید این فرصت استثنایی و این تحول ارزشمند را غنیمت بشمارند و از آن کمال استفاده را ببرند. از کارهای تربیتی خوبی که می‌توان در این چند روز انجام داد، این است که انگیزه استفاده از چادر را میان زنان زائر افزایش دهیم. این کار سبب می‌شود هم زنانی که از چادر استفاده می‌کنند، احساس خوبی پیدا کنند و هم زنانی که چادری نیستند، به پوشیدن چادر تشویق شوند. به این نکته نیز باید توجه داشت که از حجاب به صورت مانتو، نه تبلیغ کنیم و نه دفاع؛ زیرا در امر حجاب باید به حدی جدیت نشان داد که در حد لازم رعایت شود. امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در فرمایشی به فرزندش امام حسن (علیه السلام) می‌فرماید.

وَ اكْفُفْ عَلَيْهِنَّ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ بِحِجَابِكَ اَيُّهُنَّ فَاِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ اَبْقَى عَلَيْهِنَّ. (۱)

زنان را در پرده حجاب نگاه دار تا نامحرمان را ننگرند؛ زیرا سخت‌گیری در حجاب، عامل سلامت و استواری آنان است. حضرت در ادامه مواردی از سخت‌گیری و جدیت در امر حجاب را

ص: ۱۶۵

بیان می‌فرماید که نشانه اهمیت این موضوع از دیدگاه ایشان است.

برای اینکه چادر در میان بانوان زائر فرهنگ‌سازی شود، روحانیان محترم کاروان‌ها نقش بسیار مؤثری دارند. آنها می‌توانند جلسه‌هایی با دو گروه از زائران برگزار کنند: اول با خانم‌هایی که به رعایت حجاب و ایجاد فرهنگ حجاب اهمیت بسیاری می‌دهند و توان‌مندی مشارکت در این طرح را دارند. این افراد می‌توانند با راهنمایی روحانی کاروان و با روشی جذاب و شیرین، خود را به سوژه‌های مورد نظر نزدیک کنند و به تدریج و در طول سفر، آنها را به طرف حجاب کامل راهنمایی کنند.

گروه دومی که باید با آنها جلسه برگزار شود، خانواده‌هایی هستند که از نظر فرهنگی از حجاب دور بوده‌اند. این جلسه بسیار حساس خواهد بود و باید غیر مستقیم و در پوششی غیر از موضوع حجاب باشد. در این نشست‌ها که به ظاهر محور اصلی آن آموزه‌ها و معارف زیارت است، باید با اشاره به فرصت کوتاه سفر و تأکید بر استفاده کامل بردن از آن، در یک فرصت مناسب، به حفظ ظاهر در کنار حفظ باطن نیز اشاره‌ای شود. همچنین باید به آنها گوشزد کرد که آبروی ایران و ایرانی را نزد وهابیانی که به ما شیعیان نسبت بی‌دینی می‌دهند، و خود را پیرو واقعی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌دانند، حفظ کنند. بی‌شک، این جلسه‌ها بی‌تأثیر نخواهد بود.

پیشنهاد دیگر به روحانیان کاروان این است که در خلال جلسه‌های عمومی کاروان، به بیان احکام و مسائل حجاب نیز پردازند و آن را در قالب چند مسئله شرعی بیان کنند. این کار نه تنها تذکر دادن غیر مستقیم

ص: ۱۶۶

به حجاب است، بلکه مسائل و احکام حجاب را نیز برای افراد بازگو می‌کند؛ زیرا بسیاری از افراد ممکن است از حدود حجاب اطلاع کافی نداشته باشند؛ برای مثال، افراد بسیاری فکر می‌کنند آرایش کردن ملایم صورت یا بیرون گذاشتن کمی از موی سر، یا نپوشاندن پا با جوراب یا استفاده از لباس‌های تنگ و نازک، مانعی برای حجاب ایجاد نمی‌کند. از این رو با اینکه چادری هستند و به مسائل دینی توجه دارند، ولی این موارد را رعایت نمی‌کنند. بنابراین لازم است روحانیان مسائل و احکام جزئی حجاب را برای مردم تبیین کنند، همان‌گونه که مسائل نماز و حج و عمره و جزئیات آن را بیان می‌کنند.

۲. تقدس بخشی به چادر

اشاره

از دیگر راه کارهای فرهنگ‌سازی حجاب کامل، تقدس بخشیدن به چادر است. چادر، سمبل عفت و حیای زن است. از این رو لباس مقدسی به شمار می‌رود. مسئولان باید حجاب زنان را به سوی پوشش چادر سوق دهند و دیگر پوشش‌ها را مقدمه‌ای برای رسیدن به چادر بدانند. این سیاست، در سفرهای زیارتی، بهتر عملی می‌شود؛ زیرا فضای معنوی زیارت، آمادگی پذیرش این فرهنگ را برای زائر فراهم می‌کند.

در زمینه فرهنگ‌سازی حجاب با چادر، به‌ویژه تقدس بخشی به چادر، افزون بر آنچه گفته شد، دو کار دیگر می‌توان انجام داد. اول اینکه فرهنگ چادر را که فرهنگ کامل دینی - اسلامی و نیز فرهنگ اصیل ایرانی است، با توضیح و تبیین خاستگاه قرآنی آن، در جامعه و در

ص: ۱۶۷

محیطهای زنانه، مثل مدارس و دانشگاه‌ها گسترش دهیم. خداوند در قرآن، درباره نوع پوشش حجاب، دو آیه اصلی دارد. در آیه اول که درباره آشنایی باحجاب است، می‌فرماید: *وَلْيَضْرِبَنَّ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ*؛ «مقنعه‌های خود را بر سینه خود افکنند و زینت خود را آشکار ن سازند». (نور: ۳۱)

این آیه، دو مطلب را توضیح می‌دهد:

۱. از خمار که همان مقنعه بلند است و سر و تمام سینه و گردن را می‌پوشاند، برای حجاب استفاده کنیم.

۲. تمام زینت‌ها و زیبایی‌های بدن و نیز قسمت‌های تحریک‌کننده بدن را بپوشانیم. در این آیه صحبتی از چادر نمی‌شود؛ زیرا خداوند برای نخستین بار می‌خواهد زنان را با فریضه حجاب آشنا سازد. از این رو نمی‌توان بر زنان سخت گرفت تا دل‌هایشان آمادگی پذیرش حجاب را پیدا کند.

خداوند در آیه دوم که مرحله تکمیلی حجاب است، چنین می‌فرماید:

قُلْ لِّلرِّجَالِكُمْ مِثْلُ مِثْلِ مَا عَلَيْكُم مِّنَ الْحُجُبِ الَّتِي كُنْتُمْ عَلَيْهِنَّ ذَلِكُمْ اَذْنٰى اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ (احزاب: ۵۹)

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلاب‌های (چادرهای بلند) خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است.

خداوند در این آیه به سه نکته مهم اشاره می‌کند:

ص: ۱۶۸

۱. در این آیه از پوششی به نام جلباب سخن می‌گوید که بلندتر از مقنعه است و تا زانو می‌رسد و به عقیده برخی مفسران تا روی پا را می‌گیرد. البته از نوع پوشش حضرت زهرا (علیها السلام) معلوم می‌شود که جلباب، تمام بدن را می‌پوشاند و همان چادر امروزی است. (۱)

۲. این آیه خطاب به زنان و دختران پیامبر و زنان مؤمن است. منظور این است که خداوند حجاب چادر را برای با شخصیت‌ترین زنان جامعه لازم کرده است. در حقیقت، چادر هدیه‌ای از طرف خداوند به زنان فرهیخته و با عقل و شعور است تا با پوشیدن آن، ارزش‌های معنوی و شخصیتی خود را حفظ کنند.

۳. در این آیه پوشیدن چادر را سبب امنیت زن در برابر دست‌درازی‌ها و اهانت‌های دیگران به حریم او می‌داند و دلیل جالبی بیان می‌کند و آن این است که پوشش چادر، سبب می‌شود تا همه افراد به ارزش حقیقی و انسانی این زن پی ببرند و در نتیجه، او را مورد سوء استفاده و آزار قرار ندهند.

از مجموع این مطالب، می‌توان به این حقیقت رسید که پوشش چادر، پوششی عادی نیست که کسی از سر عادت از آن استفاده کند. بلکه لباس مقدسی است که باید حرمت آن نگه داشته شود. به این ترتیب، به کار دومی می‌رسیم که برای فرهنگ‌سازی حجاب برتر باید انجام دهیم و آن این است که زنان محترمی که توفیق استفاده از چادر را دارند، باید

ص: ۱۶۹

حرمت و ارزش آن را بشناسند و نگه دارند.

اگر بخواهیم این مطلب را دقیق‌تر توضیح دهیم، بهتر است مثالی بزنیم. پوشش چادر را می‌توان به لباس روحانیت تشبیه کرد. یک طلبه وقتی لباس مقدس روحانیت می‌پوشد، مردم او را حجت‌الاسلام، یعنی نماینده اسلام و راهنمای مسلمانان می‌دانند و به او احترام می‌گذارند. بنابراین خودش نیز باید حرمت این لباس را حفظ کند؛ زیرا اگر یک روحانی حرمت لباس خود را حفظ نکند، فقط تقدس خود روحانی از بین نخواهد رفت، بلکه تقدس این لباس نیز از بین می‌رود. پوشش چادر نیز همین‌طور است. البته شاید به دلیل کثرت استفاده از چادر، روی این پوشش به اندازه لباس روحانیت حساسیت نباشد. ولی بی‌شک، مردم توقع دارند یک زن چادری، بیش از دیگران خوش اخلاق باشد، عدالت داشته باشد و به حلال و حرام الهی توجه کند.

ارزش چادر از دیدگاه آیت الله صافی

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی، با اشاره به اهمیت چادر برای زنان می‌فرماید:

در بعضی دیدارها، برخی بانوان درخواست دارند تا عبای مرا ببوسند. من به آنها می‌گویم: «چادر شما از عبای من مقدس‌تر است. زن مسلمان باید بداند که چادری که بر سر دارد، نوعی امر به معروف است و ارزشش بسیار بیشتر از عبای علماست» (۱).

۱- عفاف سرچشمه زیبایی، عبدالکریم پاک‌نیا، ص ۸۳.

ص: ۱۷۰

با توجه به آنچه گفته شد، وظیفه زنان چادری بسیار سنگین است و اگر به این وظیفه عمل کنند، بی‌شک، ثواب بسیاری نصیبشان می‌شود و اگر به وظیفه خویش عمل نکنند، گناهانشان چند برابر گناه دیگران خواهد بود؛ زیرا رفتار آنها موجب بدبینی مردم به حجاب و زنان چادری خواهد شد.

گفتنی است در کاروان‌های زیارتی، باید اصل حجاب را بر چادر گذاشت و غیر چادر را به سادگی نپذیرفت. هیچ‌یک از بزرگان و علما و مراجع اجازه نداده و نمی‌دهند که خانواده و اطرافیانشان از حجابی غیر از چادر استفاده کنند. پس ما نیز باید فقط چادر را تبلیغ و بر استفاده از آن تأکید کنیم و در سمینارها و برنامه‌های فرهنگی، استفاده از چادر را تبلیغ کنیم. از دیگر سو زنان چادری در کاروان‌های زیارتی، وظیفه سنگینی در حفظ فرهنگ حجاب دارند. رفتار آنها باید به گونه‌ای باشد که زنان دیگر شیفته اخلاق آنها شوند و نوع پوشش و حجاب آنها را الگوی خود قرار دهند. متأسفانه در این سال‌ها دشمنان، نقشه‌هایی علیه چادر پیش گرفته‌اند تا تقدس آن را از بین ببرند و زنان و دختران مسلمان را به استفاده از چادر بی‌علاقه کنند. هدف مخالفان حجاب این است که قشر جوان و تحصیل‌کرده را از چادر متنفر کنند که متأسفانه تا حدودی نیز در رسیدن به هدف خود، موفق بوده‌اند. این در حالی است که بنابر تأکید صریح قرآن در سوره احزاب، خداوند به زنان شریف و با شخصیت دستور استفاده از حجاب با چادر را می‌دهد. خداوند در آیه ۳۳ سوره احزاب به همسران پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «شما باید در حفظ خود از

ص: ۱۷۱

نامحرم، بیش از دیگران تلاش کنید؛ چنان که حتی صدای شما نیز موجب تحریک آنها نشود؛ یعنی سفارش شده است افزون بر پوشش بدن، مواظب صدای خود نیز باشند. قرآن پس از اینکه جلباب یا چادر را حجاب برتر معرفی می‌کند، تحلیل جالبی دارد و به زنان پیامبر می‌گوید ارزش و شخصیت آنها به این دلیل که همسر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هستند و مانند زنان عادی نیستند از جایگاه بسیار برتری از نظر اجتماعی برخوردارند. بنابراین برای اینکه این جایگاه حفظ شود، باید بیشتر از دیگران به حجاب خود پایبند باشند.

خداوند در این آیه با صدای رسا به همه مردم، به‌ویژه زنان تأکید می‌کند که حجاب برتر، نشانه شخصیت و جایگاه اجتماعی برتر زن است.

امروزه با توجه به اطلاع‌رسانی مناسب صدا و سیما و دیگر مراکز فرهنگی درباره پیامدهای حجاب و نیز وجود کتاب‌های مفیدی در این زمینه، انتظار می‌رود بانوان باحجاب و پوشش کامل ظاهر شوند و اجازه ندهند هیچ بانوی مسلمانی تحت تأثیر فرهنگ غرب قرار گیرد و به پوشش اسلامی خود بی‌توجه باشد. نباید فراموش کرد دلیل رواج فرهنگ بدحجابی در میان برخی زنان تحصیل کرده و دانشگاهی ناآشنا بودن این قشر مهم با فرهنگ متعالی حجاب است؛ چرا که انتظار می‌رود هر چه سطح تحصیلات و شغل و موقعیت اجتماعی یک زن بالاتر می‌رود، میزان توجه او به حجاب بیشتر شود.

این نکات مهم باید در کاروان‌های زیارتی فرهنگ‌سازی شود؛

ص: ۱۷۲

به گونه‌ای که وقتی زنان ما از زیارت بازمی‌گردند، خود مبلغ و گسترش دهنده فرهنگ حجاب در جامعه باشند. بنابراین، تبلیغ از چادر به عنوان حجاب برتر قرآنی، از راه کارهای گسترش حجاب است که باید در این مدت کوتاه زیارت، آن را فرهنگ‌سازی کرد.

۳. برگزاری کارگاه علمی برای حجاب

منظور از کارگاه حجاب این است که از کارشناسی دعوت کنیم تا درباره موضوع‌های مختلفی که به حجاب و راه‌های گسترش حجاب مربوط می‌شود، صحبت کند و افراد شرکت‌کننده را نیز در بحث شرکت دهد. موضوعات پیشنهادی برای برگزاری کارگاه عبارت است از: آثار مثبت حجاب برای زن و اجتماع، آثار منفی بدحجابی برای زن و اجتماع، روش‌های تذکر دادن به افرادی که پوشش نامناسب دارند، رابطه حجاب و پوشش ظاهری با عفت درونی، ارتباط حجاب و پوشش با دیگر رفتارهای دینی، راه‌های تغییر نگرش‌های منفی به حجاب، تأثیر حجاب زنان زائر ایرانی بر دیگر ملت‌های مسلمان، آثار رعایت نکردن حجاب در اماکن زیارتی بر فرد و اجتماع و ده‌ها موضوع متنوع دیگر.

اگر در این کارگاه‌ها بتوان موضوع‌های مربوط به حجاب را به صورت عینی و ملموس به زائران نشان داد، بی‌شک، تأثیر شگرفی در فرهنگ‌سازی حجاب، به‌ویژه در رعایت کامل حجاب از سوی زائران محترم، خواهد داشت.

۴. برگزاری جلسه‌های پرسش و پاسخ

از دیگر راه کارهای فرهنگ‌سازی حجاب، برگزاری جلسه‌هایی با عنوان جلسه‌های پرسش و پاسخ دینی است. در این جلسه‌ها، شرکت کنندگان می‌توانند پرسش‌های خود را به صورت کتبی و شفاهی مطرح کنند و روحانی کاروان یا کارشناسان دیگر به این پرسش‌ها پاسخ دهند. کتبی بودن پرسش‌ها این امکان را به شرکت کنندگان می‌دهد که پرسش‌هایی را که نمی‌توانند حضوری بپرسند، مطرح کنند و پاسخ آن را بگیرند.

از آنجا که یکی از اهداف مهم برگزاری این جلسه‌ها یا در حقیقت، هدف اصلی آن، فرهنگ‌سازی برای حجاب است، باید در این جلسه‌ها پرسش‌های هدف‌داری درباره حجاب مطرح کنیم و به بهانه پاسخگویی به این پرسش‌ها، به طرح مباحث حجاب و معضلات بدحجابی پردازیم. البته این کار باید به صورتی حساب شده و دقیق انجام شود تا هم ما را به اهدافمان برساند و هم حساسیت برانگیز نباشد. منظور از حساسیت برانگیز نبودن این است که پرسش‌ها و پاسخ‌ها نباید به گونه‌ای باشد که افراد شرکت کننده، به ویژه کسانی که چادری نیستند، از این جلسه‌ها احساس شرمساری کنند و دیگر در این گونه جلسه‌ها شرکت نکنند. بلکه فقط یک تذکر لطیف و ظریف و غیر مستقیم باشد و کرامت افراد حفظ گردد؛ زیرا ممکن است برگزاری این جلسه‌ها نتیجه عکس داشته باشد و افراد بدحجاب تصور کنند که عده‌ای می‌خواهند آبروی آنها را خدشه‌دار کنند.

۵. تهیه فیلم و گزارش

مسئولان محترم حج و زیارت می‌توانند گزارش مستند و مفصلی از ناهنجاری‌های رفتاری زائران تهیه کنند و پیش از سفر برای زائران کاروان پخش کنند. این ناهنجاری‌ها و آسیب‌های رفتاری می‌تواند شامل بی‌نظمی‌ها و سرموقع نیامدن زائران و معطل کردن دیگران، پرسه‌زدن‌های زیاد در بازارها به‌ویژه هنگام نماز، ترک مسجد و حرم هنگام پخش اذان، بی‌توجهی به مناسک و احکام عبادی، اسراف در استفاده از آب و غذا، زیاده‌روی در خرید سوغاتی، رعایت نکردن بهداشت فردی، مزاحمت برای دیگران در هتل‌ها و از همه مهم‌تر، رعایت نکردن پوشش مناسب و حجاب بانوان باشد.

بی‌شک، پخش فیلم، به دلیل سمعی و بصری بودن آن و نیز به این دلیل که معضلات رفتاری را به صورت عینی نشان می‌دهد، تأثیر آن بسیار بیشتر از سخنرانی خواهد بود. در این فیلم‌ها می‌توان مشکل بدحجابی و پوشش‌های نامناسب را برجسته‌تر کرد و نشان داد که چگونه مخالفان مکتب تشیع، از این موضوع بهره‌برداری سیاسی می‌کنند.

برای تهیه فیلم باید از کارگردان‌های با تجربه استفاده کرد تا بسیار هنرمندانه و جذاب، این مشکل مهم را که متأسفانه روز به روز در حال افزایش است، نشان دهند.

پیشنهاد می‌شود در ساخت فیلم، افزون بر گفتن سخنان جذاب و روشن‌گرانه درباره پیامدهای منفی بدحجابی، به آیات و روایات حجاب نیز اشاره شود. همچنین درباره فتوای مراجع بزرگوار درباره لزوم

ص: ۱۷۵

رعایت حجاب، به عنوان یک واجب الهی و یکی از شرایط احرام حج و عمره، توضیحاتی داده شود.

۶. برگزار کردن مسابقه‌های علمی حجاب

از دیگر راه‌های خوب و مؤثر که توجه افراد را به حجاب و اهمیت آن جلب می‌کند، برگزاری مسابقه است. در این باره می‌توان سه نوع مسابقه برگزار کرد:

الف) مسابقه برای نوشتن بهترین خاطره حجاب، به‌ویژه اگر خاطره کسانی باشد که نسبت به حجاب متحول شده‌اند یا خاطراتی درباره آثار حجاب یا بدحجابی و مانند آن. برای برگزاری این مسابقه، می‌توان این موضوع‌ها را پیشنهاد کرد: خاطره درباره تحول و حجاب، خاطره حجاب و امنیت برای زن، حجاب و تحکیم روابط خانوادگی، حجاب و احساس آرامش، حجاب و تأثیرگذاری در افراد بدحجاب، حجاب و ناکام شدن افراد فرصت‌طلب و بیماردل، حجاب و بالا رفتن ارزش زن و به‌طور کلی خاطرات مثبت و منفی درباره حجاب.

ب) مسابقه مقاله‌نویسی درباره حجاب و آثار آن و موضوعات مرتبط با حجاب، به‌ویژه رعایت حجاب در اماکن مقدس. در این مسابقه افراد تشویق می‌شوند تا درباره این موضوع بیندیشند و به اهمیت زن بیشتر توجه کنند. موضوع‌هایی که برای این مقاله‌ها پیشنهاد می‌شود، همان موضوع‌هایی است که در مسابقه خاطره‌نویسی گفته شد.

ج) تهیه سؤال‌های مسابقه به صورت تستی و تشریحی در قالب

ص: ۱۷۶

مجموعه‌ای از آداب سفر زیارت، از جمله حجاب و توزیع آن بین افراد کاروان. سؤال‌های بخش حجاب باید برجسته‌تر از دیگر بخش‌ها باشد. این مجموعه سؤال‌ها می‌تواند در ایران و پیش از سفر، بین زائران توزیع شود تا خانواده‌های زائران نیز با آن آشنا شوند و حجاب در میان آنها نیز تبلیغ شود.

وقتی این سه مسابقه برگزار شد، می‌توان از میان شرکت کنندگان، به بهترین پاسخ‌دهندگان جوایز خوب و مناسب داده شود. البته در مسابقه اول و دوم، افزون بر اهدای جایزه، می‌توان از برندگان خواست مقاله یا خاطره خود را در بین جمع بخوانند که این کار خود، تبلیغ مضاعفی از فرهنگ حجاب خواهد بود.

۷. تقویت روحیه افراد متحول شده به وسیله حجاب

اشاره

سفرهای زیارتی به دلیل دارا بودن فضای معنوی خاص، تأثیر بسیاری بر روح و روان افراد می‌گذارد و سبب تحولات مثبت فراوانی در آنها می‌شود. گاه افرادی به این سفرها مشرف می‌شوند که تا به حال چنین تجربه‌های نابی نداشته‌اند. بسیاری از افراد در این سفرها و تحت تأثیر فضای معنوی، برای نخستین بار دلشان می‌شکند و اشکشان جاری می‌شود. حتی کسانی که عمری نماز خوانده‌اند، وقتی در این فضاها معنوی قرار می‌گیرند، تازه لذت عبادت حقیقی را می‌فهمند و درمی‌یابند که نمازهای قبلی آنها، به ظاهر نماز بوده و روح عبادت در آن نبوده است.

ص: ۱۷۷

در سفرهای زیارتی و در این مدت کوتاه، درهای روح و جان انسان باز و آماده پذیرش حقایق و آموزه‌های الهی می‌شود. از این رو مسئولان محترم کاروان‌ها و روحانیان بزرگوار، باید از این فرصت طلا-یی بهترین بهره را برای تثبیت این حالات خوب ببرند و بکوشند این حالات خوش معنوی ایجاد شده، به تحول عمیق روحی تبدیل گردد.

راه‌کارهای تقویت تحول

برای بیشتر شدن تحول معنوی در زائران، سه راه کار پیشنهاد می‌شود:

الف) با برداشتن موانع تحول، راه را برای افزایش زمینه‌های تحول هموار سازیم. برای ایجاد زمینه تحول در زائران، می‌توان از جلسه‌های بیان اسرار و معارف زیارت بهره گرفت. این جلسه‌ها که با همکاری روحانیان کاروان‌ها تشکیل می‌شود، نقش فراوانی در ایجاد زمینه‌های تحول ایفا می‌کند. روحانیان محترم می‌توانند با بیان اسرار و معارف زیارت و مقدمات معنوی سفر، زمینه تحول را برای زائران فراهم کنند. همچنین زائران را پیش از سفر به توبه کامل دعوت کنند یا اگر آنان حقی الهی را ضایع کرده‌اند یا حق الناسی برعهده آنان است، تا جایی که ممکن است، جبران کنند تا از این سفر، بهره کافی ببرند و زمینه تحول را برای خویش فراهم کنند.

راه دیگر برای فراهم کردن مقدمات تحول و تغییر روحی زائران، برگزاری جلسه‌های دعا و مراسم مذهبی در طول سفر است. همان گونه که در بحث‌های گذشته اشاره شد، قلب و روح افراد هنگام نیایش و دعا

ص: ۱۷۸

آماده‌تر می‌شود. از این رو این زمان‌ها بهترین فرصت برای بهره‌برداری معنوی و اثرگذاری اخلاقی و تحول روحی به‌شمار می‌رود. بنابراین، مداحان محترم باید توجه داشته باشند که هدف از توسل در عزاداری‌ها و مداحی‌ها، فقط اشک ریختن و شکسته شدن دل نیست. هدف اصلی این است که انسان بتواند پیوندی محکم و ناگسستنی میان خود و مقام ولایت ایجاد کند. حضرت امام خمینی (رحمه الله) فرمود: «این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است»؛^(۱) یعنی این عزاداری‌ها و توسلات است که سبب شده میان مردم و دینشان پیوند ایجاد شود. از این رو روحانیان محترم باید این حقایق را به مداحان عزیز یادآوری کنند تا از این هدف دور نشوند. بنابراین برای ایجاد تحول روحی و معنوی در زائران، نخستین کار ایجاد زمینه برای بروز این تحول است.

ب) دومین کاری که لازم است برای تحول روحی زائران صورت گیرد، تثبیت تحول ایجاد شده است. وقتی زمینه تحول را در کاروان ایجاد کردیم، نباید از وضعیت روحی و روانی افراد غافل شویم. یک کشاورز وظیفه‌اش فقط شخم زدن زمین و پاشیدن بذر نیست. بلکه باید منتظر بماند تا ببیند آیا بذرهای کاشته شده، سر از زمین در می‌آورد؟! در تحولات معنوی نیز همین گونه است. بی‌شک، افراد بسیاری در این سفرها دچار انقلاب درونی می‌شوند که اگر این تحول درونی تقویت شود، کم‌کم به مرحله تثبیت می‌رسد. البته باید مواظب افراطها و

۱- صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۳۰.

ص: ۱۷۹

تفریطها باشیم و از جاده تعادل خارج نشویم. به هر حال، سفرهای زیارتی از بهترین موقعیت‌ها برای تثبیت تغییرات و تحولات روحی به حساب می‌آید.

یکی از تحولاتی که انتظار می‌رود میان کاروانیان به وجود آید، تغییر در پوشش و حجاب زنان است که مصداقی از تحول و انقلاب درونی است. برخی بانوان، وقتی در فضای معنوی اماکن مقدسه قرار می‌گیرند، پوششان کامل‌تر می‌شود و حجاب بهتری پیدا می‌کنند؛ ولی چون به مرحله تثبیت نمی‌رسند، وقتی از این فضا خارج می‌شوند، دوباره به حالت اول باز می‌گردند. از این رو مرحله تثبیت، بسیار اهمیت دارد؛ زیرا اگر این تحولات تثبیت نشود، تلاش سازمان حج و زیارت و مسئولان فرهنگی در این زمینه، بی‌نتیجه خواهد می‌ماند.

مرحله تثبیت، خود راه‌کارهایی دارد که قدم اول آن، شناسایی افراد متحول شده است. به این نکته نیز باید توجه کرد که میزان تحول در همه افراد یکسان نیست. برخی افراد، راه صدساله را یک‌شبه می‌روند. برخی افراد نیز برای رسیدن به تحول کامل، به کمک و تشویق دیگران نیاز دارند؛ برای مثال، برخی خانم‌ها که حجاب چادر ندارند، بسیار به پوشیدن چادر علاقه‌مند هستند. ولی تصور می‌کنند با پوشیدن چادر، ممکن است مورد تمسخر دیگران واقع شوند. در این موارد باید چنان افکار آنها را تقویت کرد که به راحتی تحول ایجاد شده را بپذیرند؛ برای مثال، کاری کنیم که چادر سفید احرام را تا پایان سفر از خود دور نکنند. سپس در کنار این کار عملی، باید فعالیت‌های فکری و شناختی نیز برای

ص: ۱۸۰

آنها داشته باشیم.

گفتنی است راه‌کارهای تثبیت تحول، به سلیقه و تجربه روحانیان و مسئولان کاروان بستگی دارد. به‌طور کلی، اگر افراد متحول شده را مورد توجه و تشویق قرار دهیم و در آنان نسبت به حفظ حالات معنوی، نوعی خودآگاهی به‌وجود آوریم، راه رسیدن به مرحله تثبیت را هموار ساخته‌ایم.

پیشنهاد می‌شود بعثه مقام معظم رهبری، با افراد متحول شده جلسه داشته باشند و از زبان خود آنان، حالات روحی ایجاد شده برای آنها را بشنوند. این کار نوعی تشویق برای آنان به‌شمار می‌رود. شنیدن ماجرای تحول روحی از زبان خود فرد، موجب تثبیت بیشتر حالات و نیز سبب تشویق فرد متحول خواهد شد. همچنین از مصاحبه و تهیه فیلم و گزارش و درج آن در خبرنامه سازمان یا روزنامه زائر نیز می‌توان برای این کار استفاده مطلوب کرد.

راه دیگر تثبیت این حالات، این است که از فرد بخواهیم به میان جمع بیاید و درباره تحول روحی خود صحبت کند تا در دیگران نیز تأثیر مثبت بگذارد. البته بهتر است پیش از آن، روحانی کاروان، مقدمه کوتاهی درباره آثار معنوی زیارت بر حالات روحی انسان بیان کند. گفتنی است استفاده از تشویق‌های مادی برای این افراد، ممکن است تأثیر منفی داشته باشد. مگر آنکه بسیار حساب شده باشد و همه جوانب آن در نظر گرفته شود.

ج) سومین کار برای کسانی که تحت تأثیر فضاهای معنوی زیارت

ص: ۱۸۱

قرار می‌گیرند و دچار تحول درونی می‌شوند، پس از تثبیت، پیگیری است. منظور از پیگیری این است که پس از بازگشت از سفر، ارتباط مسئولان کاروان، به‌ویژه روحانی کاروان با زائرانی که تحول روحی و معنوی پیدا کرده‌اند، قطع نشود. این پیگیری سبب می‌شود تحول ایجاد شده، دوام بیشتری پیدا کند و حتی همیشگی شود.

شایسته است مسئولان سازمان حج و زیارت گاهی از این افراد خبری بگیرند، مثلاً آنها را در برخی جلسه‌های عمومی دعوت کنند یا برایشان نشریه‌ای بفرستند و درباره تحول روحی آنها و حالات معنوی خوبی که پیدا کرده‌اند، بررسی و پرسش کنند. این گونه کارها سبب می‌شود تلاش‌هایی که برای تحول این افراد داشته‌اند، هدر نرود.

ممکن است برخی خوانندگان تصور کنند عملی ساختن این پیشنهادها کار دشواری است، ولی اگر بر انجام آن مصمم باشیم، خواهیم دید که شدنی است. امروزه در بسیاری از کشورها این نوع پیگیری‌ها برای اهداف مادی و جلب رضایت مرد صورت می‌گیرد. حتی برخی از تولیدکنندگان یا فروشندگان برای تبلیغ کالاهای خود و کسب رضایت مشتری، پیگیری‌های بسیاری دارند. مؤسسه‌های مشاوره نیز نتایج خدمات مشاوره‌ای خود را پیگیری می‌کنند؛ برای مثال در یکی از کشورهای اروپایی، خانمی که تبعه اصلی آن کشور نیز نبود، با همسرش اختلاف پیدا کرده و به مشاوره مراجعه کرده بود. مشاور، نظر به جدایی داد. آن‌گاه دولت منزلی با تمام وسایل لازم برای او تهیه کرد و هفتصد دلار حقوق ماهیانه نیز برای او در نظر گرفت تا بتواند زندگی مستقلی

ص: ۱۸۲

داشته باشد و این گونه نبود که فقط مشاوره‌ای بدهند و دیگر پیگیر ماجرا نباشد. این گونه عمل کردن در احکام اسلامی نیز وجود دارد؛ برای مثال رسول خدا (صلی الله علیه و آله) یا امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در مواردی مانند رسیدگی به ایتم، به دست آوردن دل‌ها و مانند آن، مخارجی از بیت‌المال برمی‌داشتند و در این امور مصرف می‌کردند. امروزه فقهای ما بر همین اساس و تحت امور حسبه عمل می‌کنند و فتوا نیز می‌دهند. ما اگر بخواهیم کار فرهنگی موفقی داشته باشیم، باید این گونه هزینه‌ها را نیز متقبل شویم. در مقابل، می‌توانیم بسیاری از هزینه‌های اضافی را حذف کنیم.

نکته دیگری که اهمیت پیگیری را دو چندان می‌کند، این است که برخی زائران در محیطهایی زندگی می‌کنند که چندان معنوی و مذهبی نیست و مقاومت در برابر فشار چنین فضاهایی کار دشوار است. چه بسا خانمی محجبه شده و تصمیم گرفته باشد، چادر به سر کند، ولی خانواده و فامیل او این اجازه را نمی‌دهند و دوباره او را وادار می‌کنند به شکل سابق برگردد. نمی‌توان انتظار داشت در این چند روز سفر زیارتی، شخصیت فرد چنان تغییر کرده باشد که تحت تأثیر این گونه فشارها قرار نگیرد. بنابراین حمایت معنوی از این افراد پس از سفر، امری لازم و ضروری است.

همان‌طور که گفته شد، برای حمایت معنوی از این افراد، گاه باید هزینه‌هایی صرف شود، ولی ارزش آن را دارد. برای تنوع در این حمایت‌ها، افزون بر آنچه گفته شد، می‌توان از راه کارهای دیگری نیز استفاده کرد؛ برای مثال، برای شرکت در یک اردو از آنها دعوت شود. در

ص: ۱۸۳

هر شهر یا استان، در طی چند سال، تعدادی از این افراد یافت می‌شوند. با این افراد می‌توان جلسه‌هایی در قالب اردو یا افطاری ماه رمضان یا جشن‌های مذهبی برگزار و تجدید خاطره‌ای از عمره و آثار آن کرد. همچنین می‌توان مانند حافظان قرآن یا افراد تازه‌مسلمان یا مستبصر، از آنها دعوت کرد در جلسه‌های عمومی خاطره بگویند تا هم حالات معنوی آنها تقویت گردد و هم در افراد حاضر در مجلس تأثیر مثبت داشته باشد. می‌توان در مدارس دخترانه یا در جمع دانشجویان دختر از این خانم‌ها استفاده کرد. بی‌شک، مسئولان فرهنگی سازمان حج و زیارت و روحانیان و مدیران محترم کاروان‌ها، ایده‌های بهتری دارند که با به کارگیری آن، پیگیری را بهتر می‌توان عملی کرد.

۸. سخت‌گیری به رعایت حجاب

سازمان حج و زیارت می‌تواند از ثبت نام زائرانی که شئون اسلامی به‌ویژه حجاب را رعایت نمی‌کنند، جلوگیری کند. برای این کار می‌توان قوانینی وضع کرد که زائران را به رعایت شئون اسلامی ملزم کند. البته این نکته را نباید فراموش کرد که این قانون، باید بسیار دقیق و حساب شده اجرا شود. نخست باید با متقاضیان بدحجاب، به‌طور منطقی صحبت کرد و قانون حجاب کامل، یعنی استفاده از چادر را به آنها تذکر داد. سپس از آنها و خانواده‌شان درباره رعایت حجاب و پوشیدن چادر تعهد گرفت. در پاسخ به کسانی که معتقدند نباید مسائل دینی را به افراد اجبار

ص: ۱۸۴

کرد، می‌توان گفت سازمان حج و زیارت که با زحمت بسیار، زائران را اعزام می‌کند و امکانات بسیار خوبی نیز در اختیار آنان قرار می‌دهد، این حق را دارد به منظور حفظ شئون دینی و شعائر اسلامی و آبروی جمهوری اسلامی ایران، پوشیدن چادر و رعایت حجاب کامل را برای همه بانوان الزام کند؛ همان‌گونه که تزریق واکسن مننژیت و مانند آن را برای همه الزام می‌کند. استفاده بانوان از چادر و پوشش کامل، افزون بر مزایایی که گفته شد، سبب یک‌شکل شدن پوشش بانوان زائر ایرانی می‌شود که این کار، جلوه زیبایی به کاروان‌های ایرانی خواهد بخشید.

۹. تشویق مدیران موفق

سازمان حج و زیارت باید مدیرانی را که هنگام ثبت‌نام از زائران زن، به رعایت حجاب کامل آنان تأکید می‌کنند و نیز در طول سفر نسبت به رعایت حجاب، تدابیر لازم را می‌اندیشند، تشویق کنند. در مقابل، باید با مدیرانی که به این موضوع اهمیت نمی‌دهند، برخورد کنند و آنها را از ادامه فعالیت برای مدتی کوتاه یا در صورت تکرار، برای همیشه محروم کنند. البته برای اجرای کامل این طرح، ضروری است جلسه‌ها و کارگاه‌های دانش‌افزایی و توجیهی لازم برای مدیران و دست‌اندرکاران کاروان‌ها برگزار شود تا هیچ نقطه مبهمی برای آنها باقی نماند.

ص: ۱۸۵

کتابنامه

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. آیا حجاب ضرورت دارد؟، شهریار روحانی، (بررسی مسئله پوشیدگی از دیدگاه روان‌شناختی)، تهران، نشر اشراقیه، ۱۳۶۹هـ. ش.
۲. آیین بهزیستی، احمد صبور اردوبادی، تهران، انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶هـ. ش.
۳. الاحتجاج، ابومنصور احمد بن علی الطبرسی، بیروت، انتشارات الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳هـ. ق.
۴. استفتانات، امام خمینی (رحمه الله)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲هـ. ش.
۵. اسدالغابه، عزالدین علی بن محمد الشیبانی (ابن اثیر)، تهران، انتشارات اسماعیلیان، بی تا.
۶. الاصول و الفروع من الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷هـ. ش.
۷. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳هـ. ق.

ص: ۱۸۶

۸. البرهان فی تفسیر القرآن، سید هاشم بحرانی، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۳۳۴ ه. ش.
۹. پرسمان حجاب، حسین مهدی زاده، (پژوهشی در باب پوشش از دیدگاه قرآن)، قم، صهبای یقین، ۱۳۸۶ ه. ش.
۱۰. پوشش زن در اسلام، محمد محمدی اشتهااردی، قم، انتشارات ناصر، ۱۳۷۴ ه. ش.
۱۱. تفسیر راهنما، اکبر هاشمی رفسنجانی، ج ۱۳، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ ه. ش.
۱۲. تفسیر قمی، ابو الحسن علی بن ابراهیم قمی، بیروت، دارالسورور، ۱۴۱۱ ه. ق.
۱۳. تفسیر نور، محسن قرائتی، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۶ ه. ش.
۱۴. تهذیب الاحکام، محمد بن حسن طوسی، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۷۶ ه. ش.
۱۵. حجاب و نقش آن در سلامت روان، عباس رجبی، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۸۴ ه. ش.
۱۶. الخصال، محمد بن علی بن الحسین صدوق، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۱۷. دانستنی‌هایی درباره ازدواج، عصمت حداد، قم، انتشارات مهدی یار، ۱۳۸۸ ه. ش.
۱۸. دختران راهی دیگر، کارول ان آنوی، ترجمه: محمدعرب و ناهید آزاد منش، تهران، انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴ ه. ش.
۱۹. روح زن، جینا لمبروزو، تهران، انتشارات دانش، ۱۳۶۹ ه. ش.
۲۰. زن به ظن تاریخ، بنفشه حجازی، تهران، انتشارات شهر آب، ۱۳۷۰ ه. ش.

ص: ۱۸۷

۲۱. سنن ابی داود، ابو داود سلیمان بن الأشعث، بیروت، انتشارات الکتب الثقافیه، ۱۴۰۹ ه. ق.
۲۲. السیره الحلبیه، علی بن برهان الدین الحلبی، (بی جا)، انتشارات المکتبه الاسلامیه، (بی تا).
۲۳. شجره طوی، حاء، عین، قم، نشر مکتب اهل البیت.
۲۴. صداقت، سیدعلی اکبر، تحفه دانشجو.
۲۵. عرفان حج، عبدالله جوادی آملی، قم، نشر مشعر، ۱۳۷۸ ه. ش.
۲۶. عفاف سرچشمه زیبایی، عبدالکریم پاک نیا، قم، انتشارات نورالزهرا، ۱۳۹۰ ه. ش.
۲۷. عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، محمد بن علی بن الحسین صدوق، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ ه. ش.
۲۸. غررالحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد الآمدی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷ ه. ش.
۲۹. فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی، احمد رحمانی همدانی، تهران، انتشارات منیر، ۱۳۷۸ ه. ش.
۳۰. فرائد السمطین فی فضایل المرتضی و البتول و السبطین، ابراهیم بن سعد الدین حموینی، بیروت، مؤسسه المحمودی، ۱۳۹۸ ه. ق.
۳۱. کتاب مقدس، تهران، نشر اسماء، ۱۳۸۴ ه. ش.
۳۲. کشف الغمه، علی بن عیسی اربلی، بی جا، بی تا.
۳۳. کمال الدین، محمد بن علی بن الحسین صدوق، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۸۰ ه. ش.

ص: ۱۸۸

۳۴. کیمیای محبت، محمد محمدی ری شهری، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵ ه. ش.
۳۵. ماهنامه پیام زن، سال هشتم، شماره هفتم، مهر ۱۳۷۸ ه. ش.
۳۶. مجله آب، آینه، آفتاب، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۸۲ ه. ش.
۳۷. مجموعه آثار، مرتضی مطهری، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹ ه. ش.
۳۸. مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید، سید محسن محمودی، ورامین، انتشارات علمی فرهنگی صاحب الزمان، ۱۳۸۰ ه. ش.
۳۹. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزا حسین نوری طبرسی، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ ه. ق.
۴۰. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن الحسین صدوق، نجف، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷ ه. ق.
۴۱. مهر تابان، سید محمدحسین حسینی تهرانی، مشهد، نشر علامه طباطبایی، ۱۳۷۹ ه. ش.
۴۲. نقش زنان صالحه در اصلاح جامعه، سید نعمت الله حسینی، قم، انتشارات عصر انقلاب، ۱۳۸۴ ه. ش.
۴۳. نماز بانوان، عباس عزیزی، قم، نشر صلاه، ۱۳۸۵ ه. ش.
۴۴. نهج الفصاحه، ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۰ ه. ش.
۴۵. وسائل الشیعه، محمد بن الحسن الحر العاملی، قم، انتشارات مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ه. ق.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

